

اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جنبش انصار الله یمن

گروه مطالعات راهبردی معاونت فرهنگی

گزارش راهبردی - شماره ۷

چاپ دوم با اضافات

با آثاری از:

حجه الاسلام و المسلمین اختری (دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت)؛ عبدالرحمان بن محمد بن علی شمس الدین (مفتی جنبش انصارالله)؛ دکتر محمد مفتاح (دبیرکل حزب الامه یمن)؛ سید یحیی طالب مشاری (نماینده جنبش انصارالله در لبنان)؛ عادل محمد احمد المالکی (عضو شورای زیدیه و از اعضای انصارالله)؛ عبدالوهاب یحیی المحطوری (عضو شاخه دانشجویی انصارالله)؛ دکتر سید علی موسوی نژاد؛ دکتر محمد اسماعیل نباتیان؛ مختار شیخ حسینی و...


بسم الله الرحمن الرحیم

جنبش انصار الله یمن

نویسنده:

مختار شیخ حسینی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جنبش انصار الله یمن

مشخصات کتاب

سرشناسه: شیخ حسینی، مختار، ۱۳۶۴

عنوان و نام پدیدآورنده: جنبش انصارالله یمن / به کوشش مختار شیخ حسینی

. مشخصات نشر: قم : مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۸۹ ص.

۸۲۹-۵۲۹-۹۶۴-۹۷۸- شابک: ۴

وضعیت فهرستنویسی: فیپا

موضوع: انصارالله(یمن)

موضوع: یمن -- تاریخ -- قرن ۲۰ م . -- جنبش های اسلامی

موضوع: جنبش های اسلامی -- یمن

موضوع: مجتهدان و علما -- یمن -- مصاحبه ها

موضوع: انصارالله(یمن) -- مصاحبه ها

رده بندی کنگره : DS۲۴۸/ی۸ن۳ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۳

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

به کوشش: مختار شیخ حسینی

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام)

صفحه آرا: قاسم بغدادی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: اسفند ۱۳۹۳

چاپخانه: خاتم الانبیاء

شمارگان:۵۰۰

شابک: ۴-۸۲۹-۵۲۹-۹۶۴-۹۷۸

www.ahl-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

www.abwacd.com

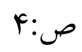
www.abna.ir

قم، بلوار جمهوری اسلامی، نبش کوچه ۶. تلفن: ۳۲۱۳۱۲۲۱ - ۰۲۵

تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره۲۲۸. تلفن: ۸۸۹۷۰۱۷۱ - ۰۲۱

ص:۱

اشاره



فهرست مطالب

بیانات امام خمینی(ره) درباره مبارزه با اسلام آمریکایی

«راه مبـارزه با اسـلام امریکایی از پیچیـدگی خاصـی برخوردار است که تمامی زوایای آن بایـد برای مسـلمانان پابرهنه روشـن گردد؛ کـه متأسـفانه هنـوز برای بسـیاری از ملـت هـای اسـلامی مرز بین «اسـلام امریکـایی» و «اسـلام نـاب محمـدی» و اسـلام پابرهنگـان و محرومـان، و اسـلام مقـدس نماهای متحجر و سـرمایه داران خدانشـناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشـخص نشـده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسـی بسـیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسـیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسـین، در میان ما بود. وظیفـهٔ همهٔ علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسـلام عزیز را از ایادی شـرق و غرب نجات دهند».

(صحیفه امام، ج۲۱، ص۱۲۱)

ص:۹

بیانات مقام معظم رهبری درباره ماهیت جنبش ها و انقلاب های منطقه

«صحبت از عزت ملی است. این جنبش ها و انقلاب های منطقه را که نگاه کنید، می بینید همه مرتبط با عزت ملت است. این انقلاب ها، از یمن و بحرین بگیرید تا مصر و لیبی و تونس و همچنین کشورهایی که هنوز آتش زیر خاکسترند و یک روزی شعله ور خواهند شد، همه اینها انگیزه شان بازگشت به عزت ملی و عدالت اجتماعی و آزادی، و همه در سایه ی اسلام است. اینکه می گوییم بیداری اسلامی، این حرف پایه دار است، ریشه دار است. ملت های مسلمان عدالت را می خواهند، آزادی را می خواهند، مردم سالاری را می خواهند، اعتنای به هویت انسان ها را می خواهند؛ اینها را در اسلام می بینند، نه در مکاتب دیگر؛ چون مکاتب دیگر امتحان داده و شکست خورده اند. بدون مبنای فکری هم که نمی شود به این اهداف بلند دست پیدا کرد. آن مبنای فکری بر حسب ایمان و اعتقاد ملت های منطقه عبارت است از اسلام و بیداری اسلامی. ماهیت جنبش ها این است».

(مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۳۹۱/۰۳/۱۴)

ص:۱۰

سخن مجمع

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت(علیهم السلام) است به دنیای اسلام، بلکه به سراسر عالم. چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت(علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری، ۲۸/ ۵/ ۱۳۸۶)

مکتب اهل بیت(علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمّدی(علیهما السلام) و متّکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استدلال و منطق قوی برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا(علیه السلام) فرمودند:

«فإنّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتّبعونا» [شیخ صدوق(رحمه الله)، عیون اخبار الرضا، ج۲:۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه اطهار(علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران عالم و فقیه، در طی قرون گذشته، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام

ص:۱۱

خمینی(قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبّان اهل بیت(علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارك است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّظلّه العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی/ ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت(علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت(علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت(علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

معاونت فرهنگی مجمع با هدف کلانِ بررسی و تبیین وضعیت شیعیان در کشورهای مختلف و ارائه شناختی واقعی از وضعیت مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیروان اهل بیت(علیهم السلام)، پژوهشکده مطالعات راهبردی را تأسیس نمود. پیچیدگی ها، چالش ها و بحران های متعدد در مناطق شیعه نشین، ضرورت

ص:۱۲

شناخت وضعیت آنها و ترسیم برنامه های مجمع، به عنوان یک مردم-نهاد بین المللی، با ابتنای بر این شناخت را روشن می کند.

پژوهشکده مطالعات راهبردی در راستای نیل به اهداف فوق، تدوین سلسله گزارش های راهبردی را به عنوان مهم ترین برنامه های پژوهشی خود تعریف نموده است.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهشگر فرهیخته جناب آقای مختار شیخ حسینی است که با هدف تحلیل تحوّلات سیاسی یمن با تأکید بر جنبش انصارالله تدوین گردیده است، این گزارش راهبردی مشتمل برمقالات، مصاحبه های متعدد باکارشناسان یمنی و ایرانی ونشست های تخصصی می باشد.

بر خود لازم می دانم، از دبیرکل محترم مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام) حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای اختری(دام عزّه)، و نیز از پژوهشگر محترم جناب آقای مختار شیخ حسینی و همچنین آقایان دکتر محمداسماعیل نباتیان، محمد بهرامی، سید محمد مهدی عمادی، سید ابراهیم معصومی، مرتضی اشرافی، محمدجواد خرسندی، مرضیه فلاحی، رضا آقابراری و همکاران عزیزی که در آماده سازی، نشر و چاپ مجموعه آثار همایش تلاش کرده اند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت می کنم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت(علیهم السلام) در سراسر جهان، از

دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیختگان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت(علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی «عجّل الله تعالی فرجه الشریف».

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص:۱۴

جنبش انصارالله و آینده قدرت در یمن

مختار شیخ حسینی (۱)

مقدمه

یمن از نظر تاریخی، یکی از مهم ترین کشورهای اسلامی محسوب می شود که به جهت برخورداری از موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی، برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای امکانات بالقوه ای را در اختیار دارد؛ اما بعد از اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ روند انتقال قدرت به کندی پیش رفت و این کشور به نظامی دیکتاتورمحور تبدیل شد که علی عبدالله صالح و هم پیمانان او قدرت را به نفع خود قبضه کرده و با گسترش فساد و وابستگی به قدرت های خارجی، زمینهٔ عقب ماندگی روزافزون این کشور را فراهم نمودند. بیداری اسلامی در تونس و مصر، مردم یمن را به اعتراض برضد

۱- (۱)) . دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر گروه مطالعات راهبردی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

دیکتـاتوری موجود در این کشور ترغیب کرد. بـا گسترش این مخالفت ها، براساس طرح شورای همکاری خلیـج فارس، «علی عبـدالله صالـح» بـا کسب مصونیت قضـایی، از قـدرت کنـاره گیری کرده و در دورهٔ انتقالی «منصورهادی» قـدرت را به دسـت گرفت. عـدم پـای بنـدی دولت موقت به نتایـج گفتگوهای ملی، گسترش فساد در دولت و افزایش قیمت حامل های انرژی در این کشـور، زمینـهٔ نارضـایتی مردم از دولت موقت را فراهم آورد و جنبش انصـارالله بـا درخواست اصـلاح وضع موجود، وارد صحنـهٔ سیاسـی یمن شـد که با اسـتقبال گسترده مردم مواجه گردیـد؛ عـدم موافقت و همراهی دولت موقت به ریاست «عبدربه منصور هـادی» بـا خواسـته هـای انقلابیون و نیز اصـرار انصارالله برای مبارزه با فساد داخلی و جلوگیری از نفوذ خارجی، دولت منصور هادی را با استعفا مواجه کرد و رئیس جمهور به صورت مخفیانه به بندرعدن فرار کرد.

در حال حاضر انصارالله با تشکیل کمیته های انقلابی اداره کشور را در اختیارگرفت است، امابرخی ازاستان ها از صنعاء پیروی نمی کننـد. تحلیل تحولات اخیر یمن مسـتلزم شـناخت مراکز قـدرت در این کشوردارد تا بتوان چشم انـداز آینده این کشور را تصـورکرد. درایـن راسـتا بـه بررسـی نقش جریـان هـای تأثیرگـذار داخلی نظیر: جنبش هـای اسـتقلال طلـب جنـوب(الحراك الجنوبيه)، القاعده، حزب الاصلاح،

ارتش، حزب الرشاد، قبیله حاشـد(آل احمر). و نقش قـدرت های منطقه ای بین المللیماننـد: آمریکا، عربسـتان، ایران، روسـیه پرداخته و معادله قدرت در یمن و چشم انداز پیش روی این کشور تحلیل خواهیم کرد.

تاریخ سیاسی معاصر یمن

یمن بر اساس دو متغیر اهمیت ویژه ای یافته است؛ یکی موقعیت جغرافیایی وتسلط آن بر دریای سرخ و در اختیار داشتن کنترل عبور کشتی هـای بین المللی در در تنگه استراتژیـک بـاب المنـدب و همچنین ذخایر نفتی خود یمن است که این کشور را در بـازار تولیـد و حمـل و نقـل انرژی در جایگـاه مهمی قرار داده است. متغیر دوم جمعیت نسـبتاً زیاد این کشور(حـدود۲۵میلیون نفر)است که این نیروی انسانی را می توانـد به فرصتی برای یمن نسـبت به دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تبدیل کند (الصلاحی، ۱۶ :۲۰۱۰) البته جغرافیا همان طور که نقطه قوتی برای این کشور محسوب، شود در صورت عدم سلطه دولت مرکزی بر این کشور، می تواند یمن را به پایگاهی برای گروه های تروریستی مانند القاعده تبدیل نماید.

به لحـاظ اقتصـادی این کشور علی رغم در اختیار داشـتن منابع متعـدد نفتی و کشاورزی و دسترسـی به دریا، یکی از فقیرترین کشورها

جهـان و دارای یکی از فاسـدترین سیسـتم هـای اداری می باشـد. در صـورت اسـتثناء کشورهـای جنوب صـحرای افریقـا، یمن فقیرترین کشور دنیاست که میانگین درآمد سالانه یک فرد در یمن در سال ۲۰۰۹ معادل ۱۰۶۰دلار بوده است و میزان بیکاری حدود۴۰ درصـد و حـدود نصف جمعیت نیز در زیر خـط فقر به سـر می برنـد. حـدود ۹۰ درصـد صـادرات این کشور را نفت تشکیل می دهد و تولید نفت این کشور در سال ۲۰۰۴ میلادی به حدود ۴۱۰ هزار بشکه در روز و در سال ۲۰۰۷ به ۳۲۰ هزار بشکه رسید. بر اساس برخی منابع نفت یمن در ۲۰ سال آینده تمام خواهد شد. (الفقیه،۲۰۱۰-۲۶:۲۵).

رتبه این کشور به لحاظ شاخص توسـعه انسانی در سال ۲۰۰۳ میلادی از بین ۱۷۷ کشور، ۱۴۸ بوده است (جازع،۲۰۱۱ :۱۵) به لحاظ مـذهبی نیز حدود۷۰ درصـد جمعیت این کشـور سـنی شـافعی هسـتند که در منـاطق شـرقی، جنوب، وسـط و غرب یمن دراسـتان های عـدن، حضـرموت، تعز، حدیده، اب، و مارب سـکونت دارند و پیروان زیدی در شـمال و خصوصا در شـهرهای صعده و مناطق بین صـعده و صـنعاء مانند حجه و ذمار سـکونت دارند. پیروان اسماعیله نیز که در یمن به مکارمه شهرت دارند جزئی از قبیله یام هستند و در بین مارب و نجران و مناطق همدان، صعفان و حراز زندگی

ص:۱۸

می کنند. بنابراین می توان گفت که تقریباً جمعیت زیدیه بین ۳۰ تا ۳۵ درصد برآورد می شود. (جازع،۲۰۱۱ : ۱۴)

به لحاظ سیاسی بسیاری از تحولات اخیر یمن ریشه در اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی دارد که یمن جنوبی و شمالی با یک دیگر متحد شدند و یمن واحد با مرزهای کنونی شکل گرفت. (۱) بعد از اتحاد یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی اختلاف در تقسیم قدرت و انحصارطلبی عبدالله صالح و همچنین اختلاف در مورد جنگ اول خلیج فارس زمینه شکاف بین متحدین را فراهم آورد که منجر به جنگ داخلی شد و در نهایت در سال ۱۹۹۴ میلادی با سرکوب جنوبی ها، عبدالله صالح قدرت را به صورت انحصاری در اختیار گرفت و سالم البیض به عمان پناهنده شد و بدین ترتیب یکی از مهم ترین شکاف های سیاسی در این کشور شکل گرفت: از سویی دیکتاتوری صالح تشدید شد و از سوی دیگر میل به استقلال طلبی جنوبی ها رو به افزایش گذاشت.

در پی بیداری اسلامی در تونس و مصر در ۲۰۱۱م، جوانان یمنی به تظاهرات علیه دیکتاتوری عبدالله صالح ترغیب شدند. این تظاهرات در سال ۲۰۱۱ میلادی توسط جوانان آغاز شد و این اولین

۱- (۱)) . تاریخچه مفصل تحولات یمن در بخش پایانی این گزارش در نشست علمی دکتر موسوینژاد مورد بررسی قرار گرفته است.

انقلاب درتاریخ یمن بود که توده مردم علیه حاکمیت صورت دادند. (الشرجبی عادل مجاهد ،۲۰۱۲:۱-۲) در این تظاهرات به تدریج شعارهایی مانند «این الدستور الوحده اصبحنا ملك الاسره»، «یا عصابه الفساد ارحلو البلاد» و «یارئیس البلاد ارحل انت و الاولاد» در خیابان های صنعا طنین انداز شد. با کناره گیری حسنی مبارك از قدرت در مصر، اعتراضات در یمن نیز گسترش گذاشت و شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» رواج یافت و در نهایت بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس منجر به کناره گیری صالح و جانشینی منصور هادی به جای او شد. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ دولت منصورهادی قدرت را داختیار داشت و همزمان براساس طرح شورای همکاری خلیج فارس، گفت وگوهای ملی در جریان بود تصمیماتی هم اتخاذ گردید. (۱) عدم پایبندی دولت منصور هادی به نتایج گفت وگوهای ملی و افزایش قیمت حامل های انرژی و گسترش روزافزون فساد، در سال ۲۰۱۴ میلادی زمینه اعتراض جنبش انصارالله را فراهم کرد که با فراخوانی این جنبش، مردم برای تحقق سه خواسته فوق به خیابان ها آمدند و در نهایت طرفداران جنبش شهرهای مختلف را در اختیار گرفته و اداره آنها را بر عهده

ص:۲۰

۱- (۱)) . نتایج این گفت وگو ها در سایت «مؤتمر الحوارالوطنی» قابل دسترسی است www.ndc.ye

کمیته های مردمی قرار دادند. با سقوط صنعا، دولت مرکزی در ضعف کامل قرار گرفت و در نهایت با استعفای منصور هادی در ماه گذشته و فرار او به بندر عدن کمیته انقلاب مردمی یمن وابسته به جنبش انصارالله روز جمعه ۶ فوریه ۲۰۱۵ اعلامیه قانون اساسی را اعلام کرد که بر اساس آن، این اعلامیه، قوانین حکومتی را در مرحله انتقالی تنظیم می کند و بر اساس آن، کمیته انقلاب یک شورای ملی انتقالی تشکیل می دهد که جایگزین پارلمانِ منحل شده می شود و ریاست جمهوری را در مرحله انتقالی، یک شورای ریاستی عهده دار می شود که متشکل از ۵ عضو بوده که توسط شورای ملی انتخاب شده و به تأیید کمیته انقلاب می رسد. در حال حاضر هر چند برخی استان ها از صنعا دستور نمی گیرند، اما عملاً قدرت در اختیار انصارالله است.

جریان های داخلی تأثیرگذار بر تحولات یمن

۱. جنبش انصارالله

مرکز فعالیت این جنبش در صعده در شمال یمن قرار دارد. صعده هم مرز با عربستان و ۲۴۳ کیلومتر با صنعا فاصله دارد و حدود دو و نیم درصد مساحت یمن را شامل می شود. تاسیس شهر صعده به قرن سوم هجری باز می گردد و از سال ۸۹۶ تا ۱۹۶۲ میلادی

پایتخت دولت زیدی و رابطه بین یمن و نجد و حجاز قدیم بوده است. (جازع،۲۰۱۱:۸-۹)

برخی منابع تاریخ شکل گیری جریان انصارالله را به سال ۱۹۸۶ بازمی گردانند که یکی از علمای زیده به نام صلاح احمد فلیته این جریان را شکل داد. وی دراین سال، برای آموزش عقاید زیدی، اتحاد شباب را تشکیل داد که درضمن درس های این دوره، انقلاب اسلامی ایران نیز تدریس می شد و «محمد بدرالدین الحوثی» تدریس آن را برعهده داشت. بعد از اتحاد یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی، حسین الحوثی فرزند بدرالدین، توجه زیادی به اتحاد شباب داشت و در سال ۱۹۹۱ اسم آن را به «منتدی الشباب المؤمن» تغییر داد حسین الحوثی از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ میلادی عضو پارلمان یمن بود ، اما در سال ۱۹۹۷ با استعفا از پارلمان، با جدیت بیشتری به فعالیت های فرهنگی و تربیتی پرداخت و در سال ۱۹۹۷ اسم جمعیت را به تنظیم «شباب المؤمن» تغییرداد که فعالیت ها ودوره های آموزشی را در قالب اردوگاه ها و خیمه های موقت برگزار می کرد (جازع،۲۰۱۱ :۱۹) تا قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی فعالیت های این جنبش مورد حمایت دولت مرکزی بود، چون دولت صالح اقدامات جنبش را برای جلوگیری از نفوذ حزب اصلاح و سلفیه در این منطقه ضروری می دانست. اما موضع گیری های شهید حسین

الحوثی علیه اسرائیل و امریکا، نهادهای امنیتی یمن را در مقابل جنبش قرار داد. رویکرد اصلی جنبش ابتدائاً فرهنگی و تربیتی بود، اما بعد از حوادث۱۱سپتامبر، رویکرد ضد امریکایی، آنهاگسترده شد. (جهاد عوده: ۹۱)

به لحاظ فکری جنبش انصارالله وام دار اندیشه و فعالیت های «علامه بدرالدین الحوثی» است که در راستای گسترش مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و جلوگیری از نفوذ وهابیت در یمن مجاهدت های وصف ناپذیری داشت. اصرار ایشان برای تشکیل «حزب الحق» در میان زیدیان در همین راستا بود؛ اما اختلاف های درونی حزب، علامه بدرالدین الحوثی را به سمت کارهای فرهنگی و تربیتی برای تربیت نسل جدید مبارز سوق داد که در قالب «منتدیات» و «شباب المومن» تبلور یافت. هر چند شروع این پروژه با علامه بدرالدین بود، اما ایدئولوگ این جریان «شهید حسین الحوثی» فرزند اوست. حسین الحوثی فعالیت سیاسی را از طریق پیوستن به حزب الحق آغاز کرد که از سوی شخصیت های زیدی تشکیل شده بود. این حزب درانتخابات ۱۹۹۳ میلادی پارلمان دو کرسی را در پارلمان کسب کرد که یکی از این کرسی ها به حسین الحوثی رسید؛ اما او در نهایت از حزب استعفا کرد. (جهاد عوده: ۸۶) و با بازخوانی سنت گذشته، راه حل رفع بحران در یمن و

جهان اسلام را بازگشت به قرآن دانست و در این راستا با دولت وابسته به استکبار جهانی به مقابله پرداخت و در نهایت به شهادت رسید. برعهده گرفتن رهبری جنبش توسط «عبدالملک الحوثی» دوره جدیدی در حیات انصارالله بود که بعد از شش جنگ تحمیلی از سوی دولت یمن، حوزه نفوذ خود را از منطقه صعده به تمام یمن گسترش داد که با پذیرش عمومی مردم یمن مواجه شد. این جنبش در حال حاضر قدرتمندترین نیروی سیاسی در یمن محسوب می شود که مهم ترین منبع قدرت آن نیز پشتوانه مردمی است.

۲. التجمع الیمنی للاصلاح(اخوانی های یمن)

حزب التجمع الیمنی للاصلاح در سال ۱۹۹۰ توسط عبدالله بن حسین الاحمر، رهبر اتحادیه قبایل حاشد، تأسیس شد (نقطه النهیار، قضیه الیمن الجنوبی،۲۰۱۱ :۳) که از سه جناح مختلف تشکیل است: جناح اول و مهم این حزب، آل احمر از قبیله حاشد هستند که بسیاری از مناصب نظامی و اقتصادی را تا قبل از اختلاف با صالح در اختیار داشتند؛ جناح دوم اخوانی های یمن هستند که به صورت سنتی با عربستان در ارتباط بوده اند. اما بعد از تحولات مصر و برکناری محمد مرسی، رابطه شان با عربستان تیره شده؛ جناح سوّم، سلفی های یمن به رهبری عبدالمجید زندانی هستند که در یک

مقطع از سوی آمریکا و سازمان ملل متهم به حمایت از تروریسم و پشتیبانی القاعده شده بودند. (الربیدی عبدالسلام، التجمع الیمنی للاصلاح و نضاله من اجل التغییر)

حزب الاصلاح از آغاز اتحاد یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی متحد علی عبدالله صالح در قدرت بود؛ اما به دلیل اختلاف با وی در سال ۲۰۰۶ میلادی، با تشکیل احزاب «لقاءمشترک» در نقش مخالف دولت قرار گرفت. با این حال، تا قبل از ۲۰۱۱ شریک صالح در قدرت بود؛ امّا در این سال به دلیل اختلاف با علی عبدالله صالح به جبهه مخالفین پیوست، این حزب و با نفوذی که در بین قبال یمن داشت مهم ترین بازیگر در عرصه داخلی یمن بعد از سقوط صالح محسوب می شد. یکی از مهم ترین شخصیت ها و رهبران حزب اصلاح صادق بن عبدالله الاحمر (متولد۱۹۵۶) شیخ مشایخ قبیله حاشد، و فرزند بزرگش عبدالله بن حسین الاحمر می باشد. این حزب به لحاظ سنتی وابسته به عربستان هستند. آل احمر به ریاست صادق الاحمر بر مراکز نظامی و خصوصاً نفت یمن نفوذ زیادی دارند و بعد از برکناری عبدالله صالح، از قدرت بیشتری برخوردار

شده اند. نفوذ سنتی حزب الاصلاح خصوصاً قبیله حاشد و آل احمر از مؤلفه های تاثیرگذار بر آینده یمن خواهد بود. (۱)

۳. الحراک الجنوبیه (جنبش های جنوب)

الحراک الجنوبی به جریان های متنوعی اطلاق می شود که از اتحاد سال ۱۹۹۰ دو یمن خود را متضرر می دیدند و با توجه به منابع نفت در جنوب و همچنین دسترسی به دریا ازسویی، و نقش دولت صالح در انتصاب فرمانداران شمالی در جنوب، زمینه اعتراض ها و استقلال طلبی در این مناطق فراهم شد، نقطه النهیار؟ قضیه الیمن الجنوبی، ۲۰۱۱) به طوری که در سال ۲۰۰۷ این اعتراضات شکل عمومی پیدا کرد و با اعتراضات سال ۲۰۱۱ علیه عبدالله صالح، جنبش های جنوبی نیز به صف مخالفین صالح پیوستند. و هدف این جنبش ها علاوه بر سرنگونی صالح، کسب استقلال جنوب بود که با جایگزینی منصور هادی، از اهالی جنوب، به جای صالح، استقلال طلبی به تأخیر افتاد. با گسترش اختلافات انصارالله و منصور هادی در ۲۰۱۴، عملاً در حال حاضر استان های جنوبی از صنعا تبعیت نمی کنند و دربرخی مناطق پرچم یمن جنوبی سابق را برافراشته اند.

۱- (۱)) . آدرس رسمی حزب اصلاح (al-islah.net) میباشد.

علی سالم البیض از رهبران حراک جنوبی است که از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور یمن جنوبی بود و بعد از درگیری های داخلی در سال ۱۹۹۴ به عمان پناهنده شد و از ۲۰۰۹ در اروپا اقامت گزیده است هدف او به عنوان یکی از بانفوذترین رهبران جنوب، بازگشت به فضای سیاسی قبل از ۱۹۹۰ یعنی استقلال دوباره یمن جنوبی است. این جریان علی رغم اختلافات درونی، مهم ترین گروه خواهان استقلال طلبی است و خواستار شکل گیری دوباره یمن جنوبی به مرکزیت عدن می باشد.

۴. حزب الرشاد السلفی(سلفی های یمن)

این حزب یمنی در سال ۲۰۱۲ میلادی تأسیس شد (۱) و نماینده سلفی های یمن محسوب می شود. رهبر حزب «دکتر محمد بن موسی العامری» و دبیر کل آن «عبدالوهاب محمد عبدالرحمن الحمیقانی»است. هدف حزب نیز تطبیق شریعت اسلامی در همه حوزه ها و به رسمیت شمرده شدن مرجعیت شریعت اسلامی در یمن است. این حزب طرح شورای همکاری خلیج فارس برای دوره انتقالی یمن را تأیید و در پی پیروزی مرسی در مصر نیز

۱- (۱)) . سایت رسمی این حزب http://alrshad.net می باشد و وابستگی آن به عربستان واضح است.

جشن هـایی برگزارکرد و ابراز امیـدواری کرده بود که این پیروزی زمینه اجرای شـریعت در کشورهـای اسـلامی را فراهم کند (الجزیره، اتحاد الرشاد اول حزب للسلفیین بالیمن، ۱۸/۷/۲۰۱۲)

۵. القاعده

شروع فعـالیت القاعـده در یمن را می توان به سـال ۱۹۹۸ برگردانـد. سازمان القاعـده در افغانسـتان «محمد عمیر العولقی» را به رهبری شـاخه القاعـده در یمن منصوب کرد و او نیز به عضوگیری و آموزش نیروهـای یمنی در این کشور اقـدام می کرد. این فعـالیت هـا تا سال ۲۰۰۳ میلادی به صـورت مـوردی ادامه داشت و بـا تـوجه به حملات ۱۱ سـپتامبرگاهی آمریکا نیز مواضع القاعـده در یمـن را مـورد حمله قرار می داد، امـا در سـال ۲۰۰۶ بـا فرار ۲۳ عضو القاعـده از زنـدان امنیتی صـنعاء فعالیت های القاعده به شـکل جدید با رهبری ناصرالوحیشـی آغاز شد و در سال ۲۰۰۹ با ادغام القاعده یمن وعربسـتان سازمان القاعده در جزیره العرب شکل گرفت.

بر اساس برخی اما تعـداد اعضای القاعـده در یمن به ۳۰۰۰هزار نفر می رسـد؛ اما این سازمان به تنهایی نمی تواند تاثیرگذاری در تحولات یمن باشـد، بلکه نیاز به یک قـدرت مکمل دارد که قبایل معمولاً این امکان را برای القاعـده فراهم کرده اند، مثلاً حمایت قبیله عبیده در مارب، قبیله عوالق در شبوه و برخی قبایل در ابین زمینه فعالیت

القاعده در این مناطق را فراهم کرده است (سیف حیدر، ۸۵-۹۰) بنابراین القاعده نیز یکی از بازیگران در صحنه یمن است که در پیوند با برخی بازیگران مانند حزب اصلاح و سلفی ها خطر جدی برای انصارالله محسوب می شود.

۶. حزب المؤتمر الشعبی (حزب علی عبدالله صالح)

این حزب در سال ۱۹۸۲ تاسیس شد و تا سال ۲۰۱۱ قدرت را در این کشور در اختیار داشت. موسس و رئیس حزب «علی عبدالله صالح» است که خویشاوندان و اعضای حزب او مهمترین مناصب سیاسی، امنیتی و اقتصادی را در اختیار داشتند او در حال حاضر نیز با مصونیت قضایی که دارد در صنعا زندگی می کند. حزب المؤتمر در تحولات اخیر با توجه به شکست حزب اصلاح و منصور هادی، از جایگاه بهتری برخوردار است و در برخی منابع از اتحاد ضمنی این حزب با انصارالله سخن گفته می شود، در حالی که این دو گروه به لحاظ ایدئولوژی و هدف اختلاف نظر بسیاری دارند، اما به نظر می رسد شرایط امروز یمن و دشمن مشترک، آنها را به هم نزدیک کرده است. این حزب فعالیت های خود را از سر گرفته است و در حال حاضر نیز تصمیماتی که در عدن گرفته می شود را به

ص:۲۹

رسمیت نمی شناسد و خواستار وحدت یمن و آغاز گفت و گوها در صنعاست. (۱)

۷. ارتش

ارتش یمن تـا قبل از ۲۰۱۰ میلادی بعـد از عربسـتان، دومین ارتش مهم منطقه محسوب می شد که ۸۹۵۰۰ نیرو داشت. از این تعداد ۶۶۰۰۰ در نیروی زمینی، ۷۰۰۰ نیروی دریایی، ۵۰۰۰ نیروی هوایی و ۱۱۵۰۰ نفر گارد ویژه ریاست جمهوری بودند. در سال ۲۰۰۷ میلادی بـا اجبـاری شـدن نظـام وظیفه، این آمـار افزایش یـافت. امـا نکته قابل توجه این است که ریاست نهادهای نظامی در دست نزدیکان صالـح ماننـد احمـد علی عبـدالله صالـح(پسـر)، خالـد علی عبـدالله صالـح(پسـر)، یحیی محمد عبدالله صالح(برادرزاده) و طارق محمد عبدالله صالح (برادرزاده)بود. (الشرجبی، عبدالحکیم ۶:۲۰۱۲) مهم ترین فرد در تمرد ارتش از همراهی با صالح، علی محسن

ص:۳۰

۱- ((۱) . ر.ک: www.almethaq.net/news www.almotamar.net ؛ www.almethaq.info/news www.presidentsaleh.gov.ye/index.php

الاحمر بود که متولـد ۱۹۴۵ و دومین فرد قدرتمنـد بعـد از علی عبـدالله صالح تا قبل از تحولات ۲۰۱۱ این کشور محسوب می شـد. بعـد از این که صالـح سـعی کرد تا پسـرش احمـد علی عبدالله صالح را جایگزین خود کند، اختلاف بین صالح و محسـن الاحمر آغاز شد و با آغاز تحولات ۲۰۱۱ میلادی در قالب بیداری اسلامی، «علی محسن الاحمر» در جبهه مخالفان صالح قرار گرفت و با پیوسـتن او و بسیاری از نظامیان وابسته به حزب اصلاح به تظاهرکنندگان، معادله قدرت را به نفع آنها تغییر داد. در دوره منصور هادی نیز او مهم ترین فرد در ساختار نظامی یمن محسوب می شـد که با قدرت یافتن انصارالله از صـنعا فرار کرده و بر اسـاس برخی اطلاعـات در عربســتان حضـور دارد. وی در فرار منصـور هـادی بـه عـدن نیز نقش داشـته اسـت. (www. Yemensaeed.com) و همچنین در تسـلیح القاعـده در یمن و ترور اعضـای انصـارالله نقش مهمی دارد. از چـالش هـای پیش روی انصارالله، احتمال کودتا توسط او و نظامیان ناراضـی در آینده یمن می باشد. بنابراین ارتش در یمن که وابستگی به قـدرت های خارجیماننـد عربسـتان و نگرش های قبیلگی در آن اولویت زیادی دارد، در این دوره شـکننده نیز از اقتدار لازم برخوردار نیست، اما در هرحال، ارتش یکی از بازیگران غیر رسمی

قدرت در یمن محسوب می شود که هر یک از جناح ها سعی در جذب آن دارند.

۸. قبایل

یمن از بحران های مختلفی از جمله شکاف های مذهبی و قبیله ای رنج می برد، به طوری که در مناطق شمال و شمال شرقی، وابستگی های نسبی و قبیله ای اولویت اول محسوب می شود؛ اما در مناطقی مانند تعز، آب، و عدن ارتباط و علقه؛ مردم نسبت به مکان و جغرافیا(جنوبی بودن) اولویت دارد. به لحاظ قبیلگی در فرهنگ سیاسی یمن، اتحادیه قبایل(حاشد، بکیل و مذحج) در دولت سازی، نقش برجسته ای در یمن داشته اند و به صورت سنتی نیروی نظامی دولت در اختیار آنها بوده است. به لحاظ مذهبی حدود ۶۰ درصد این کشور را اهل سنت شافعی و ۳۵ درصد را زیدی ها تشکیل می دهند (در برخی آمار، جمعیت زیدی ها تا ۴۵ درصد هم گفته شده است). البته اقلیت هایی مانند اسماعیلیان و شیعیان اثنا عشری نیز در این کشور زندگی می کنند. هر چند در شرایط عادی این وضعیت جامعه شناختی مشکلی را برای یمن ایجاد نکرده اس«ت اما با شروع بحران ها یکی از این ویژگی ها تبدیل به یک معضل سیاسی در این کشور می شود. (الصلاحی، ۲۰۱۰:۷-۱۰)

ص:۳۲

یکی از بحران های یمن در این ریشه دارد که دولت از طریق سیستم اداری با شهروندان ارتباط برقرار نمی کرد، بلکه از طریق مشایخ قبایل و ارتباطات قبیلگی این قضایا را دنبال می کرد: (الصلاحی،۲۰۱۰:۱۱) در حالی که در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی نخبگان سیاسی در هر دو یمن جنوبی و شمالی از حاکمیت قانون و آزادی و برابری سخن می گفتند، اما در دوره عبدالله صالح با ورود عنصر قبیله و سلطه پیوندهای خویشاوندی آرزوهای نخبگان سیاسی فراموش شد و دولت سازی در یمن در قالب قبیله شکل گرفت. بر همین اساس قبیله حاشد با درک این ویژگی دولت، با اطاعت و همراهی با دولت بیشترین بهره در دستیابی به منافع را از آن خود کرد و می توان سه دهه حکومت در یمن را احتکار مناصب سیاسی یمن توسط قبایل نامگذاری کرد. (الصلاحی،۲۰۱۰:۱۳)

تقریباً همه یمنی ها به یکی از پنج قبیله: حمیر، مذحج، کنده، حاشد و بکیل تعلق خاطر دارند، لکن عوامل سیاسی و اجتماعی امروزه از تاثیر سه قبیله حمیر، مذحج و کنده کاسته است؛ درحالی که دو قبیله حاشد و بکیل که در منطقه شمال صعده و جنوب عربستان حضوردارند، تأثیر زیادی بر فضای سیاسی یمن دارند. از آنجا که رهبران قبایل در یمن در تعیین استانداران نقش مهمی دارند و معمولاً فرد مد نظر آنها برگزیده می شود، همواره با دولت مرکزی و

حزب حاکم مشکلی نداشته اند و انگیزه پیوستن به احزاب چپ، تجدیدنظر طلب و مخالف دولت بین قبایل کمتر وجود دارد.

هرچند قبایل یمن از یک پارچگی به دور هستند (مثلاً در ۷ نوامبر ۲۰۱۰ ، «شیخ امین العکیمی» سران قبیله «بکیل» را برای کنگره این قبیله دعوت کرد و در فردای آن روز «شیخ ناجی بن عبدالعزیز الشایف» برای شکل دادن کنگره قبیله، همین دعوت را از برخی دیگر شیوخ قبیله به عمل آورد)، اما در موارد خطر، همه افراد منافع قبیله را ترجیح می دهند. در یمن مشهور است که رهبران قبیله اگرچه عضو حزب حاکم یا حزب اصلاح باشند در موارد تهدید منافع قبیله را بر منافع حزب ترجیح می دهند. (الشرجبی، عادل،۴۱:۲۰۱۰) توجه و قدرت یافتن قبیله در دوره علی عبدالله صالح افزایش چشمگیری داشت و در سال ۲۰۰۸ از ۲۱ یک استاندار حدود ۱۷ نفر از خانواده مشایخ قبایل بودند و در عرصه نظامی نیز همین وضعیت وجود دارد. مثلاً در جنگ های دولت و حوثی ها بسیاری ازقبایل نیروی لازم را دراختیار دولت مرکزی قرار می دادند. بسیاری از تقسیمات اداری در یمن نیز بر اساس حدود و ثغور سکونت قبایل صورت می گیرد و در ۸۰ درصد موارد در مناطق حاشیه ای، اختلاف ها در محاکم قبایلی حل و فصل می شود و دولت نیز در بسیاری از موارد اختلاف های مذکور را به شیوخ حواله

می دهـد. بنابراین دولت در مراکز شهرنشـین سـلطه داشـته و مناطق قبایلی در اختیار مشایخ قبیله هاست. به لحاظ تسـلیحاتی نیز قبایل سـلاح های سـبک و گاهی نیمه سـنگین در اختیار دارند و انبار سـلاح آنها در سلاح سبک بیش از پنج برابر انبار دولت است و حـداقل ۱۲ زنـدان اختصاصـی قبایـل وجـود دارد کـه دولت مرکزی از آن اطلاع دارد، امـا در آن دخـالت نمی کنـد. (الشرجبی، عادل، :۲۰۱۰:۴۲-۴۴) رابطه دولت با قبایل از طریق شـیوخ است که بر قبیله سلطه دارند. دولت صالح نیز مؤسسات و سازمان هایی مانند مصلحه شئون القبایل را شکل داد که در سال ۲۰۰۵ حدود ۳۹۹ شـیخ به عضویت آن در آمدند و قبایل یمن نیز برای خود کنگره های و اتحادیه های خاصـی دارند؛ اما عبدالله صالح از زمان به قدرت رسیدن رابطه خاص و نزدیکی با شیخ عبدالله بن حسین الحمر شیخ قبایل حاشد داشته است و رابطه این دو نفر را در یمن با این جمله توصیف می کنند «شیخ الرئیس و رئیس الشـیخ» به دلیـل این نزدیکی دولت با قبیله حاشـد دیگر قبایل خصوصا قبیله بکیل از نفوذ کمتر خود در دولت ناراضی بوده اند. (همان:۴۶) بنابراین ساختار موجود در دوره صالـح اجازه قدرت نمایی به قبیله داده و این نهاد سـنتی در یمن بازیگر بسیار تاثیرگذاری محسوب می شود که بدون در نظر گرفتن منافع آن دولت ها نمی توانند به راحتی حکومت کنند.

ص:۳۵

قدرت های منطقه ای و بین المللی تأثیرگذار بر تحوّلات یمن

با توجه به اهمیت یمن بازیگران خارجی و منافع آنها نیز از متغیرهای تاثیرگذار بر روند انتقال و تثبیت قدرت در یمن محسوب می شود. در سطح بین المللی آمریکا و روسیه و در سطح منطقه ای نیز جمهوری اسلامی ایران و عربستان از بازیگران مهم هستند. به اعتقاد برخی کارشناسان، بعد از سقوط شاه در ایران صحنه یمن جنگ ایران و عربستان بوده که گروه هایی به نیابت از هر یک از دو کشور در حال جنگ می باشند. (جازع،۳۱:۲۰۱۱) به اختصار به نقش هر یک از این بازیگران اشاره می شود.

آمریکا و روسیه

به نظر می رسد بازی قدرت در سوریه بین جبهه مقاومت به همراهی روسیه در یمن نیز در حال تکرار است و همان طور که در سوریه، آمریکا و غرب در اشغال سوریه و برکناری بشار اسد ناکام ماند؛ در یمن نیز همین مقاومت از سوی ایران و روسیه وجود دارد. تلاش روسیه برای جلوگیری از اقدام علیه انصارالله بر اساس بند هفتم منشورملل متحد حاکی از همین رویکرد است و امریکا سعی می کند با ابزار شورای امنیت خلیج فارس و فرستاده سازمان ملل(جمال بنعمر) به خواسته های خود دریمن دست یابد، اما پشتوانه مردمی انصارالله در یمن مهم ترین چالش امریکاست. با

ص:۳۶

توجه به موقعیت استراتژیک یمن، سیاست بلند مدت امریکا باقی ماندن یمن در حوزه نفوذ امریکاست و برای این سلطه بلند مدت از دو ابزار بهره گرفته است. امریکا گاهی با کمک های مالی و گاهی با انتقاد از وضعیت حقوق بشر در یمن سعی کرده است در یک سیاست متناقض حمایت همزمان دولت و نخبگان را جلب کند؛ از سویی حضورالقاعده در یمن نیز بهانه حضور مستقیم این کشور در یمن را فراهم کرده است (جازع، ۲۰۱۱ :۳۳)

ازسوی دیگر، بازگشت دوباره روسیه به تحولات منطقه و موفقیت این کشور در سوریه در برابر غرب، دائره نفوذ و اقتدار این کشور را گسترش داده است، به طوری که در روزهای اخیر هیئت سیاسی انصارالله از مسکو بازدید کرده است و در برخی شبکه های اجتماعی یمن اخباری مبنی بر انتقال سلاح از روسیه برای انصارالله منتشراست. انصارالله نیز به دلیل ضدیت با عربستان و امریکا برای توازن در روابط خارجی و خصوصاً ایستادگی در برابر تحریکات شورای همکاری خلیج فارس و شورای امنیت نیاز به حضور روسیه دارد؛ بنابراین به نظر می رسد یمن بعد از سوریه و اکراین سومین منطقه ای است که در سال های اخیر جنگ سرد امریکا و روسیه در آن در جریان است.

ص:۳۷

عربستان

حوزه نفوذ عربستان در یمن به لحاظ سنتی از طریق نفوذ در بین نظامیان و قبایل تأمین می شود. بنابراین قبیله حاشد و حزب اصلاح و دولت علی عبدالله صالح از هم پیمانان این کشور محسوب می شدند. اما با توجه به موج بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال افریقا، عربستان که در بحرین در برابر نیروی مردمی قرار گرفته بود، سعی کرد در یمن در مقابل مردم قرار نگیرد و با تغییر در رأس هرم قدرت، با برکناری علی عبدالله صالح، قدرت به همپیمان دیگرش(حزب اصلاح) برسد. در همین راستا بعد از سقوط صالح و تلاش عربستان برای کسب مصونیت قضایی برای او، همپیمانان عربستان یعنی حزب اصلاح و آل احمر به قدرت رسیدند. در این دوره هر چند منصور هادی در رأس بود، اما عملاً ـ نهادهای امنیتی و اقتصادی در دست هم پیمانان عربستان قرار داشت. اختلاف بین دولت اخوانی مصر به رهبری محمد مرسی با عربستان این اختلاف را در درون یمن نیز موجب شد و این شکاف به اختلاف حزب اصلاح و دولت عربستان منجرگردید و عربستان را در وضعیتی قرار داد که در حال حاضر تنها یک بازیگر(القاعده) در یمن دارد؛ اما عربستان به خوبی می داند که القاعده در صورت قدرت یافتن خطری جدی برای خود سعودی نیز خواهد بود. (جازع،۲۰۱۱:۳۲)

ص:۳۸

از این رو عربستان برای ترمیم وجهه خود در یمن به حمایت از جنبش های جنوب پرداخته و بعد از فرار منصور هادی به عدن، سفارت خود را به این شهر منتقل کرده است؛ اما به لحاظ سنتی، جنبش های جنوب با عربستان رابطه خوبی ندارند و اقدامات عربستان در سرکوب های ۱۹۹۴ را فراموش نمی کنند. بنابراین عربستان مهم ترین بازنده قدرت در یمن محسوب می شود که تنها یک کودتا به وسیله نظامیان سابق مانند علی محسن الاحمر می تواند منافع این کشور را تأمین کند.

جمهوری اسلامی ایران

مهم ترین زمینه نفوذ جمهوری اسلامی در یمن نفوذ فرهنگی است. پایه های اصلی جنبش انصارالله در سال ۲۰۰۴ با شعارهای حسین الحوثی بنا گذاشته شد که رویکرد ضد امریکایی و ضد اسرائیلی در آنها برجسته است. (۱) سیاست منطقی جمهوری اسلامی مبنی بر حمایت از اراده ملت ها بهترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران بوده است که در یمن نیز در حال حاضر علی رغم تعدد مراکز قدرت، در صورتی که اراده واقعی ملت حاکم شود انصارالله و حامیان آن

۱- (۱)) . به بخش «معرفی ملازم حسین الحوثی» مراجعه کنید.

قـدرت را در اختیـار خواهنـد گرفت. به نظر می رسـد انصـارالله در مرحله کنونی نیاز به تجربه تاریخی انقلاب اسـلامی دارد تا بتواند روند انتقال قدرت در این کشور را سپری کرده و مرحله گذار را پشت سـر گذارد. فضای کنونی یمن بسـیار شبیه فضای بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی است که بازیگران متعدد سـعی در کسب قدرت داشـتند. انقلاب ایران با رهبری امام خمینی و همراهی ملت از ترورها و شهادت بسیاری از بزرگان انقلاب فراتر رفت و پیرزوی واقعی را نصیب ملت کرد، امروز نیز یمن نیز شاهـد چنین وضـعیتی است که اراده ملت بـا رهبری عبـدالملك الحوثی برای پیشبرد اهـداف انقلاب ملت یمن با موانع متعـدد داخلی و خـارجی روبروست که انتقـال این تجربه تـاریخی از سوی جمهوری اسـلامی مهم ترین نیاز انصارالله در مقطع کنونی است. تحولات اخیر یمن نشان داد که نفوذ فرهنگی جمهوری اسـلامی فراتر از مرزهای ملی، رونـدی فزاینده درمیان ملت های محروم و مسلمانان دارد.

چشم انداز آینده یمن

با توجه به تحولات اخیر یمن و تعـدد بازیگران داخلی و خارجی، چنـد گزینه فراروی آینـده یمن خواهـد بود که به اختصار به آنها اشاره می شود

ص:۴۰

۱. اجرای فدرالیسم

یکی ازمسائـل مطرح شـده در گفت وگوهای ملی، اجرای فـدرالیسم و تقسـیم یمن به شـش منطقه بود. این مطالبه در اعتراض هـای عمومی علیه عبـدالله صالـح به دلیل خاطره تلـخ مردم یمن از سیسـتم متمرکز و مطلقه او در تظاهرات مطرح شـده بود. هر چنـد اجرای فـدرالیسم برای بسـیاری از گروه هـا مطلوب است امـا اختلاف در چگونگی مرزبنـدی اقالیم و خصوصاً نوع رابطه دولت مرکزی و ایـالت هـا به ابهام های طرح فـدرالیسم افزوده است. چالش دیگر این طرح، اسـتان های نفت خیز است که در صورت اجرای فدرالیسم بهره بیشتری از منابع نفتی خواستارند و این با مخالفت دیگر استان ها مواجه خواهد شد، به طوری که یکی از انگیزه هـای عـدم اجرای فـدرالیسم، نفت خیز بودن برخی اسـتان هاست. یکی دیگر از نگرانی ها طرح فـدرالیسم، این است که می توانـد مقـدمه ای برای اسـتقلال برخی اسـتان هـا باشـد.خصوصاًاین نگرانی از سوی حراک جنوبی و اسـتان هـای حامی القاعـده پیش بینی می شود که شایـد در بلنـد مدت فدرالیسم، مقدمه تمرد آنها از دولت مرکزی و اعلام اسـتقلال را در پی داشته باشد.

۲. تجزیه یمن

تجربه اتحاد یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که این اتحاد بر پایه های شکننده ای استوار بوده و بلافاصله ایجاد اختلاف بین سالم البیض و علی عبدالله صالح این کشور را با جنگ داخلی مواجه کرد که در سال ۱۹۹۴ با تکیه بر قدرت نظامی علی عبدالله صالح این اتحاد پابرجا ماند. ازاین رو یمن جنوبی هر روز به دنبال بازگشت به دوران قبل از اتحاد بوده است و رهبران برجسته آن نیز در خارج یمن از مهم ترین مخالفان دولت صالح محسوب می شدند. در زمان کنونی نیز برخی استان ها به مرکزیت عدن از صنعا پیروی نمی کنند و فرار منصور هادی به عدن و اعلامیه او مبنی بر ناامن بودن صنعا و دعوت از جریان های مختلف برای گفت و گو در عدن، این فرضیه را تقویت می کند که در صورت عدم توافق برای مشارکت همه گروه های یمنی، حراک جنوبی این فرصت را به دست خواهند آورد تا در جنوب اعلام استقلال کنند و دوباره جدایی از یمن را اعلان کنند و به وضعیت قبل از ۱۹۹۰ بازگردند. این سناریو البته با مخالفان بین المللی مواجه خواهد بود که اتحاد و یکپارچگی یمن را مقدمه اجرای هر طرحی در این کشور تلقی می کنند و از سویی نیز اختلاف های درونی حراک جنوبی، احتمال رسیدن این منطقه به یک ثبات حتی در صورت استقلال را در وضعیت مبهمی قرار می دهد.

ص:۴۲

۳. حفظ یک پارچگی بر مرزهای شکننده

تلاش جنبش انصارالله از روز اول بر دخالت همه گروه های سیاسی در قدرت و مشارکت همگانی برای ساخت قدرت در این کشور بوده است. اما اختلاف مبنایی انصارالله با گروه هایی مانند حزب اصلاح و حزب الرشاد و القاعده، جمع شدن این گروه ها در یک دولت را غیر ممکن نشان می دهد. بنابراین به نظر می رسد جریانی که مهم ترین گروه فساد در یمن را مدیریت می کند(قبیله حاشد) و احزاب مخالف مانند اصلاح و الرشاد نمی توانند در ذیل آرمان مبارزه با فساد انصارالله و شعارهای برابری طلبانه آنها قرار گیرند؛ بااین حال، اما این گروه ها حوزه نفوذ سنتی در یمن دارند و بخشی از جامعه قبایلی یمن حامی آنهاست. همچنین القاعده یمن نیز در برخی استان ها نفوذ دارد و حراک جنوبی نیز خواسته هایی برای حضور در قدرت دارد. این تنوع جریانی و فکری همراه با جوانانی که مهم ترین رکن در برکناری علی عبدالله صالح بودند و بعد از سقوط او در قدرت جایی نیافتند، امروزه چالش سیاسی مهم قدرت در یمن به حساب می آید که توافق همه آنها در قدرت به سختی ممکن است حتی در صورت توافق، ذیل طرحی از سوی سازمان ملل که در حال حاضر توسط بن عمر، نماینده این سازمان در یمن،

دنبال می شود به سختی میسر است و هر توافقی که همه این گروه ها را در آن شریک باشند توافقی شکننده خواهد بود.

۴. کودتا

یکی از مراکز رسمی قدرت نظامیان این کشور هستند که با عدم اطاعت از دولت در دوره علی عبدالله صالح ، تحت مدیریت «علی محسن الاحمر» به انقلابیون پیوستند و به صورت سنتی حامی سیاست های عربستان در این کشور محسوب می شوند. با متواری شدن بسیاری از رهبران ارتش در دوره قدرت یافتن انصارالله احتمال وقوع یک کودتای نظامی در این کشور وجود دارد. مهم ترین مانع برای تحقق کودتا پشتوانه گسترده مردمی انصارالله است که تجربه تصرف صنعا نشان داد در صورت درخواست انصارالله، بسیج عمومی مردم اجازه کودتا را نخواهد داد؛ البته احتمال وقوع کودتا در برخی استان ها وجود دارد.

۵. آینده مطلوب انصارالله

انصارالله تا قبل از استعفای منصور هادی دائما بر این موضوع تاکید می کرد که هدفش در اختیار گرفتن قدرت نیست، بلکه به عنوان ناظر، بر فعالیت های دولت نظارت خواهد داشت و برای تحقق خواسته های مردم در مبارزه با فساد و اجرای گفت وگوهای ملی

ص:۴۴

تلاش خواهد کرد. این رویکرد انصارالله مورد پذیرش و مقبولیت این جنبش شده بود، اما محاصره کاخ ریاست جمهوری و تحت فشار گذاشتن منصور هادی زمینه استعفای او را فراهم کرد و انصارالله که با خلأ قدرت در یمن مواجه شده بود و این خلأ قدرت، زمینه کودتا و قدرت یافتن القاعده در این کشور را فراهم می آورد، با اعلام بیانیه قانون اساسی و انحلال پارلمان عملاً ـ قدرت را در این کشور در اختیار گرفت و برخی از کشورها از آن به کودتا یاد کردند و خروج سفرای بسیاری از کشورهای عربی و غربی پاسخی به اقدام انصارالله بود. بهترین سناریو برای انصارالله حفظ یکپارچگی یمن است چون این جنبش با توجه به پشتوانه مردمی همواره یکی از مهم ترین نیروهای تأثیرگذار بر آینده یمن خواهد بود، اما در صورت تجزیه نیز انصارالله می تواند در شمال دولتی را تأسیس کند که به لحاظ سنتی حوزه نفوذ زیدیه است و با توجه به هم مرز بودن با سعودی،چالشی اساسی برای این کشور محسوب شود.

منابع

الشرجبی، عبدالحکیم، ۲۰۱۲ ، الموسسه العسکریه و الدوله الدیمقراطیه، قاهره: الموتمر الوطنی الیمن الی این.

الصلاحی، فواد، ۲۰۱۰ ، المجتمع و النظام السیاسی فی الیمن، الفاعلون غیر الرسمیین فی الیمن، مرکز الجزیره للدراسات.

الفقیه، عبدالله، ۲۰۱۰، الاقتصاد السیاسی و دوره فی تشکیل الجماعات الفاعله، الفاعلون غیر الرسمیین فی الیمن، مرکز الجزیره للدراسات.

الربیدی عبدالسلام، التجمع الیمنی للاصلاح و نضاله من اجل التغییر ۲۰۰۶-۲۰۱۱، المستقبل العربی.

الشرجبی، عادل مجاهد،۲۰۱۲، المسارالثوری للتحول الدیمقراطی، قاهره: الموتمر الوطنی الیمن الی این.

الشرجبی، عادل، ۲۰۱۰، القبیله فاعل غیر الرسمی، الفاعلون غیر الرسمیین فی الیمن، مرکز الجزیره للدراسات.

جازع، جواد صندل، ۲۰۱۱، الحرکه الحوثیه فی الیمن دراسه فی الجغرافیا السیاسیه، مجله الدیالی، العدد التاسع و الاربعون.

الیمن: استمرار الصراعات و التهدیدات التی تتعرض لها العملیه الانتقالیه،۲۰۱۲، (گزارش گروه بین المللی بحران).

عوده ، جهاد، الحرکه الحوثیه فی الیمن بمحافظه صعده، بی جا، بی تا.

یحیی صالح محسن، خارطه الفساد فی الیمن، ۲۰۱۰، المرصد الیمنی لحقوق الانسان.

ص:۴۶

www.aljazeera.net

http://yemennow.net

http://www.newsyemen.net

/http://www.alsjl.com

http://www.yemenakhbar.com

/http://www.akhbarai.net

http://www.albidapress.net/press

http://www.adenpress.com

ص:۴۷



سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین اختری

[۱] (۱) .

کنگره فی رحاب الامام علی(علیه السلام) (۲)

توضیح

سقوط حکومت علی عبدالله صالح زمینه ارتباط بین ملت یمن و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد و پیروان اهل بیت(علیه السلام) در دو کشور را به یک دیگر نزدیک نمود. در این راستا، مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) در سال ۱۳۹۲ در محمود آباد مازندران، «مایش بین المللی ناصر اطروش» با حضور تعداد زیادی از زیدی های یمن برگزار کرد. دومین همایش با حضور علمای یمن در مهر ماه ۱۳۹۳ در مشهد مقدس، با عنوان «فی رحاب الامام علی علیه السلام»، برگزار شد. که مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی متولی آن

۱- (۱)) . دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).

۲- (۲)) . این همایش بینالمللی با حضور علمای یمنی و ایرانی در مهرماه ۱۳۹۳ در مشهد مقدس برگزار شد.

بود. متن بیانات دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) که در این همایش مورد توجه علمای یمن قرار گرفت، به شرح ذیل است:

مقدمه

خداوند متعال در قرآن می فرماید: (الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ). شما ای علما، فضلا، بزرگواران، ای میهمانان گرامی، ای یمنی ها و ای رهبران این انقلاب میمون در یمن، به شما تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال می خواهم تا بر ما و شما منت گذاشته، ما را بر دشمنان مان و دشمنان تان پیروزی قدرتمندانه عطا فرماید و خداوند متعال با دستان شما، خیر و برکت را برای یمن و امت مسلمان فراهم آورد.

در واقع این انقلاب و پیروزی هایی که با دستان توانمند شما رقم خورد و شما پس از گذشت ماه ها و سال ها جهاد در راه خدا، به آن تحقق بخشیدید، انقلاب را نجات دادید و حق را بازستاندید و باعث شدید تا امور و مسائل بار دیگر جریان عادی و طبیعی خود را بازیابند، خداوند به شما برکت عنایت فرماید.

این امر دستاورد بزرگی است؛ در واقع ما پس از انقلاب اسلامی ایران، با مشاهده آن چه که در یمن جریان دارد و از آن چه که شما ملاحظه و مشاهده کردید، رنج بسیار می بردیم. اما آن چه که خداوند

طی این چند ماه اخیر به شما عنایت و کرامت فرمود و بر شما منت گذاشت، این بود که شما بتوانید انقلاب خود را ادامه داده، در راه حق و حقیقت و جهاد در راه خدا مقاومت کنید و توانستید به دستاورد بزرگی تحقق ببخشید و روند امور را در جریان صحیح آن قرار دهید. این امر، دستاورد بسیار بزرگی به شمار می رود. خداوند به شما برکت دهد. و به شما پیروزی عنایت فرماید و دشمنان تان را خوار و ذلیل نماید، ان شاءالله.

هم چنان که می دانید، ما در گذشته کنفرانسی در شهر آمل در جوار مزار شهید سید بزرگوار اطروش (رحمه الله علیه) برگزار کردیم. این دومین کنفرانسی است که ما هم اکنون برپا داشتیم. من امیدوارم و از شما می خواهم تا بتوانید کنفرانسی در یمن برگزار کنید و ما بتوانیم در خدمت شما باشیم و این مسیر مبارک را با مشارکت یک دیگر ادامه دهیم؛ این دیدارها و رفت و آمدهای برادرانه و نشست های دینی و اسلامی، استمرار یابد، انشاء الله. من در اینجا مایلم به طور بسیار خلاصه، در این نشست پر یمن و برکت، به یادآوری برخی از نکات بپردازم:

مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین

من به عنوان کسی که در مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین مشارکت داشته ام، به تجربه و با چشم خود تحقق یافتن وعده های خداوند به

مؤمنان را دریافته و مشاهده کرده ام. چه کسی تصور می کرد که یک گروه کوچک از جوانان مسلمان با ایمان و با اخلاص، همانند جوانان حزب الله و مقاومت اسلامی در لبنان، بتوانند یک دشمن ددمنش دارای تمامی امکانات مالی، سیاسی، نظامی و حمایت های جهانی را شکست دهند. یک گروه کوچک بتواند به این دستاورد بزرگ تحقق ببخشد، شوکت و اقتدار اسراییل و صهیونیست های ستمکار را درهم بشکند.

چه کسی می توانست تصور کند که یک ملت ستمدیده و سرکوب شده درون خانه و کاشانه خود، مانند ملت فلسطین که بیش از پنج دهه را پشت سر گذاشت، بدون آن که بتواند به پیروزی تحقق ببخشد، آزار و اذیت را تحمل می کرد، اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با روشنگری های امام امت خمینی بزرگ (قدّس الله نفسه الزکیه الشریفه)، ملت فلسطین زنده شد. امام(ره) و انقلاب، ملت فلسطین را تشویق کردند تا بتواند با تکیه بر شایستگی های ذاتی خود در برابر دشمن سرسخت و کینه توز صهیونیسم مقاومت کند. این ملت بی دفاع و بی سلاح توانست در چندین نبرد، دشمن قدرتمندی همچون اسراییل را شکست دهد. دشمنی که در این نبردها، از تمام توان هوایی، زمینی، دریایی، موشکی و ناوگان دریایی خود بهره می برد.

ص:۵۲

پیروزی مقاومت؛ وعده الهی

ملت فلسطین پس از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. قبل از شکل گیری جنبش مقاومت در فلسطین، جنبش های دیگری همانند جنبش های لائیک، گروه ها و مجموعه های مختلف در فلسطین وجود داشت، اما نتوانستند به هیچ دست آوردی در فلسطین تحقق ببخشند. آنها پس از پناه آوردن به اسلام و برافراشتن پرچم اسلام و همچنین در پیش گرفتن عنوان مقاومت اسلامی بود که توانستند ظرف ۲۲ روز در برابر دشمن صهیونیست مقاومت کنند و پیروز میدان باشند. مقاومت اسلامی در برابر تجاوز هشت روزه رژیم صهیونیستی بار دیگر پیروزمندانه از صحنه نبرد بیرون آمد و همچنین در جنگ اخیر ۵۱ روزه، علی رغم تمامی حمایت های به عمل آمده از سوی آمریکا، انگلیس، فرانسه و هم پیمانان منطقه ای عرب آنها به رژیم صهیونیستی، به پیروزی دست یافت.

این پیروزی ها تنها با یاری خداوند متعال تحقق یافت. این همان وعده خداوند متعال است. (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ) خداوند متعال همچنین می فرماید:

(وَ لَیَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللّهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ).

ما در جمهوری اسلامی از ابتدای شکل گیری پیروزی ها تجربه کردیم، لمس کردیم، ملاحظه کردیم. شما بدانید البته می دانید فقط

از باب آن که به دقت توجه داشته باشیم، پیروزی انقلاب اسلامی در ابتدای قرن پانزدهم هجری قمری یعنی سال ۱۴۰۰ تحقق یافت، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز اسلام روز به روز به طور چشمگیر و قابل ملاحظه ای در حال پیشرفت بوده و اسلام حتی یک قدم و یک بند انگشت عقب نشینی نداشته است. در ایران پیروزی به دست آمد و پس از آن در لبنان و در عراق پیروزی به دست آمد و مسلمانان و پیروان اهل بیت(ع) در افغانستان به پیروزی دست یافتند و امروز شاهد پیروزی و دستاورد بزرگ دیگری در یمن هستیم.

مسئولیت امروز علمای یمن

این امر لطف و فضل الهی را نشان می دهد. این پیروزی از سوی خداوند تحقق یافت. من می خواهم مطلبی بگویم و امیدوارم شما آن را از من به عنوان یک نصیحت برادرانه از سوی یک برادر به برادرانش و از یک ملت به ملت دیگر، از یک خدمتکار بپذیرید. شما در برابر خداوند متعال مسئولیت دارید. خداوند متعال به شما توفیق و پیروزی بخشید و مورد تایید قرار داد. خداوند متعال می فرماید: (وَ اذْکُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِیلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِی الْأَرْضِ تَخافُونَ أَنْ یَتَخَطَّفَکُمُ النّاسُ فَآواکُمْ وَ أَیَّدَکُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَکُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ) شما هم اکنون در بوته آزمایش الهی قرار گرفته اید تا

ص:۵۴

شکرگزار باشید. خداوند متعال شکرگزاری در خصوص این دست آورد را به همه ما نشان داده است، (الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ) ؛ این شعار حکومت اسلامی است. این معیارها، معیارهای حکومت اسلامی است.

این آیه اهداف حکومت اسلامی را تبیین کرده، ما تشنه قدرت نیستیم تا خود بر مردم حکمرانی کنیم. امام خامنه ای(دام ظله) همواره بر این نکته تأکید دارند. برادران من، این مطالب را چند ماه پیش در دیدار با راشد غنوشی در تونس به میان آوردم. این موضوع را به وی یادآور شدم.

اگر ما خود را از اسلام کنار کشیم و از اسلام صرف نظر کنیم، در آن صورت، مگر مردم از ما چه می خواهند؟ چه تفاوتی بین ما و دیگران خواهد بود؟ اگر دعوت به اسلام نکنیم و برای تحقق یافتن و تطبیق یافتن شرع مقدس اسلام در جامعه اسلامی دعوت نکنیم، پس در این صورت چه تفاوتی با دیگران خواهیم داشت؟

وی فرمود ملت ایران ما را تایید می کند. ملت ایران پس از گذشت ۳۵ سال در سال روز پیروزی انقلاب پرشورتر و پرجمعیت تر و مهم تر از سال های پیشین، تظاهرات برگزار می کند. در کشورهای دیگر، انقلاب ها سال به سال کم رنگ تر می شود و هواداران خود را

به تدریج از دست می دهد، اما در جمهوری اسلامی ایران این موضوع کاملاً برعکس است. سال به سال دشمنان ما می بینند و حتی مسوولان نظام تعجب می کنند از این که ملت مسلمان ایران با حضور گسترده تر و با ذوق و شوق بیشتری در راهپیمایی ها شرکت می کند. چرا؟ به خاطر اسلام و به خاطر دین.

ملت یمن نیز شما را مورد تایید قرار داد و شما را یاری رساند؛ به خاطر اسلام به شما کمک کردند، به همین دلیل باید معیار ما در کار و برخورد با مردم، با دوستان، با هم پیمانان، با دشمنان، همانند یک حکمران مسلمان باشد.

امام امیرالمومنین(علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر پس از آن که او را به عنوان والی مصر برگزید، وی را به تقوای الهی، برتری دادن به طاعت الهی و دنباله روی از فرامین خداوند در قرآن کریم و فرائض و سنن الهی فراخواند. این مهم ترین نکته ای است که انسان تنها با در پیش گرفتن آن می تواند پیشرفت کند و اگر آن را تباه نماید، دچار هلاکت و نیستی خواهد شد. انسان باید با دست، دل و زبان خود خداوند را یاری کند، زیرا خداوند بر خود واجب کرده تا هر کس را که یاری اش کند، یاری برساند.

ص:۵۶

همـان طـور که عرض کردم، مـا در ایران مسائـل را تجربه کردیم و به حـول و قـوه الهی، این راه را ادامه خواهیم داد. شـما در ابتدای راه قرار دارید:

۱. پایبندی به شـریعت: پایبند بودن به دین امری لازم و ضـروری است؛ عمل براساس احکام شـرع می بایست هدف اصلی شما را تشکیل دهد. ایمان به خدا و عمل بر اساس اوامر و نواهی محمد بن عبدالله پیامبر گرامی اسلام(ص).

۲. حفظ وحدت: نکته دوم، وحدت، همبسـتگی، همکاری و همیاری ملی و اسـلامی است. وحدت سـفارش خداوند متعال می باشـد که آن را واجب کرده است. « إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً » (این امت شـما امت واحدی است) شـما باید وحدت خود را حفظ کنید و با توطئه هایی که علیه امت مسلمان طراحی و سازماندهی می شوند، آشنا باشید.

۳. بصیرت: دشمن سعی دارد و می خواهد از هر روزنه و راهی که ممکن است، نفوذ کند. دشمن در صدد فتنه انگیزی است و تلاش می کند مانند که یک اصـلاح طلب، دلسوز و نصـیحت گر وارد شود. ما باید دشـمن را بشناسیم. هر آن چه که از سوی عربستان به سوی

شما می آید. عربستانی که در تمامی کشتارها نقش دارد. کشتارهایی که در آنها خون مسلمانان و حتی غیرمسلمانان در جهان امروز ما به زمین ریخته می شود. عربستان و همچنین برخی از سایر کشورها در تمامی این کشتارها شرکت دارد. ما باید دوستان و دشمنان را از یک دیگر بشناسیم و تمیز دهیم. شناختن دشمن و توطئه های دشمن مهم ترین نکته به شمار می رود.

در آخر:

ما در جمهوری اسلامی و در مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) کاملاَ آماده ایم و از ارائه هیچ کمکی دریغ نخواهیم کرد. ما آماده ایم با شما در تمامی زمینه ها همکاری داشته باشیم. دچار غفلت نشوید و فریب نیرنگ های شیطانی را نخورید که از سوی دشمنان ما و شما از سوی آمریکا، صهیونیسم، انگلیس و دیگران دیکته می شود. آنها دشمنان امت مسلمان هستند و نمی خواهند برای جهان اسلام اسم و رسمی باقی بماند. ما باید با همه این توطئه ها مقابله کنیم. شکر خدا شما در جمهوری اسلامی ایران و همچنین عراق، سوریه و لبنان دوستداران بسیاری دارید. ما از خداوند متعال می خواهیم تا بر ما و شما منت گذاشته، پیروزی را ارزانی ما نماید. (رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَیْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ) .

ص:۵۸

مصاحبه با عبدالرحمان بن محمد بن علی شمس الدین (مفتی جنبش انصارالله)

[۱] (۱) .

لطفاً در ابتدا خود را معرفی نمایید؟

مفتی انصارالله: من عبدالرحمان بن محمد بن علی شمس الدین، عضو اتحادیه علمای یمن و همچنین عضو شورای زیدی هستم که در آن علمای زیدیه گردهم می آیند. البته در دارالافتاء نیز مشغول انجام وظیفه می باشم و در شبکه المسیره القرانیه (شبکه انصارالله) مفتی اعظم انصارالله به شمار می آیم که شب جمعه هر هفته، برنامه اجرا می کنم.

در ضمن من از اهالی استان صعده می باشم که به مرکز علم و علما مشهور است؛ از ابتدا هم جنبش انصارالله را در آغوش کشید. مذهبی که ما پیرو آن هستیم، زیدی و منسوب به امام زید بن علی

۱- (۱)) . این مصاحبه در مهرماه ۱۳۹۳ توسط دکتر محمد اسماعیل نباتیان و مختار شیخ حسینی در حاشیه همایش «فی رحاب الامام علی(علیه السلام)» در مشهد مقدّس انجام شده است.

بن الحسین بن علی ابن ابی طالب (سلام الله علیهم) است. همچنین ما جزو شیعیان اهل بیت(علیهم السلام) و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(علیه السلام) شمرده می شویم. همان گونه که پیامبر گرامی اسلام(ص)، به حضرت علی(علیه السلام) فرمودند: یا علی انت و شیعتک هم الفائزون (به درستی که تو و شیعیانت رستگار هستید)، ما خود را شیعه امیرمؤمنان(علیه السلام) می دانیم، همان گونه که برادران امامیه ما شیعه امیرمؤمنان(علیه السلام) و اهل بیت(علیه السلام) هستند. ما بر اساس این حدیث نبوی عمل می کنیم که تمامی مسلمانان چه شیعه و چه سنی را گردهم جمع کرده است. رسول گرامی اسلام(ص) می فرماید:

«إنی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی ابدا کتاب الله و عترتی اهل بیتی ان الطیف الخبیر قد أخبرنی بانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.»

برای همین منطق جنبش بر اساس مسیر قرآنی تعیین شده است؟

مفتی انصارالله: ما طائفه زیدیه قبل از شکل گیری این مسیر قرآنی در حیرت و سردرگمی به سر می بردیم. طائفه ها از هر سو به ما حمله می کردند. وهابی ها از یک سو، لائیک ها از سوئی دیگر؛ سایر مذاهب ما را از این سو به آن سو می کشاندند. خداوند کمک کرد و سید حسین بدرالدین الحوثی(رضوان الله علیه) قیام کرد و رهبری

این مسیر قرآنی را بر دوش گرفت، آن هم پس از آن که حادثه یازدهم سپتامبر در آمریکا روی داد.

بوش در آن زمـان علیه تروریسم اعلام جنگ کرد. البته این جنگ در واقع، علیه اسلام و مسلمانان بود. او در آن زمان گفت که هر کس بـا ما نیست، پس بر ضـد ماست؛ یعنی هر کس که در نبرد ما با اسلام و مسلمانان شرکت نکنـد، بر ضـد ماست. رهبران عرب در برابر این مطلب سر تسلیم فرود آوردنـد و حق را به بوش دادنـد. سید حسین بدرالـدین الحوثی(رضوان الله علیه)، رهبر شهید ما، در چنین شرایطی همراه باشمار اندکی از یاران خود در کوهستان مران مستقر شدند و به جنبش انصارالله شکل بخشیدند.

او ندای قرآنی یعنی الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسراییل و لعنت بر یهود و «پیروزی از آن اسلام است» را سر داد. این پنج عبارت از قرآن مجید الهام گرفته شده. الله اکبر و مرگ بر آمریکا زیرا خداوند می فرماید: (قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ) (از خشم خود بمیرید) مرگ بر اسراییل و لعنت بر یهود «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ » (کسانی که از بنی اسراییل کافر شده اند مورد نفرین واقع شده اند) همچنین «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» (سرسخت ترین دشمنان مسلمانان یهود و مشرکان هستند) و

پیروزی از آن اسلام است. این پنج عبارت، از قرآن کریم الهام گرفته شده اند. او طلاب دینی را در اماکن متعدد گردهم جمع نموده و برای آنان سخنرانی می کرد. این سخنرانی ها برگرفته شده از قرآن کریم بود. وی از این تعداد کم یک امت ساخت که از بیداری و آگاهی اسلامی بهره مند بود. سید حسین بدرالدین الحوثی این شیوه را از امام خمینی(رضوان الله علیه) برگرفته بود.

این نهضت قرآنی، شیعه و سنی را گردهم جمع کرده و همگان به ریسمان کتاب الهی چنگ زده اند. دشمن اصلی و بزرگ ما آمریکا و اسراییل است. شما در یمن از هر کس سؤال کنید، چه کودک ،چه پیر، چه مرد و حتی زن که دشمن واقعی شما کیست ؟ خواهند گفت، دشمن اصلی ما آمریکا و اسراییل است. این دشمن مشترک میان تمام مسلمانان وحدت ایجاد کرده است. خداوند متعال می فرماید: (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) (همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.)

لطفاً ریشه های تاریخی جنبش انصارالله را از ابتدا تا کنون برای ما شرح دهید؟

مفتی انصارالله: شکل گیری این جنبش ادامه راه انقلاب زیدیه از زمان امام زید بن علی به شمار می رود. انتساب ما با امام زید بن

علی، همچون انتساب سایر مـذاهب با پشوایان شان نیست. همچون مـذهبی حنفی، مالکی و شافعی نیست. هر کس به امام زید بن علی انتساب یابـد، به عـدالت، توحید و ضـرورت امر به معروف و نهی از منکر و قیام علیه سـتمکاران معتقد است. هر کس علیه سـتمکاران قیام کند، ما او را زیدی می دانیم. به همین دلیل ما امام خمینی(ره) را پس از قیام علیه شاه، زیدی می دانیم. ما او را یکی از پیشوایـان خود می دانیم. جنبش انصـارالله حرکت شـهید سـید حسـین بدرالـدین الحوثی را امتـداد طبیعی انقلاـب زیدی ها می داند که امام زید بن علی در آن زمان پایه گذارش بود.

احزاب و جریان های سیاسی یمن، چه موضعی در مورد انصارالله دارند؟

مفتی انصـارالله: در آن زمـان که انصـارالله حرکت خود را در یمن آغاز کردنـد، دو حزب وجود داشت که زمام امور کشور را در اختیـار گرفته بودنـد. حزب کنگره ملی به رهـبری علی عبـدالله صالـح و حزب تجمع یمنی الاصـلاح به رهـبری عبـدالمجید الزنـدانی(که تحت نفـوذ آل احمراست). این دو حزب، زمـام امـور کشور را در اختیـار داشـتند. وقـتی رهـبر شـهید مـا [حسـین الحوثی] قیـام کرد، ادعاهـای دروغینی به او نسـبت دادنـد. ما در آن زمان ضـعیف بودیم و چیزی در اختیار نـداشتیم. آنها علیه رهبر شهید ما دست به کار شدند

ص:۶۳

و اعلام کردنـد که این فرد، مـدعی نبوت و امامت است و می خواهـد ما را به گذشـته و قهقرا ببرد و جادوگر است. در همین راستا اتهامـات بی پـایه و اسـاس بسـیاری به او نسـبت دادنـد. وقتی رییس جمهور یمن در آن زمـان به آمریکا رفت و به هفت کشور صـنعتی جهـان سـفر کرد. او پس از بـازگشت از نزد رییس جمهور آمریکـا، علیه سـید حسـین بدرالـدین الحوثی اعلام جنگ داد. رهبر شهید در سال ۲۰۰۱ میلادی، هفتاد سـخنرانی ایراد کرد. او طلاب را از سراسـر کشور گرد خود جمع نموده و برای آنان به سـخنرانی پرداخت. طلاب فرهنگ رهبر شـهید ما را در سراسر یمن انتشار دادند و شعارهای وی پس از اقامه نماز جمعه سـر داده شد. طلاب به دستور شهید سید حسین به صنعا می رفتند و پس از اقامه نماز جمعه شعارهای یاد شده را سر می دادنـد. بسـیاری از آنان در حـدود هزار نفر بازداشت شدنـد. برخی از آنان چهار سال، برخی پنـج سال و شـماری نیز بیشتر در زندان باقی ماندند، تعدادی در زندان درگذشتند و به دلیل این شعار شکنجه شدند.

حزب حاکم در آن زمان دنباله رو آمریکا بود و تجمع یمنی اصـلاح مورد حمایت عربستان قرار داشت که خط مشی وهابی را در پیش گرفته بود. آن ها فتوا دادنـد که کشـتن این شـخص یعنی سـید حسـین بدرالـدین واجب است، یارانش را باید کشت، خانواده هایشان را باید

به قتـل رسانـد و زنـان شـان را مورد تجـاوز قرار داد و خـانه هایشـان را ویران کرد. اولین جنـگ علیه حوثی هـا در سال ۲۰۰۴ میلادی شـکل گرفت. جنگ سه ماه در کوهسـتان مران ادامه یافت. در این جنگ، تقریباً ۱۵ هزار تن از ارتش کشـته شدند و هفتصـد تن از نیروهای انصارالله به شـهادت رسـیدند که یکی از آنان، سـید حسـین بدرالـدین بود. جنگ بعـد از شـهادت وی متوقف شد و جنازه او را برداشـتند و در زندان مرکزی صـنعا دفن کردند، تا آن را تحویل انصارالله ندهند و بر قبر وی، گنبد و بارگاه نسازنـد و مردم به زیارت وی نیاینـد. جنازه این شـهید، تقریباً ده سال در زنـدان مرکزی باقی ماند. سـپس دومین جنگ شعله ور شد. برادرش سید عبدالملک بدرالدین الحوثی جایگزین وی گردید. خداوند به این فرد علم و حکمت بخشیده است. او کم سن و سال است و ۳۴ سال دارد. اما فردی است که خداوند به او علم و حکمت بخشیده و شما می توانید سخنرانی های او را که از شبکه المسیره پخش می شود، را تماشا کنید. دومین جنگ در منطقه «المشور»، واقع در صعده، شعله ور گردید.

ایـن منطقه سه تـا چهـار کیلومـتر امتـداد داشت و انصـارالله در این منطقه در محاصـره قرار داشـتند. ارتش علیه آن هـا از انـواع تسـلیحات تانک، زره پوش و موشک های کاتیوشا و گلوله های خمپاره استفاده کرد. دومین جنگ در سال ۲۰۰۵ میلادی رخ داد که تقریباً پانزده

روز به طول انجامید. نیروهای انصارالله به نقطه دیگری به نام «النقعه» انتقال یافتند. سومین جنگ نیز در سال ۲۰۰۶ میلادی روی دادند. دامنه جنگ سوم گسترش یافت و سه ماه به درازا انجامید. جنگ چهارم در بسیاری از مناطق صعده همچون بنی عام و کوهستان مران گسترش یافت. این نبرد تقریباً هفت ماه به طول انجامید. پنجمین نبرد تقریباً دو ماه طول کشید که در سال ۲۰۰۸ میلادی روی داد. ششمین جنگ در سال ۲۰۰۹ میلادی اتفاق افتاد که شدیدترین نبرد به شمار می رفت و طی آن، هم زمان با عربستان و ارتش یمن وارد نبرد شدیم. این نبرد هفت یا هشت ماه طول کشید. بسیاری شهید شدند و خانه های زیادی ویران شد، اما به امید خدا بر ارتش عربستان و ارتش یمن پیروز شدیم.

تعدد مذاهب در یمن و جایگاه آن ها چگونه و درصد آن ها چقدر است؟

مفتی انصارالله: دو مذهب زیدیه و شافعی طی بیش از هزار سال است که در کنار یکدیگر به سر می برند وزیدی پشت سر شافعی و شافعی پشت سر زیدی نماز می خواند؛ اما اخیراً با پیدایش مذهب وهابی در عربستان، آن ها مذهب وهابی را انتشار دادند. این مذهب در صدد از بین بردن دو مذهب شافعی و زیدی برآمد. آن ها مساجد

خاص خود را بنا کردند و ائمه جمعه و جماعتی از میان خود برگزیدند. آن ها کتاب های وهابیت را در یمن انتشار دادند، به اعتبار این که زیدیه گروه ضعیفی هستند و چیزی در اختیار ندارند. بدین ترتیب، مذهب وهابیت با حمایت و هزینه عربستان در یمن گسترش یافت، اما به امید و یاری خدا، پس از انتشار یافتن این نهضت قرآنی مذهب صادراتی عربستان جایگاه خود را از دست داد. وهابی ها در دماج مقر اصلی خود در یمن جنگ ها را یکی پس از دیگری بر ما تحمیل کردند. وهابی ها از دیرباز در دماج واقع در استان صعده از سراسر جهان گردهم جمع می شدند. آن ها سعی داشتند تا مذهب زیدی و شیعه را از یمن ریشه کن کنند، زیرا استان صعده مرکز اصلی زیدی ها در یمن به شمار می رفت. آن ها در دماج، مدرسه دارالحدیث را تأسیس کردند. در این مدرسه، وهابی ها از سراسر جهان گردهم جمع شده اند. آن ها این مدرسه را به شهرکی برای خود تبدیل کردند. اما شکر خدا نهضت قرآنی و انصارالله توانست آن ها را به طور کامل از صعده بیرون براند. وهابی ها با حمایت عربستان با انصارالله به نبرد پرداختند، اما خداوند انصارالله را یاری رساند و توانستند تکفیری را از صعده بیرون برانند. ما هم اکنون شاهد پیروزی های پی درپی انصارالله در یمن هستیم و

ص:۶۷

استان ها، یکی پس از دیگری به دست انصارالله در حال تصرف شدن است. تعز، مارد، حدیده و مأرب و بسیاری از مناطق یمن در اختیار انصارالله قرار گرفته است. ان شاء الله تکفیری ها دیگر به اینجا بازنگردند.

یعنی اهل سنت در میان انصارالله حضور دارند؟

مفتی انصارالله: بله، بسیاری از اهل تسنن در میان انصارالله حضور دارند. در میان شافعی و زیدی وحدت وجود دارد. شافعی پشت سر زیدی و زیدی پشت سر شافعی نماز می خوانند. دشمن ما وهابیت است و وهابیت ان شاءالله به زودی از بین خواهد رفت.

وهابی ها در کدام یک از استان های یمن حضوری فعال دارند؟

مفتی انصارالله: وهابی ها در دماج، در دارالحدیث، وادی آل ابوجوباره، کتاف و حاشد به رهبری آل احمر و عمران حضور داشتند. پس از تصرف عمران، آن ها از استانی به استان دیگر آواره شدند. انصارالله القاعده را محصول ساخت آمریکا می داند، دستگاه اطلاعات و دولت آمریکا القاعده و داعش را به وجود آوردند. هم اکنون وهابی ها در جنوب یمن، در استان البیضه حضور دارند. همان گونه که در سایت های خبری دیدیم و شنیدیم، انصارالله رداع را به تصرف خود درآورده است که در نزدیکی البیضه واقع شده؛

ص:۶۸

با این حال وهابی ها در البیضه، الجوف و أبین و حضرموت هم چنان حضور دارند.

جنبش جنوب در این میان چه وضعی داشته و چه موضعی نسبت به انصارالله دارند؟

مفتی انصارالله: بسیاری از هواداران جنبش جنوب جزو یاران انصارالله، به شمار می روند. پیروان علی سالم البیض و الخفجی هر یک از آن ها، خط مشی خاص خود را دارد. برخی از آن ها دنباله رو عربستان هستند. با این حال بسیاری از مردم جنوب هوادار انصارالله هستند، زیرا به آن ها همانند ما ظلم و ستم روا داشته شده است. آن ها مورد حمله قرار گرفتند، هم چنان که ما شش بار در صعده مورد حمله قرار گرفتیم. گروه های بسیاری وجود دارند و هر گروه رهبران خاص خود را دارد، اما اکثریت مناطق جنوب، دنباله رو علی سالم البیض هستند.

انصارالله چه موضعی نسبت به علی سالم البیض دارد؟

مفتی انصارالله: رهبر ما سید عبدالملک بدرالدین الحوثی در روز عید غدیر به ایراد سخنرانی پرداخت و اظهار داشت که از برادران جنبش جنوب در خارج از یمن می خواهد تا به کشور بازگردند.

آن هم پس از آن که انصارالله ژنرال خونریز جنایتکار طاغوت علی محسن احمر و نیروهایش را از جنوب بیرون راند. عبدالملک اظهار

ص:۶۹

داشت که خانه های شما در اختیار ما است، بفرمایید. ما با عدالت هرگونه ظلم و ستم رواداشته شده علیه شما را جبران خواهیم کرد.

قبایل الحاشد و الاحمر از چه جایگاهی برخوردارند ؟

مفتی انصارالله: من در اصل، خود از قبیله حاشد هستم که این قبیله بزرگی است و عبدالله بن حسین الاحمر ریاست آن را برعهده داشت. این شیخ در مأرب بر یمن حکم فرمایی می کرد. او میلیون ها دلار از عربستان ، قطر و ترکیه دریافت می کرد و شاخه نظامی علی محسن الاحمر را در اختیار داشت. فرزندان الاحمر ثروت کشور را به یغما بردند، در کشور فساد به راه انداختند و بر قبیله خود اعتماد کرده بودند. خوشبختانه با یاری خداوند متعال انصارالله توانستند بر قبیله حاشد مسلط شوند، خاندان احمر متلاشی شدند و احمر وقتی خواست به عربستان برود، این کشور به او بها نداد، زیرا برای آن ها حکم ورقه سوخته را داشت و دیگر سودی برای آن ها نداشت. عربستان میلیون ها دلار برای از بین بردن یمن، ایجاد فتنه و آشوب در کشور ما هزینه کرده بود و آن ها را در اختیار خاندان های احمر و حاشد قرار داده بود. اما این کمک ها تماماً بر باد رفت.

ص:۷۰

هدف اصلی انصارالله چیست؟

مفتی انصارالله: من سیاستمدار نیستم. رهبر ما در موارد بسیاری اظهار داشته اند که ما قدرت طلب نبوده و خواهان به چنگ آوردن دولت و یا مشارکت در دولت نیستیم. اما انصارالله بر عملکرد دولت نظارت خواهند داشت. هم چنان که سید حسن نصرالله در جنوب لبنان بر فرآیند امور نظارت دارد. ما هیچ کس، چه وزیر یا نخست وزیر را تحت فشار قرار نمی دهیم.

انصارالله در خصوص احکام شرعی چه موضعی در پیش گرفته است؟

مفتی انصارالله: ما به عنوان مسلمان، قانون اساسی خود را بر اساس قرآن کریم تدوین کرده ایم. ما قبل از تصرف صنعا، مسائل خود را بر اساس احکام شرع مبین اسلام حل می کردیم. ما علمایی در اختیار داریم و مذهب زیدیه سرشار از فروع دینی است. ما دادگاه های دولتی نداریم، بلکه دادگاه های شرعی داریم که انصارالله در تمامی مناطق آنها را تشکیل داده اند.

آیا در میان زیدی ها مخالف جنبش انصارالله وجود دارد؟

مفتی انصارالله: برخی از زیدی ها در ابتدای نهضت، مخالف بودند، آن ها از دولت یمن می ترسیدند، بنابراین سکوت را در پیش گرفته

ص:۷۱

بودند، اما بعد از این همه جنگ و شهدایی که تقدیم کردیم، آنان به طرفدار تبدیل شدند و هم اکنون شمار مخالفان از انگشتان دست کمتر است.

قبیله حاشد چگونه است؟

مفتی انصارالله: قبیله حاشد زیدی هستند. سید عبدالملک بدرالدین اصالتاً از شهر حوث و متعلق به شهر حاشد هستند. سید وقتی مردم حاشد را گردهم جمع کرد، گفت که من حاشدی هستم. من حسینی هستم. وقتی در سال های ۲۰۰۴ میلادی به بعد، با انصارالله به نبرد برخاستند، گفت من یکی از شما هستم. سیدعبدالملک اصالتاً حاشدی است.

حکومت در دوران علی عبدالله صالح و منصور عبد ربه چه تفاوتی با هم دارد ؟

مفتی انصارالله: تفاوتی میان آنها نمی بینم. علی عبدالله صالح مزدور آمریکا بود، اما منصور عبدربه مزدور چند جانبه است؛ او از آمریکا، عربستان و کشورهای ده گانه دستور می گیرد.

آیا او لائیک است؟

مفتی انصارالله: هیچکس نمی داند او چه مذهبی دارد.

آینده یمن را چگونه می بینید؟

مفتی انصارالله: ان شاء الله خوب است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: پاسداری از یک کار از انجام آن، سخت تر است. ما از برادران انصارالله می خواهیم تا از پیروزی های خود محافظت کنند.

من پیش بینی می کنم که آینده بسیار سخت تری در مقایسه با وضعیت موجود خواهیم داشت. ان شاء الله مردم با یک دیگر به همکاری خواهند پرداخت، زیرا این پیروزی ها برای آمریکا و عربستان بسیار گران تمام شده است.

ص:۷۳

رهبران انصارالله

مصاحبه با سیدیحیی طالب مشاری (نمایندهٔ جنبش انصارالله در نجف اشرف) (۱)

معرفی سید یحیی طالب

سیدیحیی طالب مشاری، اهل کشور یمن هستم. در سال ۱۹۷۶ متولد شدم. بعد از گرفتن مدرک علمی دیپلم برای ادامهٔ تحصیل در حوزهٔ علمیه به ایران مسافرت کردم و در مرکز جهانی علوم اسلامی و سپس جامعه المصطفی مشغول به تحصیل شدم. در قم با علمای زیدی مذهب از جمله بدرالدین حوثی نیز ارتباط داشتم و مدتی را هم نزد ایشان به تلمذ پرداختم. در حال حاضر هم نمایندهٔ انصارالله در نجف اشرف هستم.

۱- (۱)) . این مصاحبه در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۵ توسط مختار شیخحسینی انجام شد و متن حاضر تلخیص این مصاحبه است.

نقش علامه بدرالدین الحوثی

بررسی زمینه های شکل گیری انصارالله به راحتی قابل انجام نیست؛ همان طور که رهبرمعظم انقلاب می فرمایند این انقلاب جمهوری اسلامی ثمرۀ زحمت های دویست سالۀ مجاهدان است؛ یعنی دویست سال زحمت کشیدند تا انقلاب به ثمر رسید. انصارالله یمن نیز نتیجۀ جهاد جوانان مؤمن و حزب حق این کشور در طول پنجاه سال بوده است. شیعیان زیدی یمن همیشه در حال جهاد بوده و هستند.

سید علامه بدرالدین الحوثی(رحمه الله علیه)به نظر من که سال ها در قم و یمن نزد ایشان شاگردی کرده ام، یک شخصیت استثنایی و دارای ویژگی های منحصر به فردی بود و نگاه های بسیار عظیمی داشت و همواره به دنبال ایجاد وحدت اسلامی بود؛ تا جایی که وقتی در قم زندگی می کردیم و ایشان به زبان فارسی تسلطی نداشت، اصرار داشت که هر جمعه در نماز جمعه شرکت کنیم. همیشه هم مانند یک سرباز کوچک در گوشه ای می نشست و با دقت به سخنرانی های نماز گوش می کرد.

از نظر فقه زیدی حرف زدن مردم در نماز جمعه، نماز را باطل می کند؛ یعنی تأکید دارند که سخن گفتن در بین خطبه ها حرام است. با این وجود سید در نماز جمعۀ قم که مردم در بین نماز شعار مرگ

بر آمریکا سر می دادند، شرکت می کرد و می گفت این شعاردادن نماز را باطل نمی کند؛ چون به اذن امام است و خود امام به هنگـام شـعارهای مردم، ساکت می شود. شایـد روایت و هـدف فقها و علمای زیـدی از حرام کردن حرف زدن در بین نماز برای زمانی است که امام جمعه راضی نباشد.

در حقیقت سـید بـا این اعمـال و گفتار خود نشان می داد که همـهٔ مسـلمانان در یک صف هسـتند و وحـدت دارنـد. ایشان از وجود شخصی خودش فاصله گرفته بود و تمام فکر، زندگی و بعضی از فروع اعتقادات خود را در مسیر مصالح اسلام، وحدت مسلمین و خدمت به اسلام وقف کرد.

بدرالدین و انقلاب اسلامی ایران

سیدبدرالـدین بـا شـروع قیـام امـام خمینی (رحمه الله علیه) و بـا وجود سـختی هـای زیـاد از انقلاـب ایشـان حمایت کرد؛ حتی هنگامی که ایران در عملیات های جنگی برضد حزب بعث و گروهک های منافق به پیروزی دست می یافت، به رسم عشایر به بالای خانه اش می رفت و تیراندازی می کرد. ثواب تدریس تعلیم عقاید به طلاب را برای یاری حزب الله نیت می کرد.

سیـد در برخورد با همگان حتی با فرزنـدانش نیز هماننـد یک برادر و عالم بزرگ برخورد می کرد؛ یعنی حتی کودکان را نیز یک عالم

ص:۷۷

بزرگ محسوب می کرد. من بسیار تعجب می کردم وقتی می دیدم سید به گونه ای با فرزندانش صحبت نمی کند که احساس کنند از ولایت پدری خود استفاده می کند. به همین جهت فرزندان سید در مقایسه با سایر علما بسیار متفاوت هستند و در حال حاضر هر کدامشان یک شخصیت قدرتمند، مستقل، متفکر هستند؛ چون از کودکی به آنان جایگاه، کرامت، استقلال، احساس وجود و... داده است.

مقابله با وهابیت

سیدبدرالدین حوثی(رحمه الله علیه) در عصر حاضر اولین کسی بود که در جزیره العرب به شکل منسجم و جدی با پروژهٔ استکباری وهابیت و تفکر انحرافی آنان که برای ایجاد اسلام هراسی در جهان شکل گرفته است، به مقابله برخاست و از لحاظ علمی نیز آنها را به شدت سرکوب کرد و کتاب «تحریر الافکار» را با ادله ای مستحکم و قوی در رد افکار و ادعاهای باطل این فرقهٔ ضاله به نگارش درآورد. جالب آن که در این کتاب از جمهوری اسلامی، ایران و شیعهٔ امامیه نیز به شدت دفاع کرده است.

کتاب «الغاره السریعه فی الرد علی الطلیعه و الایجاز فی رد علی الفتوا الحجاز» نیز از دیگر تألیفات این بزرگوار است که البته تا صد عنوان کتاب از ایشان به یادگار مانده است.

سیدبدرالـدین بـا این خصـایص و ویژگی هـای خـاص به تنهـایی در برابر جریان وهابیت قـد علم کرد. وهابی ها نیز با حمایت جهـانی و به ویژه آمریکا سـید را آواره کردنـد؛ منزلش را در صـعده و دیگر مناطق، هـدف گلوله های خود قرار دادنـد. وقتی کشور اردن از دادن اقامت به سید خودداری کرد، به ایران آمد و در قم ساکن شد.

سیـد در یمن از معـدود علمـایی بود که بسـیار تلاش می کرد و حتی با وجود تصورات نامطلوبی که از فعالیت های حزبی در یمن حاکم بود، علما را برای تأسـیس حزب در فشار قرار داد. در شـرایط سـخت فرهنگی هم زنان نمی توانستند خارج از منزل به فعالیت اجتماعی بپردازند، سـید به خاطر حفظ مصالح اسـلام فتوایی صادر کرد که زنان می توانند بدون داشـتن برقع عکس بگیرند تا بتوانند در فعالیت ها حضور داشته باشند.

سیـد با کمک علما حزب الحق را تشـکیل داد؛ اما بعد از مدتی همین علما به مخالفت برخاسـتند و سـعی کردند تا حزب را از بین ببرند. سید که از این عملکرد علما دلگیر بود، جوانان را درگیر کرد و حزب شباب المؤمن را تشکیل داد.

شهید حسین الحوثی

بعـد از کنسل شـدن حزب الحق، حزب شـباب المؤمن تأسیس شـد و رشد چشـمگیری هم داشت. همین پیشـرفت باعث شد تا دولت با

حمایت آمریکا و عربستان بین مسئولین شباب المؤمن و علمای زیدی اختلاف ایجاد کنند تا اساس حزب، نابود شود. در شرایطی که امکان رویارویی با علما وجود نداشت و جوانان شباب المؤمن هم به توصیهٔ بزرگانِ خیرخواه وقعی نمی نهادند، سیدحسین، فرزند سیدبدرالدین به یک بن بست رسید و برای ادامهٔ تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به کشور سودان رفت.

سیدحسین بعد از مدتی با یک مدل مبارزاتی جدید بازگشت و آن این که در ابتدا باید سَر استعمار را قطع کرد؛ نه دُم استعمار را که همان وهابی ها هستند. باید با آمریکا مبارزه کرد؛ چون آمریکا زمینهٔ حضور وهابیت را برای ایجاد فتنه ایجاد کرده است.

سیدبدرالدین زمانی که فرزندش، سیدحسین این شعار و تفکر مبارزاتی را مطرح کرد، یک مرجع بزرگ بود؛ با این وجود، زیر لوای سیدحسین قرار گرفت و خودش را از یاران او معرفی کرد و مردم را هم به تبعیت از سیدحسین فرامی خواند.

علما از این منش اخلاقی و رفتاری سیدبدرالدین متعجب بودند؛ چون به طور طبیعی سیدحسین می بایست تحت فرماندهی پدرش باشد؛ اما توجه به مصالح اسلام و مسلمین این مسئله را برعکس کرده بود.

علی عبـدالله صالح تصـمیم داشت تا سـیاهی پروندهٔ ارتباطش با آمریکا و عربسـتان و نیز وضـعیت بد اقتصادی یمن را در قالب جنگ با حزب الحوثی ها بپوشاند؛ همان طور که صدام حسـین جنگ با ایران را آغاز کرد تا از حمایت جهانی برخوردار شد. با خطگیری از این تفکر صدام، اعلام کرد که سـیدحوثی یک شـیعه، موالی ایران و مخالف آمریکاست. عربسـتان هم با سـید، مخـالف است؛ پس اگر بـا حزب الحوثی هـا وارد جنـگ شود، همه از او حمـایت مالی خواهنـد کرد؛ حتی مسـئلهٔ القاعـده هم فراموش می شود. با این پیش بینی تبلیغات زیادی انجام دادنـد که ایران در مسائل داخلی یمن دخالت کرده است تا این کشور را تصرف کند.

البته پیش بینی علی عبدالله صالح از حمایت مالی، به وقوع پیوست؛ اما یک نکتهٔ مهم را درنظر نداشت و آن هم حاکمیت خدا بر جهان بوده است. کشـتن مردم بی گناه کوچه و بازار که در مسائل جنگی هیچ دخالتی نداشته اند به بهای این که پولی را به دست آورد و با آن مشـکلات اقتصادی کشورش را حل کنـد، بایـد در تاریـخ ثبت شود تا حاکمان از خـدا بیم داشـته باشـند؛ خدایی که همه چیز را مطابق حکمت خود برهم خواهد زد و معادلات را تغییر خواهد داد.

سیاست سـیدبدرالدین و جانشـین وی سـیدعبدالملک بر مبنـای تقـوا بوده است؛ تقوا به معنـای دفع شـر. همیشه هم اعلام می کردند که ما

به دنبال شرسازی نیستیم؛ به همین جهت وقتی دولت مسئلهٔ صلح را مطرح می کرد، می پذیرفتند و حتی از جان و حق خود می گذشتند تا جان مردم حفظ شود.

ویژگی های سیدحسین حوثی

البته من بـا سیدحسـین به انـدازهٔ سـیدبدرالدین و سـیدعبدالملک ارتبـاط زیـادی نداشـتم؛ اما متوجه شـدم که سیدحسـین یک شخصـیت بسـیار قیـاد و رهبر، کم حرف؛ امـا پرتلاـش، زرنـگ و نافـذ در دل هـا بود؛ به گونه ای که وقتی یـک نفر بـا ایشان ملاقات می کرد، ناخواسته ولایت ایشان را می پذیرفت.

سید عبدالملک حوثی؛ رهبر انصارالله

شخصـیت سـیدعبدالملک و سیدحسـین از برکات وجود سـید بدرالدین است. سیدبدرالدین، خودش و فرزندانش را این گونه بزرگ کرد و بـه آنهـا شخصـیت و کرامـت داد. بـه یـاد دارم زمـانی کـه در قم بـودیم و سـیدعبدالملک هم هفـده سـاله بـود، سیدبدرالدین در کارها با او مشورت و از نظراتش اسـتفاده می کرد و حتی او را به عنوان مسـئول دفترش نیز انتخاب کرده بود. این گونه رفتارها نشان می دهـد که سـیدبدرالدین عقل و تـدبیر رهبری را از هفـده سالگی در فرزنـدانشان ایجاد و تقویت می کردند. به همین جهت سیدعبدالملک

یـک شخصـیت قوی، رهبر و عـالم است. از لحـاظ علمی هم تمـام کتب لغوی را در سن هفـده سالگی نزد پـدرشان آموخته و مسلط بر علم لغت بودند و علم فصاحت و بلاغت را ادامه می دادند.

به اعتقاد من سـیدعبدالملک یک مجتهـد، حافظ قرآن و بخش زیادی از نهـج البلاغه و در کل یک علامه است؛ اما تمایلی به اظهار ندارد. سـیدبدرالدین روش خاصـی برای درس خواندن داشت؛ به طوری که در مدت سه سال طلاب را به درجهٔ اجتهاد می رساند. خودشان می گفتند که فرزندانم هر روز همراه با من درس می خوانند؛ پس با روشـی که ایشان داشتند، فرزندانشان حتماً علامه هسـتند. البته پذیرش عالم بودن فرزندان سیدبدرالدین برای مردم کمی سخت است؛ چون در یمن معمولاً این طور است که مردم عالم بودن را به ریش سفیدی می دانند؛ اما من به عنوان یک طلبهٔ متخصص در علوم دینی بر این باور هستم که سیدعبدالملک یک عالم است.

سیدبدرالدین و فرزندانش یک نعمت بزرگ، خانواده ای بسـیار خوب، متدین، فداکار و زحمتکش هسـتند که خدا به واسـطهٔ حضور این خانـدان، برکات زیادی را در یمن، جاری کرده است؛ مثلاً ما هیچ گاه در خواب هم فکر نمی کردیم که تشـیع بار دیگر در صـنعایی که ۹۵ درصـد از مساجـد، مراکز و مردمـانش در دسـتان سـلفی ها اداره می شـد، زنـده شود و یادواره های زیادی هم توسط شیعیان در این شهر برگزار شود.

جامع البحرین، بزرگترین مرکز و مسجد زیدیان در صنعاست که توسط علامه حمودعباس المؤید و علامه محمد منصور، اداره می شد. ۷۰ درصد از این مرکز را سلفی ها تشکیل می دادند؛ یعنی شیعیان زیدی در معرض نابودی بودند.

وهابیت، هفتاد سال تلاش کرد؛ اما با معجزه و لطف الهی، فضا به نفع شیعیان تغییر کرد. معتقد هستیم ان شاءالله یاران حزب انصارالله بدون عجب، غرور، تغیر از مسیری که انتخاب کردند و با اطاعت از شخصیت مخلص، مؤمن و متعهد علامه سیدعبدالملك، علاوه بر یمن در تمام جزیره العرب تحولاتی را ایجاد خواهند کرد که البته نیازمند استقامت و پیوند عمیق با خدا هستند؛ همان خدایی که آنها را از بزرگ ترین امواج تاریکی و ظلمانی نجات بخشید.

چالش های فراروی انصارالله

خطرناك ترین مسائلی که امروزه حزب انصارالله را تهدید می کند، چند نکته است:

۱. احساس غرور و اعتقاد به این که خودشان این کار را انجام دادند. این، یک خطر بسیار بزرگی است. در یکی از جنگ های صدر اسلام که پیامبراکرم(ص) و امام علی(علیه السلام) نیز حضور داشتند، مسلمانان به جبهه و تعداد خودشان مغرور شدند که ما شکست

نمی خوریم، مـا قوی هستیم، ما زیاد هستیم. خداونـد قضـیه را برخلاف باور مسـلمانان هـدایت کرد و سـپاه کم تعـداد کفار بر لشگر اسلام پیروز شد. باید اعتماد به خود را از بین برد و فقط به خدا ایمان داشت.

۲. داشـتن عرق ملی امری پسـندیده نیست؛ فقط باید به خدا توجه داشت؛ چون وقتی تعصب ملی در حرکت های اسلامی شعله ور شود، نَفَس الهی از این حرکت خارج خواهـد شد. انصارالله هم نباید گرایش منطقه ای را در مبارزات خود وارد کنند؛ مثلاً این که ما یمنی هستیم، ما اهل صـعده هستیم، ما اهل فلان منطقه هستیم و... . همـۀ زمین از آنِ خـداست و همـۀ مردم هم بنـده های خدا هستند و هیچ کسی بهتر از دیگری نیست و خدا خودش کمک می کند.

عرق ملی داشـتن و افتخار به کوه، دره و... زمین گیر می کند. زمین یک خاک است که دیر یا زود در آن قرار می گیریم و ما را خواهد بلعید. حتی عنصـر مذهبی، عنصر نژادی، هر چیز و هر نغمه ای که در آن عنصری غیر از خداست، نابودکننده است و خطرش از سلاح های پیشرفته هم بیشتر است. فقط باید به خدا و انسان باعظمت افتخار کرد.

۳. اختلاف در هسـتۀ اصـلی نیز خطری بزرگ است. اگر اختلافی بین اعضای اصـلی ایجاد نشود، کارهای زیادی انجام خواهد شد. اگر در

هستهٔ اصلی و اولیهٔ صحابه، اختلافی به وجود نمی آمد، اسلام بر همهٔ دنیا احاطه پیدا می کرد. پیغمبر نمی توانستد اقدامی کنند چون صحابه هستهٔ اصلی اسلام بودند. بنابراین هستهٔ اصلی انصارالله باید تسلیم باشند و از سیدعبدالملک اطاعت کنند؛ تا جایی که اگر برای هرکدام از این افراد احساس ضایع شدن حق ایجاد شد؛ ولو حق هم با او باشد، باید گروه را ترک کند تا مشکلی ایجاد نشود.

الحمدلله تا امروز چنین مشکلی در انصارالله وجود نداشته است؛ با وجود آن که مطمئن هستیم عربستان و آمریکا به دنبال ایجاد مشکل در این حزب فعال هستند؛ به ویژه آن که به این باور رسیده اند که شکست حزب الحوثی ها از بُعد جنگی نخواهد بود و باید از طریق ایجاد اختلاف در هستهٔ اصلی حزب، آنها را متزلزل کنند؛ یعنی شکست از درون و نیز ایجاد غرور و دورکردن از خدا.

من معتقد هستم اگر حزب انصارالله همین گونه استقامت کنند، کارهای بزرگ تری را انجام خواهند داد؛ اما باید همواره به خدا توکل داشته باشند تا به هدف خود دست یابند.

ص:۸۶

قدرت یافتن انصارالله در یمن

(مصاحبه با عبدالوهاب یحیی المحبشی) (۱)

لطفاً قبل از ورود به بحث خود را معرفی فرمایید؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: عبدالوهاب یحیی المحبشی هستم که در واحد تحقیقات دانشگاه یمن مشغول به کار می باشم. همچنین به عنوان عضو انصارالله در صنعا، در بخش تأمین نیازهای دانشجویان فعالیت دارم.

در زمینه تاریخ ورود اسلام به یمن نیز مطالبی را برای ما شرح دهید.

عبدالوهاب یحیی المحبشی: مردم یمن از همان ابتدای ورود اسلام به این کشور در دوران پیامبر گرامی اسلام(ص)، شیعه اهل بیت(علیهم السلام)

۱- (۱)) . ایـن مصـاحبه در مهرمـاه ۱۳۹۳ توسط دکتر محمداسـماعیل نباتیان و مختار شـیخ حسینی در حاشیه همایش بینالمللی(فی رحاب الامام علی(علیه السلام)) در مشهد مقدس تهیه شده است.

به شـمار می رفتنـد؛ در زمان بعثت، فردی بنام «باذان الفارسـی» در یمن پادشاه بود. لـذا وقتی نامه های پیامبر(ص) به پادشاهان رسـید. این نامه در صـنعا نیز به دست باذان رسید. حاملان نامه به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) به پادشاه یمن عرض کردند که «کسـری» پادشاه ایران، کشـته شـد. باذان در جواب گفت: «باشد منتظر بمانید تا خبر کشـته شدن وی به ما نیز برسد.» همین که خبر کشـته شـدن کسـری به بـاذان رسـید، او هم به پیـامبر(ص) ایمـان آورده و مسـلمان شـد. حتی ایرانیانی هم که در یمن بودند، مسـلمان شدند و اسـلام در میان آنان انتشار یافت. پس از آن، پیامبر (ص)، امام علی(علیه السلام) را به یمن اعزام کرد. ایشان نیز ساکنان بومی یمن را به اسلام دعوت کردند و آنها مسلمان شدند. پیامبر(ص) باذان را به عنوان پادشاه آنان قرار داد. یمنی ها از همان تاریخ، عاشق امام علی(علیه السـلام) شدند. لذا تاکنون عشق علی در خمیرمایه یمنی ها وجود دارد. شما عشق مردم ایران به امام علی بن موسـی(علیه السلام) را مشاهده کنید. در میان ایرانیان این عشق چه تحول عظیمی را به وجود آورده است. عشق مردم ایران به امام رضا(علیه السـلام) یک عشق بی نهایت است. تا چه رسد به امام علی(علیه السـلام) که در محیط یمن قرار گرفتند و مردم آنجا را به اسلام دعوت کردند. مردم یمن از آن تاریخ تا به امروز، شیعه هستند.

ص:۸۸

زمینه های رشد انصارالله در یمن را چگونه تحلیل می کنید؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: در ارتباط با حرکت انصارالله باید گفت ماهیت آن توسط بدرالدین الحوثی، پدر آقای عبدالملک الحوثی، تبلور یافت. وقتی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) شکل گرفت، آقای بدرالدین کاملاً از آن حمایت نموده و آن را تأیید کرد. بدرالدین تنها و تهیدست بود، ثروتی هم نداشت؛ اما وقتی پیروزی های امام خمینی (قدس سره) را در انقلاب اسلامی ایران یا علیه رژیم صدام حسین می شنید، بیرون آمده و به نشانه شادی، از شنیدن خبر پیروزی های امام(ره) تیراندازی هوایی می کرد. مردم سؤال می کردند که چرا تیراندازی هوایی می کند، وی به آنها می گفت که این کار را به خاطر ابراز شادی از شنیدن خبر پیروزی انقلاب اسلامی و یا شکست صدام در جنگ انجام داده ام.

آقای بدرالدین در یمن نیز محیطی را عاشق انقلاب اسلامی ایران به وجود آورد. و به مرور این محیط گسترش یافت. اما تبلور اصلی ماهیت انصارالله توسط حسین بدرالدین فرزند وی شکل گرفت. او در دامان پدر با عشق به امام خمینی(ره) پرورش یافت. آنها از امام خمینی(ره) به عنوان یک مرد قرآنی یاد می کردند و می گفتند در این دوران امام خمینی(ره) پیرو قرآن و اهل بیت(علیهم السلام) است و ما بر همین اساس، عاشق امام خمینی(ره) هستیم. ایشان مسلمانان

را به سمت عنوان بزرگ رهنمون کردند. امام(ره) به ما فهماند که ما همگی امت مسلمان هستیم. ایشان نه تنها معشوق مسلمانان بودند، بلکه معشوق مستضعفان غیرمسلمان نیز بودند؛ لذا انقلاب اسلامی تحت عنوان انقلاب مستضعفین نام گرفت. پیشوای ما شهید حسین بدرالدین در نزد پدرش چنین روحیه ای را فراگرفت، روحیه اهتمام ورزیدن به تمام مستضعفان و روحیه سیرآب شدن از سرچشمه افکار انقلابی و تجددگرای امام خمینی(ره)، می توان گفت که خیزش فکری حرکت انصارالله با شروع انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت. آقای بدرالدین با شروع انقلاب اسلامی در ایران، بذر اولیه انقلاب اسلامی در یمن را نیز کاشت. این انقلاب توسط فرزندش حسین پیشوای شهید یمن و فرزند دیگرش عبدالملك الحوثی شکل گرفت.

نقش شهید حسین الحوثی در تأسیس جنبش تا چه حدی است؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: جنبش انصارالله با حرکت شهید حسین بدرالدین حوثی آغاز شد. وی فارغ التحصیل رشته کارشناسی ارشد علوم قرآنی بود و حافظ قرآن کریم به شمار می رفت و همواره به قرآن اهتمام می ورزید. شهید پیشوا از نوع اندیشمندان اسلامی بود که دیدگاه های کلی و فراگیری را مطرح

می کرد. وی پس از گرفتن فوق لیسانس در رشته علوم قرآنی، خود را برای گرفتن دکترا در این رشته در سودان آماده کرد، اما قبل از گرفتن دکترا، به یمن بازگشت تا آن که حادثه یازدهم سپتامبر روی داد. همه مردم می گفتند عامل این حمله القاعده است. شهید پیشوا حاضر نشد تا تحصیلات خود را ادامه دهد و در یمن ماند. وی گفت: «این مرحله سرنوشت سازی است و ما نباید ساکت بمانیم. ما فقیر و مستضعف هستیم، اما باید سخن بگوییم. مسئولیت ما در برابر خدا اقتضا می کند که ساکت نمانیم».

وی در میان مردم حاضر می شد و اظهار می داشت که این کار القاعده نیست و دستگاه اطلاعاتی آمریکا عامل این حادثه بوده که توسط تکفیری ها روی داد؛ رویداد مزبور توطئه ای برنامه ریزی شده توسط صهیونیست ها و آمریکایی ها است تا بتوانند به بهانه مبارزه با تروریسم، به کشورهای اسلامی یورش برند. وی در همین ایام نقطه شروع حرکت خود را روز جهانی قدس قرار داد.

شهید حسین بدرالدین حوثی مردم را در روز جهانی قدس گردهم جمع کرد و در حضور مردم اولین سخنرانی خود را ایراد کرد. وی در این سخنرانی اطلاعیه امام خمینی(ره) را به طور کامل برای مردم خواند؛ خط مشی، برنامه و طرح خود را برای شکل گیری انصارالله ترسیم نمود. وی در روز جهانی قدس تصویر کاملی از حرکت

خود ارائه داد. حسین بدرالدین طرح مبارزه با آمریکایی ها در دراز مدت را مطرح کرد. و گفت: «ما فاقد نگرش صحیحی هستیم. نگرش صحیح آن است که به سوی مبارزه با آمریکایی ها پیش برویم؛ در همین راستا نیز طرحی عملی ارائه دهیم تا ملت به طور کامل جهت رویارویی با آمریکا فعال شود».

پس نتیجه می گیریم، اولین گام عملی در روز جهانی قدس در ماه رمضان سال ۱۴۲۲ هجری قمری برداشته شد. ما می توانیم این تاریخ را نقطه شروع مسیر قرآنی به طور عملی و موثر در سطح توده های مردم بدانیم. پس از گذشت دو سال و نیم، فرهنگ شهید حسین بدرالدین گسترش یافت. شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسراییل در مساجد صنعا و بسیاری از مساجد کشور به یک امر رایج تبدیل شده بود. پس از آن دولت از سر داده شدن شعار مرگ بر آمریکا توسط مردم جلوگیری به عمل آورد. هر کس که شعار مرگ بر آمریکا می داد، دستگیر و زندانی می شد؛ تا آن که شمار زندانیان به هزار تن رسید. تنها جرم آنها این بود که شعار مرگ بر آمریکا سر داده بودند. آقای حسین بدرالدین حاضر نشد شعار مرگ بر آمریکا را متوقف کند و به همین دلیل آنها نظامیان خود را برای بازداشت وی گسیل داشتند، اما وی سه ماه مقاومت کرد تا آن که در

آخرین جمعه ماه رجب سال ۱۴۲۵ هجری قمری، مصادف با ۲۰۰۴ میلادی شهید شد.

جنبش انصارالله پس از شهادت وی شاهد چه تحولاتی بود؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: پس از شهادت وی، پیروانش پراکنده شدند؛ البته در حدود ۳۰۰ تن از مجاهدینی که به همراه وی جهاد می کردند به شهادت رسیدند. بسیاری از غیرنظامیان نیز به شهادت رسیدند. منطقه ای که ۱۶ هزار نفر جمعیت داشت، به طور کامل ویران شد. پس از آن، رژیم، پدر حسین بدرالدین را به صنعا برد و تحت اقامت اجباری قرار گرفت؛ وی چهار تا شش ماه در اقامت اجباری در صنعا بود، به بهانه این که دولت قرار است زندانیان را آزاد کند، پس از گذشت مدت زمانی، دولت زندانیان را آزاد نکرد و بدرالدین خود از صنعا به صعده بازگشت. دولت پس از آن، تصمیم گرفت نبرد دیگری علیه حوثی ها انجام دهد. رژیم، سایر مناطق مسکونی هواداران آقای بدرالدین را از بین برد تا آنجا که تانک های رژیم از روی پیکر مجاهدین گذشتند. پس از آن، آقای بدرالدین و سایر مجاهدین رو به صحرا گذاشتند. آنها در صحرا و کوهستان یک سال به دور از نگاه ها، جنگنده ها و تانک ها بسر بردند. آنان به سه گروه تقسیم شدند.

۱. گروهی از آنها به سوی صحرایی به نام «فَرد» رهسپار شدند.

ص:۹۳

۲. گروهی نیز به منطقه ای به دور از عمران و آبادی، به نام «آل ثانی» عزیمت کردند.

۳. گروه سوم هم به شهرها رفتند و در سطح شهرها مخفی شدند.

از این مرحله بود که سید عبدالملک وارد صحنه شد؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: پس از گذشت تقریبا شش ماه، آقای عبدالملک بدرالدین رهسپار منطقه جدیدی شد و در آن زمان ۲۶ سال داشت. پس از شهادت حسین بدرالدین، در کادر رهبری اختلال به وجود آمد. پدر شهید با تکیه بر یکی از شیعیان مخلص کارخود را پیش برد. در میان سایر اعضای حرکت، شجاعت وجود داشت، اما حکمت و تدبیر وجود نداشت. به دنبال آن عبدالملک بار دیگر مجاهدین را برگرد خود جمع کرد. اوضاع آنها استقرار یافت و از نوروحیه شان را بازسازی کرد. او در میان آنها امید ایجاد کرد. عبدالملک در ۲۶ سالگی در میان آنان امید ایجاد می کرد.

شهید پیشوا در سال ۲۰۰۴ میلادی به شهادت رسید و در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز این کشتار که از آن سخن به میان آوردم، روی داد. در سال ۲۰۰۶ میلادی، آقای عبدالملک مردم را از نو متحد ساخت. در این سال، اوضاع بهتر شد. دولت در سال ۲۰۰۶ میلادی بار دیگر در صدد از بین بردن این افراد برآمد، اما نتوانست. آنها سه

ماه در برابر دولت مقاومت کردند و دولت هم در برابرشان ناتوان ماند.

یک توضیح مختصر از روند جنگ ها بفرمایید.

عبدالوهاب یحیی المحبشی: جنگ سال ۲۰۰۴ میلادی اولین جنگ بود. جنگ های سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی دومین و سومین بودند. جنگ اول و دوم شبیه کربلا بود، اما سومین جنگ شبیه نبرد خندق بود. دشمن بازگشت، بدون آن که بتواند کاری از پیش برد. در همین راستا، چهارمین جنگ که روی داد، انصارالله نیز قوی تر شده بودند و توانستند بر مناطق دیگری مسلط شوند. پس از آن که قوی تر شدند، آمریکا و رژیم مجبور شدند قطری ها را برای میانجیگری به پیش بفرستند. میانجیگری قطر بر این اساس صورت گرفت که رژیم تمام زندانیان را آزاد کند، صلح و آشتی برقرار شود و به مردم نیز آزادی فکری ببخشد. اساساً مشکل ما با رژیم یک مشکل فکری بود. رژیم می خواست مانع از آن شود که اقدامی علیه آمریکا صورت دهند. با میانجیگری قطر، جنگ متوقف شد و رهبر مجاهدین از تمامی کوهستان ها عقب نشینی کرد، این مناطق را به رژیم تحویل داد و تربیت مجاهدین را از نو از سر گرفت.

تقریباً پس از گذشت یک سال، جنگ چهارم در سال ۲۰۰۷ میلادی و جنگ پنجم هم در سال ۲۰۰۸ میلادی روی دادند و هر یک از

این نبردها، دو تا شش ماه به درازا کشید. جنگ چهارم بسیار شدید بود و مردم از خود صبر و ایستادگی نشان دادند. می توان گفت که نیروهای انصارالله در میدان جنگ شدیدترین نبردها را انجام می دهند؛ اما هرگز کمربند انفجاری به خود نمی بندند و خود را منفجر نمی کنند، یا آن که بر سر جاده بمب کار گذاشته و یا خودرو بمب گذاری کنند. آنها صحنه نبرد ایجاد می کنند و سپس به نبرد برمی خیزند. انصارالله در میدان نبرد با ارتش و تانک ها روبرو می شوند و می جنگند تا آن که نبرد به پایان برسد.

پس از آن که رژیم یمن کاملاً از پا درآمده بود و نمی توانست نبرد دیگری را بر پا نماید، در سال ۲۰۰۹ میلادی براساس رهنمود و حمایت عربستان نبرد دیگری به راه انداخت. پس از گذشت سه ماه از جنگ، عربستان خود در این جنگ شرکت کرد. لذا نبرد شدیدی روی داد که شش ماه به طول کشید. در این جنگ نیز عربستان هم شکست خورد و انصارالله توانست وارد خاک عربستان شده و بر روستاهای زیادی تسلط پیدا کند. در نهایت، آقای عبدالملک به عربستان پیام داد که ما خاک شما را نمی خواهیم، فقط از شما می خواهیم با ما نبرد نکنید و به ارتش یمن علیه ما کمک نکنید. عربستان پس از ناتوان ماندن در میدان نبرد، این پیام را دریافت

کرد. انصارالله هم به شرط آن که عربستان به نبرد خود علیه ایشان پایان دهد، از سرزمین عربستان عقب نشینی کرد.

خلاصه نبردها از این قرار بود. همان گونه که بیان شد سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ میلادی این جنگ ها روی دادند و انگار که هر سال قرار بود آنها با ما در جنگ بسر برند. پس از سال ۲۰۱۰ میلادی مدتی گذشت تا آن که انقلاب های عربی به وجود آمد و پس از آن، انصارالله در سراسر یمن حضور فرهنگی خود را گسترش داد. این پیروزی اخیر نشات گرفته از آن بود که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ ملت یمن به ماهیت واقعی انصارالله پی برد و متوجه واقعیت ها شدند و تمامی دروغ ها و تبلیغات دروغین و گمراه کننده علی عبدالله صالح، عربستان و مزدوران عربستان برملا شد، زیرا در طی چند سال گذشته، ملت یمن فهمید که انصارالله یک الگوی پیشرفته هستند و در نتیجه، ما امروز شاهد آن هستیم که ملت یمن در کنار انصارالله و در برابر القاعده، داعش، آمریکا و سردمداران باقیمانده رژیم سابق قرار گرفتند.

جنگ ها همواره در هنگام برداشت محصولات کشاورزی به وقوع می پیوست. وقتی زمان برداشت انگور و یا انار فرا می رسید این حملات هم شروع می شدند. زیرا کشاورزی تنها منبع درآمد مردم در صعده به شمار می رود. هرگاه زمان برداشت فرا می رسید، رژیم

حمله نظامی خود را آغاز می کرد. ما می دانیم که به استثنای سوریه، تمام کشورهای عرب بدون موافقت سفیر آمریکا تصمیم به اعلام جنگ نمی گیرند. در واقع این سفیر آمریکا است که به همه خط می دهد. تصمیم گیری در خصوص جنگ برعهده سفیر آمریکا است و کشورهای عرب بازیچه دست سفیر آمریکا هستند. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با تمام توان از مقاومت در لبنان و فلسطین حمایت به عمل می آورد و در محاصره اقتصادی به سر می برد. بیست کشور عربی در محاصره اقتصادی تحمیل شده علیه ایران مشارکت دارند؛ زیرا آنها بازیچه ای بیش نیستند و سفیر آمریکا به آنها می گوید که باید ایران را در محاصره قرار دهید.

ساختار اداری انصارالله در حال حاضر چگونه است؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: جنبش انصارالله دو شورا دارد یکی شورای سیاسی که فعالیت های سیاسی را اداره می کند و همچنین شورای جهادی دومین شورای جنبش است.

چه کسی یا کسانی رهبری آن را برعهده دارند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: عبدالملك بدرالدین رهبری همه بخش ها را برعهده دارند. هم اکنون، صالح الصماد ریاست شورای

سیاسی جنبش را برعهده دارد. صالح الصماد از شاگردان پیشوای شهید ما است. او هم اکنون مشاور رییس جمهور است. او پس از انقلاب، به عنوان مشاور رییس جمهور برگزیده شد. بدین ترتیب، تمامی تصمیمات رییس جمهور با موافقت وی اتخاذ می شود.

یک مشاور از سوی حوثی ها و یک مشاور از سوی حرکت جنوب؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: ابوالفضل صالح الصماد جوانی ۳۷ ساله و عضو انصارالله است. بهترین واحد تشکیل دهنده انصارالله پیکره مجاهد آن به شمار می رود. مجاهدان در صحنه و همچنین نیروهای امنیتی برقرار کننده امنیت، ستون فقرات انصارالله را تشکیل می دهند. اینها افتخار مسیر قرآنی به شمار می روند، زیرا تمامی توطئه های داعش، النصره و آمریکایی ها با وجود آنها شکست خورده است. حتی قاچاقچیان مواد مخدر که حشیش را به کشور عربستان صادر می کنند. همان طور که می دانید عربستان دشمن ما است، اما عربستان می داند که ما برای آنها بهتر از رژیم حاکم بر یمن هستیم؛ زیرا امکان ندارد از هیچ یک از مناطق مرزی موجود در اختیار انصارالله حشیش وارد عربستان سعودی شود. در این مناطق حشیش مصادره شده و به آتش کشیده می شود و همه قاچاقچیان مواد مخدر بازداشت می شوند. اما رژیم عربستان ذاتاً

رژیم فاسدی است. این رژیم قاچاق مواد مخدر در میان مردم خود را تشویق می کند. آیا تا کنون رژیمی را دیده اید که قاچاق مواد مخدر در میان مردم خود را تشویق کند؟ در میان اعراب چنین چیزی یافت می شود.

چه کسی فرماندهی شورای مجاهدین را برعهده دارد؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: من در جریان کار این شورا قرار ندارم، زیرا حوزه فعالیت ما مسائل غیرنظامی است. من با واحدهای مدنی تشکیل دهنده انصارالله آشنا هستم. ما واحد سیاسی و واحد آموزش داریم که ابوکوثر سرپرستی آن را برعهده دارند. من در واحد آموزش مشغول بوده و فعالیت های انصارالله در واحدهای آموزشی و دانشگاهی را پیگیر هستم.

ما در همین راستا شورای ویژه زنان داریم که به مسائل مربوط به زنان اهتمام می ورزد و پیشاهنگ جوانان عضو این مسیر قرآنی به شمار می رود. ما در این میان، چند ساختار انقلابی در اختیار داریم که به آنها کمیته های مردمی گفته می شود. این کمیته ها، علاوه بر هواداران انصارالله، از سوی توده های مردم هم اداره می شوند. انصارالله به عنوان پرچمدار انقلاب، مسئولیت این کمیته ها را برعهده دارد. این کمیته ها از انصارالله و تمامی جریان های شرکت کننده در انقلاب، در استان های مختلف تشکیل یافته است. در این میان ما

شاهد حضور جریان های زیدیه که جزو انصارالله به شمار نمی روند، هستیم و همچنین لیبرال ها، چپ گراها، سوسیالیست ها و ناصری ها هم حضور دارند. آنها در تشکیل کمیته های مردمی مشارکت دارند و مسوولیت حفظ امنیت در کشور را برعهده گرفته اند.

این کمیته ها در حاکمیت سیاسی کشور مشارکت ندارند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: نه، مشارکت ندارند. این کمیته ها فقط به خاطر حفظ امنیت، محافظت از مراکز دولتی و پاسداری از اموال عمومی مردم در برابر غارتگران و سارقان تشکیل شده اند. این کمیته ها حامی انقلاب هستند و انصارالله اصراری ندارد تا خود به تنهایی، آنها را در اختیار گیرد، بلکه همه جریان های انقلابی را در آنها مشارکت داده است؛ زیرا انقلاب همه را در برگرفته است و همه آنها در کنار انصارالله، در تظاهرات شرکت کردند.

اگر آقای عبدالملک سخنرانی می کرد و می گفت که من از ملت یمن می خواهم، فردا تظاهرات برگزار کنند. پس از آن ما شاهد برگزاری راهپیمایی میلیونی بودیم و دو میلیون نفر در سراسر یمن در راهپیمایی ها شرکت می کنند. بدین ترتیب، اوضاع پیش رفت. انصارالله به ابعاد دیگری از قبیل ابعاد فکری- فرهنگی نیز اهتمام می ورزد. بعد فرهنگی می تواند مردم را با اندیشه های مطرح شده از سوی رهبر شهید حسین بدرالدین حوثی آشنا کند. این اندیشه ها

بسیاری از ایـده های مطرح شده از سوی امام خمینی(ره) را در برمی گیرد، زیرا رهبر شـهید ما خود را شاگرد ایشان می داند، هر چند که هرگز با امام خمینی(ره) ملاقاتی نداشت. ما امام خمینی(ره) را تنها امام شـما نمی دانیم. ما انصارالله، ایشان را یکی از افراد خود می دانیم. او اسوه و رهبر ماست. او روح خدا است. او روح این روزگاران است و بدون او جهان اسلام مرده ست آن که قیـامت به پـا شود. مـا خـدا را بر این نعمت شـاکریم. انصارالله همچنین چنـدین مـدرسه ویژه آموزش مسائل دینی دارد. هماننـد «دارالبـدر» که هم اکنون در حال شـکل گیری است. البته ما مرکز بدر را داریم که موسـسه ای قدیمی است و در سال ۱۹۹۶ میلادی شـکل گرفتـه اسـت آن هم قبـل از آن که حرکت انصـارالله شـکل گیرد. علت نـام گـذاری این مـدرسه به نـام «دارالبدر» به آقای بدرالدین حوثی باز می گردد. هم اکنون، یک خط مشـی علمی کامل در این مدرسه در حال شـکل گیری است. همان طور که شـما می دانید، انصارالله به شدت مستضعف هستند و تاکنون دانشگاه نداشته اند. آنهافقط اندیشه و مقدار اندکی اسلحه دارند. اما به امید خدا اوضاع در حال بهتر شدن است.

در شورای سیاسی انصارالله آیا به جز زیدی ها، افراد دیگری نیز عضویت دارند؟

عبـدالوهاب یحیی المحبشـی: در میـان توده هـای مردم انصـارالله هوادار غیر زیـدی نیز دارد. زیـدی هـا در کنفرانس گفتگوی آشتی ملی نماینـده دارنـد. اما در شورای زیـدی ها، شـما غیرزیدی نمی یابید. در کنفرانس گفتگوی آشتی ملی ما ۳۵ نماینده داشتیم که شـش تن از آنـان، از پیروان مـذهب شـافعی بودنـد. آنهـا خود را شـافعی- صوفی می داننـد و تصور می کننـد از ما نیسـتند؛ اما از نظر سیاسـی آنها بخشـی از انصارالله محسوب می شوند. آنها با ما ایده های سیاسی مشترکی دارند. آنها از همان زاویه ای به افکار و دیدگاه های رهبر شهید می نگرند که ما نگاه می کنیم. آنها همانند ما به رهبری آقای عبدالملک متعهد و پایبند هستند. اما از نظر فقهی شافعی هستند. ما از نظر دینی و فقهی به آنها آزادی بخشیده ایم.

استان هایی که توسط انصارالله فتح می شوند، پس از فتح چگونه اداره می شوند؟

عبـدالوهاب یحیی المحبشـی: در آنها کمیته های مردمی توسط حامیان انقلاب تشـکیل می شود. انصارالله پس از وارد شدن به هر یـک از اسـتان هـا کـانون هـای دشـمنان از قبیل داعش، تکفیری ها و سایر گروه های تروریستی را از بین می برنـد و حفظ امنیت استان ها را در

اختیار می گیرند. مگر آن دسته از دشمنانی که سلاح بر زمین می گذارند. مردم در آن صورت او را زیرنظر گرفته و به حال خود رها می کنند. اما پس از آن، کمیته های مردمی تشکیل می شود. این کمیته ها امنیت شهرهای تصرف شده را برعهده می گیرند. زیرا هم چنان که می دانید، درصنعا کشتارها و ترورهای زیادی روی داده است. به عنوان مثال می توان به ترور «دکتر احمد شرف الدین» و «دکتر جذبات» اشاره کرد. زیرا ما نمی توانیم به نیروهای امنیتی اعتماد کنیم. بسیاری از نیروهای امنیتی جزو تکفیری ها هستند و یا آدم های وارسته ای نیستند، رشوه می گیرند؛ برای امنیت کشور و خودروهای بمب گذاری شده اهمیتی قائل نیستند و حتی برخی از آنان سلاح ارتش را در اختیار تکفیری ها قرار می دهند. چنین افراد یا کینه طائفه ای دارند و یا تشنه قدرت هستند. آنها می خواهند بر مردم سلطه یابند، اما انصارالله از سلطه جویی آنها ممانعت به عمل آورده است. مردم مجبورند تا وقتی انصارالله امنیت را برقرار کرده و نهادهای امنیتی را از لوث افراد پلید پاک کند، در صحنه حضور فعال داشته باشند. من در اینجا به یاد این سخن امام خمینی(ره) علیه افتادم که چند ماه قبل از سرنگون کردن رژیم شاه فرمودند که مردم باید نهادها را تشکیل دهند، یعنی تسلیم قوه قضائیه رژیم شاهنشاهی نشوند و تمامی نهادهای مربوط به رژیم شاه را تحریم

ص:۱۰۴

کننـد. تا آنجا که به یاد دارم؛ امام خمینی(ره) مردم را به تحریم نهادهای شاهنشاهی فراخواندند تا شاه تحت فشار قرار گرفته و سرنگون شود. مناطق در اختیار انقلابیون قرار گرفت و آنها اداره امور مردم را به عهده گرفتند. ما نیز در یمن سـعی داریم تا به این مهم تحقق دهیم.

آیا هم اکنون در این برهه خاص، دولت مرکزی در یمن وجود دارد؟

عبـدالوهاب یحیی المحبشـی: نقش دولت مرکزی هم اکنون ظاهرا مثبت به نظر می رسد. رییس جمهور ظاهری مثبت دارد، اما در بـاطن در حال توطئه چینی است. انصارالله خواهان سـرنگون کردن دولت نیست؛ زیرا جنوب و مناطقی که در آنها انصارالله حضـور چنـدانی نـدارد، ممکن است بـا این موضـوع مخـالفت کنـد و شـکاف هـا و اختلافـات عمیقی پدیـد آیـد. مـا و آقـای عبـدالملک مجبور هستیم که با این افراد تعامل کنیم. با این حال آنها را به شدت زیر نظر گرفته ایم تا توطئه ای نکنند. او ملت را در صـحنه برای رویارویی با توطئه های آنها در حالت آماده باش نگه داشـته است. آنها ظاهراً به ما می گوینـد ما شـما را به عنوان شرکای سیاسی خود می پذیریم و نخست وزیری مورد پذیرش همگان انتخاب خواهد شد؛ دولت

آشتی ملی مورد پـذیرش همگان نیز تشکیل خواهد شد. ما این مسائل ظاهری را می پذیریم، اما به باطن آنها ایمان نداریم. در بـاطن آنها پلیـدی وجود دارد و سـفارت آمریکا با آنان ارتباط قوی داشـته و ایشان را اداره می کنـد. ما در صـدد گـذر از این مرحله هستیم تا آن که یک قانون اساسـی شـفاف و بزرگ شـکل گیرد تا همه فرآیندهای سیاسـی پس از نظرسـنجی در مورد قانون اساسـی به طور شـفاف ادامه یابـد، به گونه ای که تضـمین کننـده آینـده کشور باشـد، تا آن که انصارالله بتواند در اولین انتخابـات آنهـا را سـرنگون کننـد. مناطق محل اسـتقرار انصارالله تضـمین شـده است و در مناطقی که انصارالله حضور ندارنـد، شرکای سیاسـی قابل احترام و سـتم دیـده وجود دارند که از سوی رژیم مورد ظلم و سـتم واقع شده اند. سـرنگون کردن رژیم حاکم با استفاده از قوه قهریه و توسل جستن به نیروی نظامی در کشور مشکل ایجاد خواهد کرد.

مردم تـا آنجا که می تواننـد در حال تعامل با این اوضاع به سـر می برنـد، مگر آن که تعامل با آنها به یک امر ناممکن تبـدیل شود در آن صورت، برای هر تحول جدید، تصمیم جدیدی نیز اتخاذ خواهیم کرد.

ص:۱۰۶

انصارالله پس از پیروزی با پایگاهای نظامی ارتش چگونه برخورد می کند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: در پایگاه های نظامی ارتش یک فرمانده اخوانی جنایتکار به نام «علی محسن احمر» حضور داشت. این فرد مزدور شماره یک آمریکا است. او در دهه هشتاد، پایگاه های ارتش یمن را در برابر افغان های عربی گشوده بود که برای نبرد رهسپار افغانستان می شدند. افغان های عرب، در سال ۱۹۹۰ میلادی از افغانستان به یمن بازگشتند. یمن در میان کشورهای عربی تنها کشوری بود که به آنان به میزان نبرد در صحنه های جنگ داخلی افغانستان رتبه نظامی بخشید. احمر به افسرانی که از افغانستان می آمدند می گفت شما چه مدت در افغانستان جنگیدید، اگر می گفت یک سال به او رتبه ستوان یکم می بخشید. به همین ترتیب، به کسانی که هفت سال در افغانستان نبرد کرده اند، رتبه سرهنگی و به افرادی که ۹ سال در جنگ افغانستان مشارکت داشته اند، رتبه سرتیپی می بخشید. او کاری نکرده و جزو نیروهای ارتش نبود، فقط به خاطر نبرد با اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان رفته بود. آنها فرهنگ طالبان یعنی تکفیر دیگران را در پیش گرفتند و وارد ارتش یمن شدند. چنین افرادی هرجا که باشند، ما با آنها خواهیم جنگید. آنها با انصارالله

همواره در نبردنـد. ملت یمن در جریان این مسائل قرار ندارند. حتی برخی از اعضای انصارالله در جریان بسـیاری از مسائل یاد شـده نیسـتند. آنها به ارتش پیوسـتند در حالی که ما می دانیم آنها جزو ارتش یمن نیسـتند، بلکه یک بانـد تبهکارنـد که برای تسلط یافتن بر ارتش به درون آن نفوذ کرده انـد و فرهنگ تکفیری را در آن رواج دادنـد. هر کس که وارد ارتش می شـد و دست باز نماز می خوانـد، مورد بازجویی قرار می گرفت. او می بایست هماننـد وهابی ها نماز می خواند. فرزندان ما در حالی که شـیعه هسـتند وارد پایگـاه هـای نظـامی ارتش می شدنـد، امـا تکفیری به سوی مـا بـاز می گشـتند. با این حال آن دسـته از واحـدهای نظامی ارتش که تحت تابعیت علی عبدالله صالح قرار داشـتند، به مقدار کمی از این کینه توزی مبرا بودند. نیروهای تحت تابعیت علی عبـدالله صالـح صـرفاً نیروی نظامی بودند و در آنها دیانت معنا نداشت، نه دیانت اهل بیت(علیه السـلام) و نه دیانت تکفیری. آنها با ما متحـد هسـتند و می خواهند از علی محسن احمر انتقام گیرند، زیرا او آنها را از بین برد و پایگاه های نظامی شان را در هم کوبیده و به آتش کشـید. دسـته دوم در ارتش در اکثریت به سـر می برند. آنها کینه تکفیری ها را به دل دارنـد. علی محسن احمر با تکفیری ها هم پیمان شـده بود و تکفیری ها ناجوانمردانه در خیابان ها با اسـتفاده از بمب های کار گذاشته شده و خودروهای

بمب گذاری شده آنها را به قتل می رسانند. آنان در واقع از ارتش پول و سلاح می گرفتند، سپس نیروهای ارتش را ناجوانمردانه می کشتند. موضع ما شناخته شده است. ما به هیچ وجه ارتش را مورد تعدی قرار نمی دهیم، مگر آن که ما را مورد حمله قرار دهند؛ در آن صورت مجبوریم از خود دفاع کنیم. نظامیان متوجه این تضاد و تناقض شدند. آنها با خود می گفتند دشمن ما کیست؟ آیا حوثی ها دشمن ما هستند که هیچ گاه ناجوانمردانه علیه ما اقدام نمی کنند و با احترام با ما برخورد می کنند؛ یا دشمن ما آن دسته از کسانی هستند که ما از آنها حمایت می کنیم؛ سپس آنان سر از بدن ما جدا می کنند؟ به همین دلیل همه پایگاه های نظامی ارتش از انقلاب حمایت به عمل آوردند.

انصارالله برای مرحله پس از انقلاب چه دیدگاهی دارند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: هدف ما تشکیل دولتی ائتلافی در یمن است. ما هم اکنون نیازمند برقراری الگوی حزب الله لبنان هستیم، زیرا محیط پیرامون مان با ما همخوانی ندارند. در آینده ممکن است محیط یمن با ما هم خوانی پیدا کند و انصارالله در پارلمان اکثریت را به دست آورد. در آن صورت، هیچ مشکلی نداریم و می توانیم در قانون اساسی متناسب با رویکرد اسلامی خود

ص:۱۰۹

اصلاحاتی به وجود آوریم. نمونه جمهوری اسلامی در ایران، نمونه بسیار پیشرفته ای است. الگوی بسیار خوبی در خصوص محترم شمردن مراجع دینی و رهبرانی که از خاندان اهل بیت مطهر پیامبر گرامی اسلام(ص) هستند؛ زیرا همان گونه که می دانید حوزه اختیارات رئیس جمهور در یمن، همانند رییس جمهور ایران تمامی مسائل داخلی کشور و همچنین حوزه اختیارات رهبر سیاست خارجه و روابط با کشورهای جهان را در برمی گیرد. این موضوع تضمین کننده امنیت و آرامش در کشور است، تا کشور با تغییر یافتن نظام، مثلاً مزدور آمریکا نشود. نظارت رهبر بر عملکرد حکومت اقدام بسیار زیبایی است. هم اکنون این موضوع در یمن در حال تبلور یافتن است. وقتی رییس جمهور یمن اقدامات زشتی انجام می دهد، آقای عبدالملك مردم را مورد خطاب قرار می دهد. به عنوان مثال دو ماه پیش از مردم خواست تا تظاهرات برپا کنند. این موضوع می تواند پیش زمینه ای برای الگو گرفتن ما از رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. به امید خدا یمن در آینده به این سطح دست خواهد یافت.

ص:۱۱۰

به طور خلاصه رویکرد و عملکرد جریان های سیاسی در یمن، مانند جنبش اسلام گرا و همچنین جنبش ملی و موضع آنها در مورد انصارالله را شرح دهید.

عبدالوهاب یحیی المحبشی: اولاً سلفی ها خود دو جریان هستند. «حزب الرشاد» متعلق به آنها است. آنها ظاهرا سیاست مدار هستند و فعالیت های سیاسی انجام می دهند، اما در باطن، رهبری تکفیری ها را برعهده دارند و به تکفیری ها خط می دهند و جنبش های تکفیری توسط آنها هدایت می شوند. آنها صبحگاهان عملیات تروریستی جنایت کارانه و ناجوانمردانه را محکوم می کنند، اما شب هنگام، تکفیری ها با نظارت آنان، عملیات انتحاری و انفجارهای تروریستی را انجام می دهند. لذا رویکرد آنها رویکردی منافقانه است.

رهبران برجسته سلفی های یمن چه کسانی هستند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: «عبدالوهاب الحمیقانی» و «محمد العامری»، رهبران «حزب الرشاد» را تشکیل می دهند. اما آنها رهبران متعددی دارند که همه، رهبران اطلاعاتی امنیتی هستند. دستگاه اطلاعات یمن از آنها نمادهای بزرگی ایجاد کرد، در حالی که افراد نادانی هستند. آنها اندیشمند نیستند. همان طور که شما سلفی ها را می شناسید. آنها انسان های سفیهی هستند که فقط دشنام و ناسزا می دهند و می گویند این کافر است، آن کافر است. همچنین «یحیی الحجوری»

که در دماج به سر می برد و «محمد الریمی» و «ابوالحسن المصری» که تبعه مصری است و در مأرب بسر می برند، در حال حاضر از دیگر رهبران شناخته شده سلفی ها هستند و هر یک از آنان از دیگری بدتر است، حتی هر یک از آنان دیگری را نیز دشنام می دهد و او را تکفیر کرده و خود را سلفی می داند و می گوید دیگران سلفی نیستند. آنها هیچ کاری ندارند. کار آنها همانند مرغ تخم گذاری است که تخم داعش را داشته و فقط تربیت نیروهایی مانند داعشی ها را برعهده دارند. آمریکا هم معتقد است که چنین تخمی را قبل از تبدیل شدن به داعش باید خورد. اما در عین حال، حاضر نیست که مرغ را سر ببرد تا داعش همچون تخم از آن سر بیرون نیاورد. ما می گوییم به جای خوردن تخم مرغ، باید مرغ را سر برید.

رهبران سایر گروه ها به جز وهابیت چه کسانی هستند؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: غیر از وهابیت، اخوان المسلمین گروه ساده ای دارند که دنباله رو مصر هستند. آنها پیرو «سید قطب» و «محمد غزالی» هستد. جناح میانه رو اخوانی ها که کتاب های اهل بیت(علیه السلام) را مطالعه کرده اند. ما امیدواریم در آینده با چنین افرادی به تفاهم برسیم. البته آنها ممکن است کینه ما را به دل داشته باشند، اما ظاهراً آنها غیرنظامی هستند و جنگجو نمی باشند و تحصیل کرده

ص:۱۱۲

دانشگاه هستند. ما همواره برای آنان پیام های دوستانه می فرستیم. آقای عبدالملک جذب چنین افرادی را برعهده گرفته است. برخی از آنان با دشمنی سرسختانه به نزد ما می آیند، اما همین که با آقای عبدالملک ملاقات می کنند، با روح و روان سالم بیرون می آیند. ما نمی خواهیم چنین افرادی به یاران انصارالله تبدیل شوند و موجودیت آنها را نادیده بگیریم. آنها شاخه ای از حزب الاصلاح هستند و تحصیل کرده ها بهترین افراد حزب الاصلاح را تشکیل می دهند. تحصیل کرده ها با متدینین تفاوت دارند. آنها محصول مراکز وهابی عربستان نیستند، بلکه رشته های علمی را در دانشگاه ها فراگرفته اند. اینها افراد خوبی در حزب الاصلاح هستند و امیدواریم به امید خدا انشعاب یافته و حزب مستقلی تشکیل دهند، تا بتوانیم به آسانی با آنها ارتباط برقرار کنیم. حزب کنگره مردمی یمن که حزب رئیس جمهور پیشین به شمار می رود. همان طور که شما می دانید، فقط یک رئیس جمهور مستبد در جهان عرب وجود دارد، حزب تشکیل می دهد. او رئیس چنین حزبی نیست، بلکه این حزب رئیس جمهور به شمار می رود. با سرنگون شدن رئیس جمهور، حزب متبوع وی نیز ساقط می شود. در حال حاضر، بیش از ۶۰ درصد اعضای حزب کنگره مردمی یمن از یاران انصارالله به شمار می روند. آنها همراه با انصارالله حرکت خود را شروع کردند، چرا؟،

ص:۱۱۳

آنها با علی عبـدالله صالـح همراهی می کردنـد، چون که صـرفاً رئیس جمهور بود. آنها مردمی ساده انـدیش هسـتند که چیزی نمی فهمنـد. آنها همراه با رییس جمهور به انتخابات می رونـد، آنها زیـدیه هسـتند، اما با فرهنگ زیدی و حتی انصارالله آشـنا نیسـتند. آنها از بیم مبتلا شـدن به شـرایط بـدتر و وهابی ها، حزب کنگره را انتخاب کرده اند. هم اکنون که علی عبدالله صالح سرنگون شـده، آنها به انصارالله پیوسـته اند و جزو یاران ما شده اند. نمی شود به آنها اعتماد کرد، اما ما نیازمند فرهنگ سازی در میان آنها و آشـنا کردن ایشان با مسائل هستیم، تا بتواننـد آگاهانه مسائل را در پیش گیرنـد. البته باید گفت که آنها تنها به خاطر این که انصارالله هم اکنون قوی ترند، در کنار ما قرار نگرفته اند.

دربارهٔ شهید حسین بدرالدین حوثی بگوئید.

عبدالوهاب یحیی المحبشی: شـهید حسـین بدرالدین حوثی ساکن کوهسـتان «مَرّان» بود و عضو شورای اداری مران بود. مران، آخرین کوه واقع در یمن به شمار می رود.

در نزدیکی مرز عربستان واقع شده است؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: وقتی شما در منزل شهید حسین بدرالدین واقع در کوه قرار می گیرید و بخواهید به دشت بنگرید، شهری را خواهید دید که یمنی نیست، بلکه شهر الخوبه عربستان

است. وقتی رهبر شـهید در کوهسـتان دفن گردیـد، بر روی قبر وی گنبـد و بارگاهی ساخته شد. این گنبد، شـبها روشن است. مردم عربسـتان با چشم غیرمسـلح می تواننـد این گنبد را ببینند. به عبارت دیگر، رهبر شـهید از ابتدای حرکت خود بیش از آن که رژیم یمن بـا او به نبرد برخیزد، عربسـتان بـا او به نبرد برخواست. عربسـتان پول و سـلاح در اختیـار رژیم یمن قرار می داد. تمامی نبردهای شکل گرفته از سوی رژیم عربستان علیه رهبر شهید ما با هزینه عربستان انجام گرفت. رژیم یمن فقط عهده دار تأمین نیروها است، اما تأمین هزینه آنها برعهده عربستان است.

به همین دلیل، رهبر شـهید همواره تأکیـد داشت که «در نبردها بر انهـدام تجهیزات نظامی و نه کشـته شدن نیروها تمرکز کنید، زیرا نیروهـای یمـن فقیر، تهیـدست و عقـب مانـده هسـتند. شـما بـه هر میزان کـه نیروهـا را به قتـل برسانیـد. رژیم نیروهـایی را جـایگزین آنهـا خواهـد کرد. امـا وقتی تانک ها وتجیهزات نظامی را منهـدم می کنیـد، در آن صورت برای جبران تلفات خود نیازمنـد پول عربسـتان می شود. شـما به هر میزان که تجهیزات را منهدم کنید، رژیم به سـرعت شـکست خواهد خورد. اما اگر فقط سـربازان را به قتل برسانید، حاضر نخواهد شد به نبرد پایان دهد. در صورت نبرد با عربستان، این موضوع برعکس خواهد شد. اگر تانک ها و

خودروهای نظامی را منهدم کنید، عربستان کشور ثروتمندی است و تانک های بیشتری خریداری خواهد کرد.»

همین نیز شـد. همان طور که می دانید وقتی رهبری به خدا و ایمان کامل وصل باشد. ما با وجود آقای عبدالملک احساس می کنیم هر چنـد که جوان هسـتند، امـا انگـار امـام خمینی(ره) در میان ما حضور دارد. وی در هـدایت و رهبری موفق عمل کرده است. شما هم اکنون شاهد تغییر و تحولات در یمن هستید.

چرا عربستان به حمایت های خود از حزب الاصلاح و حزب کنگره پایان داده است؟

عبدالوهاب یحیی المحبشی: عربستان برای از بین بردن انصارالله از همه ابزارهای موجود بهره گرفت. در حال حاضر شیوه ها به پایان رسیده است. آنها دیگر حتی از ارتش یمن نیز نمی توانند استفاده کنند. آنها پول دادند. شیوخ عشایر و رئیس جمهور را با پول خریدند. از همه جریان ها استفاده کردند. اما همه چیز به پایان رسیده است. خداوند در میان آنها تفرقه و اختلاف ایجاد کرد. همه آنها، عربستان، اخوان و سلفی ها دشمن ما هستند. حتی ارتش یمن به رهبری علی عبدالله صالح، دشمن ما است. چه چیزی باعث شده تا آنها با یک دیگر بجنگند؟ خداوند در جریان ضعف ما قرار

گرفت. مـا تفسیری برای این امر نمی یابیم جز آن که خداونـد فرمود: «ما در میان آنها دشـمنی و کینه افکنـدیم.» خداونـد می فرماید: «بگو او تواناست که از بالای سـرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد و دچار تفرقه سازد و عذاب بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند». خداوند در جریان گفتار راست این مجاهدین و صبر و شکیبایی طولانی آنهـا قرار گرفت، پس اجـازه پیروزی بخشید. ایـن پیروزی چـه شـکلی خواهـد داشـت؟ پیروزی از این قرار است که دشـمنان شان به دو اردوگاه تقسیم شوند. یک اردوگاه به دنبال قطر راهی شود که اخوان المسـلمین هسـتند؛ گروهی دیگر به دنبال عربسـتان به راه بیافتند که علی عبدالله صالح و حزب کنگره هسـتند. عربستان در دشمنی با قطر با اخوانی ها جنگید، زیرا قطر رهبری انقلاب مصر را برعهـده گرفت. منظور انقلاب مرسی و اخوانی ها است. عربسـتان خواهان چنین چیزی نبود. آنها هوادار ارتش مصـر و السیسـی هسـتند. رقابت پدید آمد و به وجود آمدن شـکاف میان عربسـتان، و قطر، ساخته و پرداخته خدا است، زیرا اگر عربسـتان و قطر و مصـر و ترکیه با یک دیگر علیه محور مقاومت تبلور یافته در سوریه و ایران متحد می ماندند، نتایج بدتری به دست می آمد. آیا شما نیز متوجه این موضوع شدید؟

ص:۱۱۷

بله، ادامه دهید.

عبدالوهاب یحیی المحبشی: وقتی آنها به دو جبهه تبدیل شدند؛ ترکیه و قطر در یک سو و مصر و عربستان در سوی دیگر قرار گرفتند. محور مقاومت نفس راحتی کشید. این ساخته و پرداخته کیست؟ ساخته و پرداخته خداوند متعال است. لطف خداوند شامل حال مؤمنان گردید. ما این موضوع را درک کرده ایم و به همین علت عربستان از اخوان المسلمین حمایت نمی کند، زیرا اخوانی ها کمک های عربستان را انکار کردند. نکته تفاوت در همین جا است. اخوانی ها فرصت طلب هستند. وقتی با یک دوست و یا هم پیمان بد می شوند، لطف او را فراموش کرده و کاملاً نادیده می گیرند. عربستان آنها را انکار نکرد. عربستان بود که آنها را تربیت و پرورش داد، اما اخوانی ها منکر الطاف عربستان شدند و به محور قطر پیوستند و مصر و مرسی در نزد آنها به مهم ترین کشور تبدیل شد. خدا حکم فروپاشی آنها را صادر کرد؛ خداوند متعال می فرماید: «کسانی که به خداوند دروغ می بندند رستگار نخواهند شد.» خداوند به این ها ضربه زد آن هم سریع تر از ضربه ای که بر ستمکاران وارد می کند، زیرا به خداوند دروغ می بندند. امیدوارم به بسیاری از سؤال هایی که در صدد مطرح کردن آنها بود، پاسخ داده باشم.

ص:۱۱۸

تحولات یمن و جبهه مقاومت

[۱] (۱) .

مصاحبه با فتح الله حسین السماوی (۲)

مقدمه

در ابتـدا باید بگویم که تغییر قدرت بعد از علی عبدالله صالح در یمن، صوری بوده و همان شخصـیت های با نفوذی که قبل از انقلاب در صـحنه یمن حضور داشتند، هم اکنون نیز در صحنه سیاسی این کشور حضوری فعال دارند. البته قدرت آنها کاهش یـافته؛ زیرا بـا یکـدیگر اختلاـف پیـدا کرده انـد. شخصـیت هـای برجسـته و بـا نفوذ در قبل از انقلاب، یعنی خانـدان الاحمر و الاصـلاح با یکـدیگر متحـد شـده بودنـد، اما پس از انقلاب، با هم اختلاف نظر پیـدا کرده اند. تحولات یاد شده برای شـیعه و زیدیه، این فرصت را فراهم آورد، تا در صحنه حضور به هم رسانند، خود را نشان دهند.

ص:۱۱۹

۱- (۱)) . این مصـاحبه در بهمن ماه ۱۳۹۲ توسط مختار شـیخ حسـینی انجام شده و ناظر به تحولات بعد از سقوط علی عبد الله صالح است.

۲- (۲)) . مدرس مدارس دولتی در صنعا و کارشناس فرهنگی

به لحاظ حزبی، حزب الحق، مهم ترین حزب زیدی ها است؛ اما وجهه ملی آن ها ضعیف است. حزب الامه دومین حزب مهم زیدیه است که در حال شکل گیری می باشد. حرکت حوثی ها نیز یک حرکت سیاسی است که اخیراً توانسته خود را در جامعه یمن مطرح کند و وجهه ملی زیادی هم کسب نماید؛ به لحاظ رهبری نیز آقای عبدالملک، از نظر سیاسی، با تجربه تر است و توانست در میان افکار عمومی بیش از پیش، جایگاه خود را تقویت نماید. همچنین می توان به تشکیلات عبدالمجید الحوثی اشاره کرد که سعی دارد، تا میان دین و سیاست رابطه ای ایجاد کند. وی تلاش می کند که میان تمامی دیدگاه های زیدیه وحدت نظر به وجود آورد. در بین، پیروان اهل بیت(علیه السلام)، جریان های اسماعیلیه و اثنی عشر نیز فعالیت های جزیی دارند. اسماعیلی ها دارای فعالیت محدودی هستند. آنها مساجد و نشست های خاص خود را دارند، اما فعالیت آنها علنی نیست و به طور نهانی فعالیت می کنند. شیعیان اثنی عشری حوزه های خاص خود را دارند که پس از قدرت گرفتن حوثی ها، به آنها پیوستند. تعداد حوزه هایشان اندک است و مثلاً در خولان و الصافیه حوزه دارند.

ص:۱۲۰

دشـمنان سـعی دارنـد میان حوثی ها و زیـدی ها تفرقه ایجاد کننـد. با این حال در جامعه علمی و نخبگان، میان حوثی و زیدی تفاوتی وجود ندارد. حوثی ها در واقع زیدی هسـتند؛ اما برخی از زیدی ها حوثی نیستند. ملت نیز می دانند که همه در معرض تهدیـد و خطر قرار دارنـد و بایـد دفـاع کننـد. دشـمنان، زیـدی هـا را به طور کامـل حوثی می داننـد و زیـدی هـا نیز در مقابل دشـمنان، خود را حوثی می دانند. اما در میان حوثی ها و زیدی ها اختلاف اندکی هم وجود دارد؛ یعنی ما در میان خود شاید با یکدیگر جر و بحث کنیم، اما در بیرون، مشکلات خود را بروز نمی دهیم.

مشـکل مـا در اینجـا است که وهـابی هـا پشـتوانه افراد بـا نفوذ و مسـلط در دولت هسـتند. مـا با دولت به عنوان دولت مشـکلی نـداریم، اما با افراد بانفوذ در دولت مشـکل داریم، چون هرگاه که می بینند حوثی ها در حال قدرت گرفتن هسـتند، سـعی می کنند تا زیر پای آنها را خالی کنند. وهابی ها با بسیج سلفی ها در کنار خود مانع از افزایش قدرت سیاسی حوثی ها می شوند. خاندان الاحمر، سلفی و وهابی نیستند؛ اما از سلفی ها برای جلوگیری از پیشرفت سیاسی حوثی ها استفاده می کنند.

البته باید در اینجا گفت که خاندان الاحمر زیدی نیسـتند، اما در اصل زیدی هسـتند. آنها سعی دارند تا برای ادامه قدرت خود از

سلفی ها به عنوان یک برگ برنده استفاده کنند و اساساً با دین کاری ندارند.

جنبش جنوب

جنوبی ها معتقدند که انقلاب نتوانست به دستاورد خاصی برسد، زیرا افراد با نفوذ قبل از انقلاب پس از انقلاب نیز بر سر کار باقی ماندند. آنها معتقدند که با کسب استقلال و جدا شدن می توانند به اهداف خود دست یابند و دولت مورد نظر خود را تشکیل دهند. میان حوثی ها و جنبش جنوب، نوعی ائتلاف غیرعلنی وجود دارد که در رسانه های گروهی خود را نشان می دهد.

عربستان در یمن

من تصور نمی کنم که عربستان با مذهب، یا به خاطر مذهب، مبارزه کند. برای آنها سیاست اهمیت بیشتری دارد.

عربستان به منطقه الجوف چشم طمع دوخته است؛ زیرا متوجه شده اند که این منطقه از نظر ذخایر نفتی دومین میدان بزرگ نفتی خاورمیانه را در خود جای داده است. بنابراین آنها به دنبال تسلط بر این منطقه هستند و حضور حوثی ها در این منطقه مرزی مانع از آن می شود که عربستان بتواند بر این منطقه تسلط یابد و سعی دارند تا مانع از حضور نظامی حوثی ها در این منطقه شوند و خاندان

ص:۱۲۲

الاحمر و سلفی ها را برای رو در رو شدن با حوثی ها در این منطقه تحریک می کند. حزب الاصلاح هم اکنون شایعه می کند که عربستان از حوثی ها حمایت می کند. حزب الاصلاح در سطح گسترده ای این شایعه را در میان ملت یمن رواج داده است. اما ملت یمن از عربستان بدش می آید و به همین دلیل شایعه حمایت عربستان از حوثی ها به دنبال شکست خوردن سلفی ها در مناطق مختلف را قبول ندارد.

جبهه مقاومت در دیدگاه جریان های یمن

هریک از جریان ها براساس مذهب خاص خود، دیدگاه خاصی نسبت به ایران دارند. سلفی ها در یمن مانند سایر سلفی ها در دیگر نقاط جهان، نسبت به ایران دیدگاه منفی دارند. اما زیدی ها به ایران دوستانه و با مهر و محبت می نگرند. دیدگاه ملت یمن در مورد ایران در دوران علی عبدالله صالح به دلیل فرهنگ انتشار یافته از سوی دولت متبوع وی منفی بوده است. جریان های مخالف تا به امروز سعی دارند تا دیدگاهی منفی در مورد ایران ارائه دهند، مبنی بر این که ایران در کنار حوثی ها از جنبش جدایی طلب جنوب حمایت می کند. اما با افزایش قدرت سیاسی حوثی ها، وجهه ایران نیز در جامعه یمن تا اندازه ای تغییر یافته است. ملت یمن هم اکنون

می داند که آمریکا و اسراییل با ایران دشمنی می کنند و بنابراین ملت یمن به قدرت و توانایی های ایران افتخار می کند.

ملت یمن دوستدار حزب الله نیز است، به اعتبار این که حزب الله در برابر اسرائیل قرار گرفته، و برای همین اکثر مردم یمن، صرف نظر از گرایش طائفه ای آنها، حزب الله را دوست دارند. اما سلفی ها علیه حزب الله در یمن حمله تبلیغاتی گسترده ای را به راه انداخته اند.

جریان رقیب مقاومت در یمن

حزب الاصلاح از همان ابتدا حزب معروف اخوانی ها بوده است. سلفی ها از همان ابتدا در این خصوص با یکدیگر به شدت اختلاف نظر داشتند و پراکنده بودند. آنها تصور می کردند کسی از نظر حزبی نمی تواند با آنها رقابت کرده و همپای آنان باشد. سلفی ها تشکیل احزاب را مباح شمردند و حزب رشاد را تشکیل دادند. اما سلفی ها پس از رویارویی با حوثی ها، با یکدیگر متحد شدند و رویکرد یک پارچه ای در پیش گرفتند، تا فقط با حوثی ها رو در رو شوند. سلفی ها و اخوان هم اکنون از نظر رسانه ای و تبلیغات، رویکردی مشترک یافته اند و وهابی ها نیز در یمن با یکدیگر متحدند و دارای رویکرد رسانه ای و تبلیغی مشترکی هستند.

زمینه های تاریخی پیدایش انصارالله

محمد بهرامی (۱)

تاریخ پیدایش زیدیه به قرن دوم هجری باز می گردد. آنان پس از شهادت امام حسین(علیه السلام)، زید شهید، فرزند امام زین العابدین(علیه السلام) را امام می دانند و حضرت زین العابدین(علیه السلام) را فقط پیشوای علم و معرفت می دانند؛ نه امام به معنی رهبر سیاسی و زمامدار اسلامی. زیرا یکی از شرایط امام از نظر زیدیه، قیام مسلحانه بر ضد ستمگران است. زید در عصری قیام کرد که موضع ائمه اهل بیت(علیه السلام) این بود که آنان قیام مسلحانه را به مصلحت اسلام و مسلمین نمی دانستند، اما اگر فرد یا گروهی برای احقاق حقی یا برای دفاع از مظلومان بر ضد دستگاه ظالم و فاسد قیام می کرد، ائمه(علیه السلام) آن را تخطئه نمی کردند و به روش های مختلف آن را مورد حمایت قرار می دادند. در مورد زید، اخبار و روایات مختلفی وجود

ص:۱۲۵

۱- (۱)) . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم قم

دارد که بیشتر آنان تمجید و تجلیل از ایشان است و به جهت ضعف روایات مذمت، محققان، روایات ذم را مردود دانسته اند.

در هر صورت، قیام زید سرچشمه ای بر ماندگاری نام وی در تاریخ و پیروی عده ای از شیعیان از وی شد که در طول زمان، به تشکیل مذهب زیدی با فقه و عقاید خاص خود و البته در بسیاری موارد، مشترک با شیعه اثنی عشری انجامید.

محبت همه اهل بیت پیامبر(علیهم السلام) به نحو عمومی، قیام کردن در برابر ظالمین و اعتقاد به امامت، از خصوصیات اصلی مذهب زیدیه است.

حکومت زیدی در یمن

پیشتازی زیدیه در یمن، فراز و فرود متفاوتی را طی کرده است؛ سیر تغییرات این موضوع را می توان در موارد ذیل مشخص نمود:

۱. حکومت زیدی در یمن،

۲. کودتا علیه حکومت زیدی؛ افول و انزوا،

۳. فعالیت های فرهنگی و مردمی،

۴. بازگشت به عرصه تأثیرگذاری و احیاء جایگاه اجتماعی و سیاسی

از سـال ۲۸۴ (اواخر قرن سـوم) تـا ۱۳۸۰ هجری (غیر از دوره ای در زمـان سـیطره عثمـانی)، حکـومت زیـدی بـا عنوان دولت پادشاهی امام زیدیه در یمن برقرار بود و این حکومت در سال ۱۹۶۴ میلادی با کودتای ارتشی ها و تأسیس نظام جمهوری، از بین رفت. این تغییر حکومت بـا کشـتار فجیع زیـدیه خصوصاً علما و شخصـیت های آنان، تبعیض ها، ممنوعیت های مـذهبی و افول زیدیه و نیز به حاشـیه رفتن صـعده (که مرکز زیدیان جارودی است) همراه بود که و در مجموع، انزوای زیدیه را به دنبال دارد. از این پس، علمای زیدی یا از کشور هجرت کردند، یا در خانه ها ماندند و یا در مساجد و مدارس دینی مشغول فعالیت های مذهبی و مردمی گردیدند. این فعالیت ها به مرور و در طول زمان گسترش پیدا کرد و با ایجاد مراکز علمی، چاپ کتاب، مجله و روزنامه، فعالیت های قرآنی و تبلیغی و... به تدریج از حالت انزوا خارج شده و به میدان سیاسی و اجتماعی وارد شدند و علاوه براین، فعالیت های مذکور باعث ایجاد انسجام اجتماعی و ارتباطات موثر با جامعه و مردم گردید.

ص:۱۲۷

زمینه های اولیه؛ تشکیل نهضت فرهنگی «شباب المؤمن»

زمینه هـای اولیه شـکل گیری جنبش انصارالله با فعالیت های فرهنگی اتفاق افتاد. «محمـد عزان»، «محمـد بدرالـدین الحوثی» و «عبـدالکریم جدبان» در سال ۱۹۹۰میلادی مؤسـسه ای به نام «منتـدی الشـباب المؤمن» را در صـعده پایه گذاردند که در ابتدا، تنها یک حوزه علمیه برای تـدریس مـذهب زیـدی بود؛ ولی به مرور، گسترش یافت و چنـد سال بعـد، یعنی در اواخر دهه ۹۰ میلادی سید حسین الحوثی «تنظیم الشباب المؤمن» را تأسیس کرد که به فعالیت هایی چون برگزاری دوره های دینی و قرآنی، نشـر کتاب های زیـدیه و برگزاری اردوهای تابسـتانی با عنوان نهضت جوانان مؤمن می پرداخت. البته شـرایط سیاسـی یمن در آن برهه برای تشـکیل «شـباب المؤمن» مساعـد بود و دولت وقت برای برقراری توازن سیاسـی و همچنین عـدم احساس خطر از سوی این تشکیلات، با آن مخالفت نکرد، هرچند این تسامح، تدوام چندانی نداشت و در ادامه به تقابل انجامید. از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۴ میلادی نوجوانان و جوانان بسیاری در این محمل، تحت آموزش های فکری، عقیدتی و سیاسـی قرار گرفته و به تدریج به نیروهای اثرگذار برای آینده جنبش انصارالله تبدیل شده اند. از انگیزه های نهضت شباب المؤمن مقابله با

نفوذ عربستان بود که با فعالیت های فرهنگی، آموزش کودکان و تقویت حوزه های علمیه و... اتفاق می افتاد.

عوامل فراگیری و سیاسی شدن جنبش

فعالیت های مـذکور به جذب، سازماندهی و تربیت نیروها انجامید؛ اما مجموعه ای از بسترها، عوامل و رویدادها که از دهه ۸۰ میلادی تـا اوایل قرن حاضـر، باعث تغییر این حرکت از رویکردی صـرفاً فرهنگی، به سوی سیاسـی و انقلابی تر شـدن و نهایتاً تبدیل آن به جریانی فعال، فراگیر و اثرگذار شد. این عوامل و رویدادها شامل موارد زیر است:

انقلاب ایران و شخصیت حضرت امام خمینی(ره)

انقلاب اسـلامی ایران یکی از عوامل تاثیرگـذار بر فضای انقلابی در یمن است. خصوصاً رهبران جنبش انصارالله تأکیـد زیادی نسـبت به شخصیت حضرت امام(ره) دارند و تأثیر زیادی از ایشان خصوصاً در عقایدی مثل استکبارستیزی و مبارزه با حکومت هـای دست نشانـده گرفته انـد. این مسـئله بـاعث خصـومت حکـومت یمن بـا جمهـوری اسـلامی ایران شـد و به ابراز علنی این موضوع و حتی اعزام نیروهای ارتش یمن به جبهه های جنگ ایران و عراق از بیم

الگوگیری زیـدی های یمن از انقلاب اسـلامی ایران پرداخت. این مسائل، نتیجه عکس داد و باعث بیـداری زیـدی ها و تقابل بیشتر با حکومت و همچنین فعالیت های سیاسی آنها گردید. از این زمان به تدریج ارتباط و حضور دانشگاهیان و طلاب دینی یمنی در ایران بیشتر و قوی تر شـده و زمینه را بیش از پیش برای گسترش فضای انقلابی آماده نمود. بدرالدین الحوثی در سال ۱۹۹۴ میلادی همراه فرزنـدش حسین به ایران سـفر کرد تـا علوم اسـلامی را مسـتقیماً از حوزه علمیه قم فرا گیرد، وی تـا سال ۲۰۰۲ میلادی در قم حضور داشت، تا بعد از آن، به کشور خود بازگشته و ساختار نوین این جریان را در یمن بنیان گذارد.

اتحاد دو یمن و فروپاشی شوروی

در دهه نود میلادی اتحاد یمن جنوبی و شـمالی و همچنین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد و این مسئله باعث شد تا فضای سیاسی مقداری بازتر و آزادتر گردد. در این برهه، برای مقابله با سلفی ها و وهابی ها، به زیدیه آزادی بیشتری داده شد و زیدی ها نیز مبادرت به تشکیل حزب کردند که البته احزاب قوی ای هم نبودند.

حضور آمریکا در منطقه

عامل دیگر، حضور آمریکا در منطقه در حدود سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ میلادی است که پس از آن، عده ای از جوانان به رهبری شهید حسین الحوثی، (با این اعتقاد که باید به اصول زیدیمان بازگردیم و شعار بدهیم و اعلام برائت کنیم) به صحنه آمدند.

از پیامدهای حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، شکل گیری پیمان های منطقه ای با عنوان مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا در مناطق گوناگون جهان بود. دولت یمن به عنوان یکی از مهم ترین هم پیمانان آمریکا در خاورمیانه، در این طرح قرار گرفت. حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکا در یمن و نیز سفرهای مخفیانه برخی هیأت های اسرائیلی به صنعا در همین راستا بود. با حمله آمریکا به عراق و اعطای پناهندگی دولت یمن به بعثی های عراقی، مخالفت های حوثی ها نیز شدت بیشتری گرفت. سید حسین الحوثی که نماینده مردم صعده در پارلمان یمن و دبیرکل جبهه الحق بود، پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، به مخالفت با این حمله پرداخت و شعار مرگ بر آمریکا را در نماز جمعه سر داد. علی عبدالله صالح، دیکتاتور وقت یمن با تحریک سفارت آمریکا در صنعا و در پاسخ به این شعار، صدها نفر از جوانان پیرو الحوثی را دستگیر کرد.

ص:۱۳۱

ضعف های سیاسی و اقتصادی دولت یمن

ضعف های جدی حکومت یمن نیز نقش عمده ای در نارضایتی عمومی و همچنین افزایش اعتراضات انقلابیون داشت. تبعیض و فقر فراگیر، علی رغم وجود منابع سرشار، دست نشاندگی و عدم استقلال سیاسی و اقتصادی، نفوذ و دخالت گسترده غرب و آل سعود در امور داخلی یمن، خفقان سیاسی و منع آزادی های مدنی و... بخشی از این ضعف ها است. مهم ترین اعتراضات حوثی ها در سال ۲۰۰۳ میلادی و پس از نفوذ آمریکا در یمن، به بهانه فعال شدن نیروهای القاعده در این منطقه و با این پرسش که چرا حکومت یمن اجازه داده تا نیروهای نظامی آمریکا در یمن مستقر شوند و استقلال و حاکمیت سیاسی آنها را زیر سؤال ببرند، مطرح شد.

مجموع عوامل و شرایطی که ذکر گردید، زمینه را برای قیام مساعد نمود و غالباً در فضاهای آماده برای قیام، حضور رهبری معنوی در رأس، همراه با ایدئولوژی فکری قابل ارائه، می تواند به جنبشی گسترده، جذب و سازماندهی معترضین کمک فراوانی نماید. البته اندیشه قیام علیه ظالمین، جزء اصلی ترین عقاید زیدیه می باشد و این موضوع، از اثرگذارترین عوامل برای جنبش و قیام ایشان است.

ص:۱۳۲

سید بدرالدین الحوثی با درک درست شرایط، مبادرت به این امر نمود و شاگردان خود را به مبارزه علیه دولت دعوت کرد و پایه گذار حرکتی گردید که در آینده، تبدیل به جنبشی فراگیر شد. این امر برای دولت یمن بسیار گران آمد و به مقابله جدی با آن پرداخت، تا جایی که منزل سید بدرالدین را با سلاح سنگین مورد هدف قرار داد و وی را مجبور به ترک کشور کرد، ولی فرزندان ایشان خصوصاً سید حسین الحوثی، با ساماندهی افراد مجاهد راه او را ادامه دادند و این امر به تقابلی انجامید که در ابتدای آن حوثی ها در کوه ها و بیابان ها به سختی به معیشت و مبارزه می پرداختند؛ اما در انتها دارای نفوذی گسترده در شهرهای مختلف، نهادها و تأثیرگذار در مهم ترین و عالی ترین مسائل سیاسی شدند.

قیام علنی سال ۲۰۰۳ میلادی و آغاز تقابل نظامی رو در رو

اوج گیری قیام با تکبیر و شعارهای علنی برائت از آل سعود و اسرائیل، از سال ۲۰۰۳ میلادی صورت گرفت و رهبر وقت جنبش، یعنی حسین الحوثی معتقد بود، نمازی که بعد از آن، مرگ بر اسرائیل گفته نشود و برائت از صهیونیسم نباشد، مورد رضایت و قبول خداوند نیست. از این رو، بعد از نماز فریاد: الله اکبر، الموت

ص:۱۳۳

لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر للاسلام، طنین انداز می شد. مبدا شروع مبارزه با این شعارها؛ در نماز جمعه صنعا بود و به سرعت میان طرفداران حوثی ها گسترش یافت. حوثی ها همزمان کالاهای اسرائیلی و آمریکایی را تحریم کردند و مردم را به عمل به آموزه های قرآن و اهل بیت(علیه السلام) فرا خواندند. این اقدامات مورد توجه شمار زیادی از مردم قرار گرفت، اما این روند، شروع مبارزه ای سخت بود که حداقل شش جنگ را در پی داشت.

ص:۱۳۴

جنگ های شش گانه دولت علی عبدالله صالح با حوثی ها

محمد بهرامی (۱)

جنگ اول در سال ۲۰۰۴ میلادی

با علنی شـدن جنبش حوثی ها و شـعارهای مـذکور، تقابل دولت علی عبـدالله صالـح با آنها نیز تشدیـد شد. این مسـئله نگرانی بزرگی را برای عبدالله صالح و شروع دوره ای جدید از مبارزه این دو جریان، از سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی تا سال ۲۰۱۰ میلادی که طی آن شـش جنـگ خونین بین طرفین رخ داد، را به وجود آورد. صالـح بـا بیان اتهامات مختلف علیه حوثی ها و شیعیـان از جمله «تروریست» بـودن، وابسـتگی به ایران و حزب الله، تصـمیم به بازگردانـدن حکومت پادشـاهی و... بهـانه هـای سرکوب را فراهم کرد و در این راسـتا، تلاش کرد که با جلب حمایت آمریکا، معترضان را خاموش کنـد. دیکتاتور سابق یمن در سال ۲۰۰۴ میلادی در نشست سران ۸ کشور صنعتی

ص:۱۳۵

۱- (۱)) . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم قم.

در آمریکا حضور یافت و تلاش کرد تا کمک و حمایت این کشورها را به دست آورد. صالح بلافاصله پس از بازگشت از آمریکا، با دستوری به نیروهای ارتش، حمله سراسری به صعده و به ویژه مناطق نشور، آل صیفی، ضحیان و مران را خواستار شد. بلافاصله، جنگنده بمب افکن های ارتش به پشتیبانی صدها دستگاه تانک و توپ، به این مناطق حمله کردند. بدین ترتیب بود که صبح روز ۱۸ ژوئن، این منطقه با حمله همه جانبه نیروهای نظامی و امنیتی، در چند دقیقه، به تلی از خاک، آتش و خون تبدیل شد. دولت یمن در این رابطه سانسور شدید خبری را به کار گرفت و خبرنگاران شبکه های تلویزیونی از جمله العالم را اخراج کرد و در طول ۳ ماه، مناطق شیعه نشین شمال را بمباران کرد. در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴ میلادی با تصرف شهر مران توسط دولت و کشته شدن سید حسین الحوثی به همراه تعدادی از پیروانش پایان جنگ رسماً اعلام شد.

ص:۱۳۶

جنگ دوم در سال ۲۰۰۵ میلادی

تصور می شد که شهادت حسین الحوثی، پایان جنبش خواهد بود، اما پس از این، نبردها میان حوثی ها و ارتش یمن ادامه یافت. حسین الحوثی پس از شهادت به شهرت و محبوبیتی روزافزون رسیده بود. این محبوبیت با نشر و گسترش افکار حوثی همراه بود که در سال های قبل، در قالب کتاب و سخنرانی منتشر شده و این مساله در بیداری مردم و همچنین ادامه راه حسین الحوثی مؤثر بود.

اقدامات دولت یمن باعث گسترش درگیری ها بعد از جنگ اول بود. ارتش یمن پس از جنگ اول وارد صعده شده و این منطقه را به شکل یک منطقه نظامی درآورد. استخدام خطیبان مصری در مراکز زیدی به همراه حذف فیزیکی روحانیون زیدی، تعطیلی فعالیت های فرهنگی زیدیون و همچنین کنار گذاشتن شیعیان زیدی از مناصب دولتی، باعث شروع جنگ دوم بود.

طی دور تازه درگیری ها، جمعیتی از استان های دیگر به ویژه منطقه حیدان برای یاری شیعیان و بازسازی مناطق ویران شده صعده، راهی آنجا شدند. ارتش یمن هم حملات هوایی و زمینی فراوانی انجام داد که درپی آن، صدها غیرنظامی کشته و زخمی شدند.

جنگ دوم در کوه های مران و شهرستان حیدان انجام شد و به مدت دو هفته طول کشید. بدرالدین الحوثی پدر حسین حوثی، رهبری این نبرد را از طرف شیعیان برعهده گرفت. وی پس از کشته شدن فرزندش، زندگی در صنعا را رها کرد و به کوهستان های صعب العبور صعده رفت. وی که در یمن فردی فقیه و بسیار موجه از نظر فقهی و علمی بود، پیشنهاد دولت برای دریافت حقوق ماهیانه و همراه داشتن ۲۰۰ محافظ برای تردد در کشور را نپذیرفت و به نبرد با دولت مرکزی در شمال یمن ادامه داد. شهروندان ساکن نشور و حیدان پس از جنگ دوم دولت یمن علیه شیعیان، به کوه های اطراف پناه بردند. در ۲۷ مارس سال ۲۰۰۵ میلادی، با وساطت علما، جنگ دوم خاتمه یافت و دولت یمن پایان آن را اعلام نمود.

جنگ سوم در سال ۲۰۰۶ میلادی

جنگ سوم در مارس سال ۲۰۰۶ میلادی آغاز شد. آغاز این جنگ در دفاع از پایگاه های شیعیان زیدی بود که از سوی نیروهای ارتش مورد تجاوز قرار گرفته بودند. محدوده جغرافیایی آن نیز شامل شهرستان های حومه صعده همچون: ساقین، المجز و حیدان بود که در ادامه، این دامنه گسترش یافت و تا مرکز استان صعده کشیده شد. نیروهای دولتی با هدف اعلام آزادی برخی از سربازان که به

اسارت در آمـده بودند، به یکی از اسـتحکامات حوثی ها در ارتفاعات هجوم بردند و در ابتدای حمله، بیش از ۸۰ نفر از آنان را کشتند. دولت یمن پاکسازی مناطق شیعه نشین در سراسر کشور را هدف خود اعلام کرد و از جمله پایتخت (صنعا)، مأرب، جـوف، حجه و دیگر شـهرها را تحت حملات شدیـد خود قرار داد. در این حملات، صـدها تن از فعالان سیاسـی و فرهنگی دسـتگیر و روانه زنـدان گردیدند. نهایتاً جنگ سوم، در برهه مسایل انتخابات ریاست جمهوری و شـهرداری ها در دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی بـا توافقی میان طرفین متوقف شـد. رهبری نیروهای حوثی در جنگ سوم، با عبـدالملک الحوثی برادر کوچک حسـین بود که پس از شهادت حسین الحوثی در سال ۲۰۰۵ میلادی، رهبری شـیعیان صعده را به دست گرفت و توانست که از لحاظ سیاسـی و نظامی آنها را مجـدداً سازمانـدهی و رهبری نمایـد. از ویژگی های این جنگ، پدیـدار شـدن اولین نشانه های رهبری و فرماندهی وی بود.

جنگ چهارم در سال ۲۰۰۷ میلادی

جنگ چهارم در سال ۲۰۰۷ میلادی رخ داد. در این جنگ، جنبش جوانان مؤمن تمامی استان صعده را به محل عملیات نظامی علیه

ارتش یمن تبدیل کرد و در آن به مؤسسات و نهادهای دولتی، امنیتی و نظامی آسیب و خسارات جدی وارد شد. در این جنگ، مانند جنگ های پیشین، حوثی ها از عملیات چریکی علیه ارتش یمن استفاده می کردند. این جنگ با عقب راندن ارتش یمن از مواضع و استحکامات کوهستانی شیعیان پایان یافت. پس از آن عبدالملک الحوثی، برادر حسین بدر الدین، به عنوان رهبر محبوب شیعیان زیدی شناخته شد .این جنگ با وساطت قطر پایان یافت و دولت مرکزی مجبور شد در چارچوب توافق آتش بس، گروه هایی که در استان صعده علیه انصارالله توطئه چینی می کردند را از آن جا اخراج کند.

جنگ پنجم در سال ۲۰۰۸ میلادی

عربستان که مایل نبود پای قطر به یمن باز شود، در توافقنامه پایانی جنگ چهارم موانعی را ایجاد کرد و در نتیجه جنگ پنجم هم شکل گرفت و این بار نیز با وساطت دیگر گروه ها و کشورها پایان یافت. دولت یمن در طول چند سال گذشته، تلاش فراوانی کرده بود تا جنبش الحوثی را به ایران مرتبط کرده و هر موضوعی را بهانه می نمود تا نشان دهد که ایران و حزب الله با الحوثی ها در ارتباط بوده و در یمن حضور دارند و به آنها تسلیحات می دهند. این

سخنان و موضع گیری ها تنها برای افکار عمومی داخلی و تحریک عربستان صورت می گرفت؛ چرا که اساساً جغرافیای استان صعده اجازه حضور یک خارجی به این منطقه را نمی دهد. بسیاری از جاده ها کوهستانی بوده و دارای پست های ایست بازرسی فراوان است که هیچ ایرانی یا لبنانی نمی تواند در آن حضور داشته باشد، از خاک عربستان هم نمی توان به یمن رفت. در هر صورت، جنگ پنجم در سال ۲۰۰۸ میلادی و با رهبری عبدالمالک حوثی شروع شد. حوثی ها از سلاح های متوسط و سنگین علیه ارتش استفاده کردند.

دایره عملیاتی این جنگ استان صعده، منطقه بنی حشیش (بخشی از صنعا) و منطقه حرف سفیان (بخشی از استان عمران) بود و نشانگر گسترش دامنه عملیات نظامی و تحول کیفی در عملکرد نظامی حوثی با صنعا بود که باعث ایجاد نگرانی برای مقامات دولتی شد.

این جنگ در مارس سال ۲۰۰۸ میلادی آغاز شد، به اعتقاد کارشناسان، این جنگ از وقایع سرنوشت ساز در رخدادهای این کشور محسوب می شود، در این جنگ که نیروهای عربستان هم حضور داشتند نه تنها صعده، بلکه به مناطق دیگر یمن نیز کشیده شد، در این جنگ برای اولین بار رویارویی ها به نزدیکی صنعاء هم رسید.

توافقنامه دوحه

علی عبدالله صالح در این شرایط میانجیگری قطر را پذیرفت. دو طرف به توافقاتی در این زمینه دست یافتند. بر اساس توافقنامه دوحه که با نظارت امیر قطر برای برقراری صلح میان حوثی ها و دولت یمن به امضا رسید، دو طرف متعهد شدند که عملیات نظامی علیه یک دیگر را متوقف کنند. دولت یمن باید حوثی ها را مورد بخشش قرار می دهد و اسیران دوطرف باید آزاد شود. حوثی ها نیز سلاح هایی را که از نیروهای دولتی به غنیمت گرفته بودند را، به ارتش بازگرداند. کنترل استان صعده برعهده دولت مرکزی است و گروه حوثی برای فعالیت خود باید یک حزب سیاسی تشکیل دهد.

این توافقنامه فقط درباره تبادل اسیران جنبه اجرایی به خود گرفت و دیگر بندهای آن اجرایی نشد و دوطرف درگیر، یک دیگر را به نقض مفاد توافق دوحه متهم کردند.

برخی قبول این توافق از جانب دولت یمن را کسب فرصتی برای بازسازی و ترمیم قوای نظامی اش می دانستند که پس از یک جنگ روانی و تبلیغاتی که همزمان در صنعا و ریاض آغاز شده بود، زمینه ها را برای جنگ ششم فراهم می نمود.

جنگ ششم در سال ۲۰۰۹ میلادی

جنگ ششم در سال ۲۰۰۹ میلادی آغاز شد. این جنگ، گسترده تر از جنگ های سابق بود و با هماهنگی سیاسی، نظامی و امنیتی میان ریاض و صنعا انجام شد. بعد از پایان جنگ پنجم، دولت علی عبدالله صالح همواره اعلام می کرد که در صدد سرکوبی گروه الحوثی است و هیچ گاه این جریان را به عنوان یک گروه قانونی تلقی نکرده و حاضر به هیچ گونه تعاملی با آنها نشد. با آغاز جنگ، علی عبدالله صالح اعلام کرد که کار را تا ریشه کن کردن حوثی ها ادامه می دهد و در این ماجرا، نیروی هوایی با تعداد زیادی هواپیما و هلی کوپتر به سمت مناطق صعب العبور حرکت کرده و بمباران های زیادی را انجام دادند. در کنار آن هم نیروهای پیاده زیادی برای پاکسازی در مناطقی که نیروهای حوثی وجود داشتند، وارد عمل شدند و پی در پی نیز از فتوحات خود سخن می گفتند، اما به زودی روشن شد که حوثی ها ورزیده تر از گذشته شده اند و روش چریکی آنها در مبارزه، کار را برای دولت صالح، ارتش و نیروی نظامی آل سعود بسیار دشوار کرده بود. از این رو برخلاف مسلح بودن ارتش یمن به انواع سلاح ها، دولت یمن نتوانست خود را به عنوان پیروز این جنگ قلمداد کند .در این جنگ، صدها نفر از مردم و نیروهای نظامی کشته شدند و صدها تن از

ص:۱۴۳

علما و فعالان سیاسی و فرهنگی به دست نیروهای امنیتی ترور شده، یا به زندان افتادند.

رهبری شیعیان در این جنگ با سید عبدالملک طباطبایی حوثی و سید یحیی بود. سید یحیی از نمایندگان مجلس یمن بود که مجلس نمایندگان، مصونیت سیاسی وی را سلب و پلیس بین الملل را موظف به بازداشت وی کرد. جنگ ششم، نشانگر تقویت اقتدار نظامی و عملیاتی شیعیان در رویارویی با نیروهای دولتی است. شیعیان تا نیمه های جنگ موفق به انهدام سه فروند هواپیمای جنگنده سوخو، یک فروند بالگرد نظامی و ده ها دستگاه از تانک های ارتش شدند.

از ویژگی های مهم جنگ ششم، کشیده شدن آن به خاک عربستان سعودی و دخالت ارتش این کشور در جنگ علیه حوثی ها و همچنین ورود ارتش آمریکا و بمباران مواضع شیعیان بود. در این درگیری ها، حکومت مرکزی یمن و مداخله برخی کشورها (عربستان و آمریکا) در یک طرف و مبارزان حوثی و جدایی طلبان جنوب این کشور در طرف دیگر بودند. این درگیری ها در ۱۲

ص:۱۴۴

فوریه سال ۲۰۱۰ میلادی با فرو نشستن ناآرامی ها و تمایل دوطرف برای مذاکره پایان یافت.

یکی از ویژگی های دیگر این جنگ تحول ملموس در نوع رویکردهای رسانه ای و تبلیغاتی علیه این گروه بود و در شرایطی که ارتش عربستان مستقیما با مردم یمن درگیر شده بود، رسانه های عربی به طور مداوم، ادعای حمایت تسلیحاتی ایران از گروه حوثی را تکرار می کردند.

بر مبنای آتش بسی که از سوی حزب بعث سوریه به دو طرف پیشنهاد شد، طرفین درگیر به تبادل اسرا، تخلیه مناطق و پایگاه های نظامی و همچنین اجازه بازگشت به آوارگان، رضایت دادند. فرمانده حوثی ها در بیانیه ای گفت که: پذیرش آتش بس با دولت مرکزی پس از آن صورت گرفت که وساطت علما و ریش سفیدان یمن برای جلوگیری از ریخته شدن خون مردم بی گناه به میان آمد و برای اثبات حسن نیت خود، آن را می پذیرد.

ص:۱۴۵

مصاحبه با دکتر محمد احمد مفتاح

(از علمای زیدیه و دبیرکل حزب الامّه یمن) (۱)

اوضاع یمن بعد از علی عبدالله صالح را چگونه تحلیل می کنید؟

دکتر مفتاح: اوضاع سیاسی یمن بی ثبات است. شکل ظاهری نظام، بیانگر ائتلاف میان حزب حاکم و احزاب مخالف می باشد. گروهی از مخالفان، در استان جنوبی یمن حضور دارند. جریانی که به تازگی در شمال شکل گرفته، جنبش انصارالله است. این گروه ها هم اکنون در کشور فعال و تأثیرگذار هستند.

آیا جریان جنوب حاضر نیست که با دولت به ائتلاف برسد و به طور کلی با آن مخالف است؟

دکتر مفتاح: بله جریان مخالف در جنوب، به طور کلی، دو طرف تشکیل دهنده ائتلاف، یعنی جریان حاکم و گروه های مخالف را قبول ندارد.

۱- (۱)) . این مصاحبه در بهمن ماه ۱۳۹۲توسط مختار شیخ حسینی انجام شده و شایان ذکر است که این مصاحبه بعد از سقوط علی عبدالله صالح و بعد از به قدرت رسیدن عبد ربه منصور هادی و قبل از پیروزیهای جنبش انصارالله انجام شده است و ناظر به تحولات آن دوره می باشد.

احزاب مستقر در جنوب بر چه اساسی دولت یمن را به رسمیت نمی شناسند؟ آیا آن ها به دنبال استقلال هستند؟

دکتر مفتاح: در جنوب، حزب وجود ندارد؛ بلکه جنبش هایی وجود دارند که توسط افراد خاصی رهبری می شوند. این جنبش ها هوادار رژیم پیشین در جنوب یمن هستند. ما در جنوب یمن حزب به معنای واقعی نداریم، بلکه جنبش های مردمی هستند که معمولاً توسط اشخاص مقیم خارج از کشور هدایت و رهبری می شوند که خواسته آن ها تجزیه جنوب کشور است.

عواملی که باعث شد تا انصارالله در شمال، دولت را به رسمیت نشناسند، چیست؟

دکتر مفتاح: انصارالله ظاهرا دولت را به رسمیت می شناسند.

به رسمیت می شناسند؛ اما با آن همکاری نمی کنند.

دکتر مفتاح: ظاهراً دولت را به رسمیت می شناسند. آن ها به طور حتم مقاصد سیاسی دارند تا حاکمیت در اختیار آن ها قرار گیرد.

یعنی جنبش انصارالله در حاکمیت حضور ندارد؟

دکتر مفتاح: آری این جنبش در حکومت مشارکت نکرده است.

ص:۱۴۸

آن را به رسمیت می شناسد؟

دکتر مفتاح: نه، آن را به عنوان قدرت حاکم به رسمیت نمی شناسد؛ چون دولت تنها در زمینه مسائل مالی کشور از قبیل پرداخت حقوق به کارکنان و تا اندازه ای انضباط اداری، نفوذ دارد و از قدرت و حاکمیت کامل در کشور برخوردار نیست.

ظاهراً در یمن پیشنهادی وجود دارد، دال بر این که در یمن حکومت فدرالی تشکیل شود. آیا تشکیل حکومت فدرال، مشکل یمن را حل خواهد کرد؟

دکتر مفتاح: نه مشکل را حل نمی کند.

در حال حاضر رویکردهای دینی و مذهبی در جامعه یمن به چه صورت هست؟

دکتر مفتاح: در حال حاضر، اهل تسنن چند شاخه هستند و شیعه نیز چند شاخه است.

این شاخه ها در میان اهل تسنن و تشیع چه وضعیتی دارند؟

دکتر مفتاح: وهابی ها دو دسته اخوانی ها و سلفی ها را شامل می شوند و جریان اهل تسنن سنتی نیز در جنبش های جنوب هستند. صوفی ها هم حضور دارند. سایر اهل تسنن، به هیچ جریانی گرایش ندارند و برخی از آن ها به جریان های صوفی و لیبرال

غیربرجسته گرایش دارند. در ضمن اهل سنت یمن اکثرا شافعی هستند.

آیا سلفی ها در چارچوب حزب و یا تشکیلات سیاسی فعالیت دارند؟

دکتر مفتاح: سلفی ها در چارچوب احزاب و گروه های دینی فعالیت دارند.

مهم ترین احزاب سلفی را نام ببرید.

دکتر مفتاح: حزب الرشاد، سلفی- اخوانی، است.

وهابی ها چه طور؟

دکتر مفتاح: آنها نیز به همین سبک هستند. وهابی ها دو دسته اند، اخوانی و سلفی. اخوانی های یمن وهابی هستند و در میان آنها تعداد اندکی می توان یافت که تحت تأثیر اندیشه های وهابی قرار ندارند. سلفی ها در چارچوب یک گروه شبه نظامی همانند طالبان فعالیت دارند. اما در نهایت، آن ها همان طور که من پیش بینی می کنم، بخشی از سازمان اطلاعات عربستان هستند.

یا اکثریت زیدیه هوادار انصارالله هستند؟

دکتر مفتاح: اکثریت زیدیه ساکت هستند. البته در میان اهل تسنن نیز اکثریت ساکت هستند. اکثریت جامعه یمن ساکت و محافظه کار

بوده و در انتظار تجدیدنظر در ساختار سیاسی کشور هستند. ما در یمن، اسماعیلیه و جعفری اثناعشری نیز داریم. موارد یاد شده نقشه مذهبی و طائفه ای یمن را تشکیل می دهند. همچنین جریان لیبرال را نیز باید به موارد یاد شده افزود.

لائیک ها؟

دکتر مفتاح: بله، ما جریان لائیک یا لیبرال نیز داریم که جریانی قدرتمند و فعال در یمن هستند و در جنوب در شمال، تأثیرگذاری دارند و در تمامی ارکان انقلاب و نیروهای سازمان دهنده نفوذ دارد.

دلیل دستیابی جریان لائیک به چنین جایگاهی چیست؟

دکتر مفتاح: به عنوان یک جریان قوی سازمان یافته در میان تمامی نیروهای سازمان دهنده، نفوذ زیادی دارد.

دولت یمن

دکتر مفتاح: دولت و حاکمیت تصمیم گیر در یمن وجود ندارد. تنها در این میان ائتلاف منافع وجود دارد که بر تصمیم گیری حاکمیت تسلط دارد.

حزب کنگره

دکتر مفتاح: در زمان علی عبدالله صالح، حزب کنگره به همراه هم پیمانانش حکومت می کردند. جریان وهابی ها با حزب حاکم هم

پیمـان بود. حزب حـاکم میان جریان ها موازنه قوا ایجاد می کرد تا علی عبـدالله صالـح هم چنان زمام امور را در اختیار داشـته باشد.

بـدیهی اسـت که زیـدیه در میـان پیروان اهـل بیت(علیه السـلام) در یمن اکـثریت را تشـکیل می دهـد. آیـا در میـان زیـدی ها همبستگی وجود دارد؟ آیا آن ها یکپارچه هستند و یا در میان خود تقسیم شده اند؟

دکتر مفتاح: بله زیدی ها در تمام احزاب حضور دارند.

آیا در میان زیدی ها کسانی هسـتند که بر اساس مذهب زیدیه گرایش و فعالیت سیاسـی داشته باشند؟ و آیا تشکیلات سیاسی مختص زیدی ها داریم؟

دکتر مفتـاح: حوثی هـا زیـدی به شـمار می آینـد. گفته می شود آنها در صـحنه سیاسـی به نام مـذهب فعالیت دارنـد. آنها می خواهنـد به جامعه یمن نشان دهنـد که در چارچوب فرهنگ اسـلامی و در صـحنه یمن حرکت می کننـد، اما در جامعه یمن به عنوان یک جنبش مـذهبی شـناخته شده اند و به همین دلیل، نمی توانند به مناطق شافعی نشـین نفوذ کنند، مگر آن که در یک چارچوب بسـیار محدود در قلمرو برخی از خاندان های هاشمی به این کار اقدام نمایند. به همین دلیل، حوزه فعالیت آن ها در صنعا، در چارچوب زیدیه انحصار یافته و در نتیجه، قوی ترین گروهی که در چارچوب مذهب فعالیت می کنند، جنبش حوثی ها است. آن ها در تشکیلات سیاسی کوچکی هم چون

حزب حق مشغول فعالیت هستند. هم اکنون اگر بخواهیم زیدی ها را تقسیم بندی کنیم، اکثریت آن ها دنبال رو حزب کنگره، سپس حوثی ها و بعد حزب امت و در نهایت تشکیلات دیگری که کوچک تراند، هستند.

حوثی ها به چه دلیل یا دلایلی بارها به درگیری نظامی پرداختند؟

دکتر مفتاح: علل و عوامل این درگیری ها مسائل سیاسی است. البته اختلاف مذهبی نیز وجود دارد، اما اختلافات موجود در یمن، به طور کلی اختلافات سیاسی است. ارتش یمن به طور کلی تحت سلطه عربستان قرار دارد.

در دوران علی عبدالله صالح نیز این گونه بوده است؟

دکتر مفتاح: در دوران علی عبدالله صالح و از سال ۱۹۶۷ میلادی تا به امروز، ارتش یمن تحت سلطه عربستان قرار دارد. قبل از این تاریخ، در سال ۱۹۶۲ میلادی بخشی از ارتش یمن تحت سلطه عربستان و بخشی از آن تحت سلطه مصر قرار داشت. سلطنت طلب ها در سال ۱۹۶۲ میلادی مورد حمایت عربستان، ایران شاهنشاهی و کشورهای غربی قرار داشتند و جمهوری خواهان هم مورد حمایت جمال عبدالناصر و جریان های سوسیالیست جهان قرار داشتند.

ص:۱۵۳

یعنی ناسیونالیست های عرب و سوسیالیست ها مورد حمایت جمال عبدالناصر قرار داشتند.

دکتر مفتاح: یمن به دو قسمت جمهوری خواه و سلطنت طلب تقسیم شد. سلطنت طلب ها مورد حمایت عربستان و ایران شاهنشاهی قرار داشتند و جمهوری خواهان هم مورد حمایت جمال عبدالناصر و بلوک شرق در آن زمان قرار داشتند. پس از شکست مصر در سال ۱۹۶۷ میلادی پرونده یمن به طور کامل به عربستان سپرده شد. مصر از هم پیمان جمهوری خواه خود صرف نظر کرد. پرونده یمن از آن سال به بعد به طور کامل در اختیار عربستان قرار گرفت هر چند آمریکا به طور مستقیم بر این پرونده نظارت دارد. اما عربستان هم چنان در یمن بازیگر اصلی است.

آیا در یمن همانند عراق و سوریه، میان اهل تسنن و تشیع درگیری نظامی وجود دارد ؟

دکتر مفتاح: آری، درگیری نظامی وجود دارد. در صعده، عمره، جوف، حجّه و ممکن است که این درگیری به سایر شهرها نیز سرایت کند.

آیا اسماعیلیه و اثناعشریه نیز با سلفی ها درگیر هستند، یا آنکه این درگیری نظامی فقط شامل حوثی ها می شود؟

دکتر مفتاح: وهابی ها شیعیان را به عنوان یک مجموعه واحد توصیف می کنند.

ص:۱۵۴

یعنی تفاوتی میان زیدیه، اسماعیلیه و حوثی ها قائل نیستند؟

دکتر مفتاح: چرا تفاوت قائل هستند. اما در رسانه های خود با شیعه به عنوان یک ساختار واحد برخورد می کنند و در بسیج رسانه ای خود، تمام شیعیان را با یک دیگر ادغام می کنند. آن ها بدترین موارد موجود در میان شیعه را برمی چینند و فرقی نمی کنند که چه شیعه ای هستند و آن را به توده مردم عرضه می کنند. آنها تمامی نکات منفی موجود در میان اثنی عشریه، اسماعیلیه و زیدیه را برمی چینند و آنها را به طور کلی به مانند یک ساختار واحد ارائه می دهند. البته آنها با تفاوت موجود میان مذاهب شیعه آشنا هستند، اما عمداً آن ها را با یکدیگر در می آمیزند. آنها بیش از هر چیز، بر یاسر حبیب تأکید می کنند که در تبلیغات منفی آنها برجسته ترین شخصیت شیعه به شمار می رود و به متون موجود در کتاب های قدیم و جدید شیعیان استناد می جویند.

جمعیت زیدیه در حال حاضر چه تعداد می باشد؟

دکتر مفتاح: زیدیه به طور کلی در نقشه جمعیت یمن یک سوم را تشکیل می دهند.

ص:۱۵۵

زیدیه در ابتدا ۶۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می داد، اما به تدریج شمار آنها کاهش یافته است.

دکتر مفتاح: یمن در گذشته به دو قسمت تقسیم شده بود. زیدیه اکثریت شمال را تشکیل می دادند. اما پس از یکپارچه شدن دو بخش شمالی و جنوبی یمن، زیدیه در اقلیت قرار گرفتند.

آیا زیدیه در یمن مراجع و علمایی دارند که از نظر فکری، دینی و مذهبی به آنها مراجعه کنند؟

دکتر مفتاح: البته روحانیونی دارند، اما میان آنها و جامعه زیدیه ارتباطی وجود ندارد و در واقع، زیدیه از ۵۰ سال پیش به این سو، ساختار سازمان یافته خود را از دست داد و پس از آن، جامعه زیدیه دچار گسستگی شد. زیدیه نمادها و شخصیت های برجسته ای دارند، اما چیزی به عنوان مراجع تقلید ندارند.

حوثی ها؟

دکتر مفتاح: حوثی ها در جامعه یمن حرکت سازمان یافته ای دارند. اکثر ملت یمن طرفدار جریان قوم گرایی عربی، مخالف استعمار و غرب و طرفدار جمهوری اسلامی ایران هستند. نقطه تفاوت آنها با حوثی ها در آن است که حوثی ها یک جریان سازمان یافته می باشند. سایر اقشار ملت یمن، دارای ساختار سازمان یافته ای نیستند تا بتوانند به واسطه آن، خواسته های خود را نشان دهند.

ص:۱۵۶

شما به عنوان یک فعال سیاسی در یمن و آگاه نسبت به جامعه، آینده این کشور و ارتباط جنوب و شمال آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

دکتر مفتاح: آینده یمن را ناآرام پیش بینی می کنم و وحدت یمن ادامه خواهد یافت.

به چه دلیل وحدت ادامه خواهد یافت؟

دکتر مفتاح: زیرا طرحی که منجر به تجزیه کشور شود و همچنین مخالفان وحدت، قانون اساسی، تشکیلات سازمان یافته و حتی دیدگاه مشخصی برای تشکیل دولت مستقل در اختیار ندارند. اکثریت جامعه یمن نیز طرفدار آنها نیستند. تجزیه طلبان تاریخ بدی دارند. لذا وضعیت ناآرام در یمن تا چند سال آینده ادامه خواهد یافت.

پس به نظر شما حالت توافقی و ائتلافی ادامه خواهد یافت.

دکتر مفتاح: ما الآن ائتلاف به معنای واقعی نداریم و اختلاف منافع وجود دارد. ناآرامی در یمن و کشمکش میان نیروها ادامه خواهد یافت. برخی از جریان ها، بر برخی دیگر برتری خواهند یافت. به عنوان مثال، جریان انصارالله بر جریان سعودی برتری خواهد یافت و پس از آن، جریان لیبرال بر انصارالله برتری پیدا می کند.

آیا با توجه به چنین شرایطی، امداد رسانی عربستان به جریان هوادارش در یمن قطع خواهد شد؟

دکتر مفتاح: خیر نه تنها قطع نخواهد شد، بلکه با توجه به حضور و ورود ایران به صحنه یمن، عربستان نفوذ خود را بیشتر خواهد کرد. شکل و شمایل حضور عربستان تغییر خواهد کرد و اوضاع در یمن ناآرام تر خواهد شد و اقدامات خشونت آمیز نیز افزایش می یابد تا آن که دیدگاه یمن برای مشکلات موجود تبلور یابد، زیرا هم اکنون جدایی طلب ها در جنوب تصور می کنند که می توانند بر جنوب تسلط یابند. حوثی ها تصور می کنند که می توانند بر شمال تسلط یابند. اما هیچ یک از این دو تصور صحیح نیست. جدایی طلب ها نخواهد توانست بر جنوب مسلط شوند و انصارالله نیز نمی تواند بر شمال مسلط شود. حوثی ها شاید بتوانند دامنه نفوذ و حضور خود را در شمال گسترش دهند. اما تسلط بر شمال کار بسیار سخت و دشواری است. اما جدایی طلب ها، جنوب یمن را به سوی آشوب و کشمکش سوق خواهند داد و باعث درگیری شدید میان خود جنوبی ها خواهند شد. در نتیجه، اوضاع ناآرام باقی می ماند.

ص:۱۵۸

انصارالله؛ فرصت ها و چالش ها

[۱] (۱) .

عادل محمد احمد المالکی (۲)

مذاهب در یمن

جمعیت یمن در حدود ۲۲ میلیون نفر است. در طی بیست تا سی سال گذشته، دو مذهب اصلی زیدی و شافعی در یمن وجود داشته است. اما عربستان، مذهب جدید وهابیت را هم به یمن صادر کرد و این مذهب در بسیاری از مناطق کشور وارد شد. اما در حال حاضر با قدرت گرفتن انصارالله، این مذهب در حال از بین رفتن است، زیرا این مذهب بر باطل استوار شده و خداوند متعال می فرماید: (وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً) با آمدن حق، باطل رفتنی است. به محض آن که حق بیاید، باطل از بین می رود. هم اکنون جمعیت یمن از پیروان دو مذهب زیدی و

۱- ((۱)) . متن حاضر خلاصه مصاحبه مختار شیخ حسینی با ایشان در حاشیه همایش بینالمللی ناصر اطروش در بهمن ماه ۱۳۹۲ میباشد.

۲- ((۲)) . عضو شورای زیدیه در منطقه صعده و از اعضای انصارالله.

شافعی تشکیل شده و مذهب اهل بیت(علیه السلام) در درون دل یمنی ها ریشه دوانده است؛ به همین دلیل، بعد از پیدایش جنبش شیعی، مردم به طور خودجوش به آن رو می آورند. پیروان اسماعیلیه نیز در برخی از مناطق یمن یافت می شوند. همچنین مذهب تصوف در مناطق جنوب یمن پیروانی دارد. اما شمار آنها اندک است. شیعه اثنی عشری نیز در یمن پیروانی دارد که تعداد آنها هم اندک است.

سید بنیانگذار

یمن هم اکنون شاهد ناآرامی هایی است که آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس از آن به عنوان حرکات تروریستی نام می برند. اما در واقع، این ناآرامی ها، دفاع از مظلومیت انصارالله به شمار می رود که سید حسین بدرالدین (رضوان الله تعالی علیه) بنیانگذار آن بود. او از نسل پیامبر گرامی اسلام(ص) است و خداوند او را برگزید تا رهبری این مسیر قرآنی را برعهده گیرد. او بسیاری از مفاهیم را تصحیح بخشید، مفاهیمی چون گردن نهادن در برابر ظلم و ستم ستمکاران که به فرهنگ مردم تبدیل شده بود.

سید بدرالدین الحوثی (رضوان الله تعالی علیه) و فرزندش حسین بدرالدین الحوثی که می فرمود: «من یکی از ثمره های پدرم سید بدرالدین» (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) هستم. «همه این طرح و دستاوردهای به دست آمده را مدیون سید بدرالدین الحوثی

بنیانگذار جنبش انصارالله و پدر روحانی این فرآیند قرآنی هستیم. سید حسین بدرالدین الحوثی با سخنرانی های خود، نظریه پرداز و بنیانگذار این حرکت قرآنی است که به طور سازمان یافته و منظم، درون جنبش انصارالله تدریس می شوند».

شعارهای پنج گانه نماد انصارالله

این ندا، شعار ما را تشکیل می دهد. پیامبر گرامی اسلام(ص) هرگاه می خواستند در برابر کفار و ستمکاران وارد نبرد شوند و به جهاد برخیزند، شعار خاص خود را داشتند. شعار پیامبر گرامی اسلام(ص) در غزوه بدر «یا منصور أَمِت» یعنی (ای یاری شده بمیران) بود. ای یاری شده که شعار نهضت امام حسین(علیه السلام) به شمار می رود؛ أمِت یعنی کفار را بمیران. در اینجا، مرگ بر آمریکا و همچنین مرگ بر اسراییل و نفرین فرستادن به یهود، هم چنان که خداوند متعال آنها را در قرآن نفرین کرده است. (لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرائِیلَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ) (از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند، این کیفر به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و از فرمان خدا تجاوز می کردند)؛ تکبیر شعار همه مسلمانان به شمار می رود و مسلمانان ممکن نیست بدون تکبیر پیروز شوند.

ص:۱۶۱

الله اکبر شعاری است که آمریکا را ترسانده و دلیل بر این مدعا آن است که آمریکا در مَرّان واقع در منطقه صعده، این شعار را از روی دیوارها پاک کرد و سفیر آمریکا در آن زمان، دستور داد تا این شعار از روی دیوارها پاک شود. این موضوع بیانگر آن است که شعار الله اکبر، اقتدار آمریکا را در هم شکست و ملاحظه کرد که این شعار به برتری اش در منطقه پایان خواهد داد. این شعار به افراد پیوسته به این فرآیند قرآنی قدرت و عزت می بخشد.

نقش عربستان

کشورهای همسایه یمن مانند عربستان و دیگران، مجد و عزت خود را بر ویرانه های یمن می سازند و همواره سعی دارند تا وضعیت داخلی یمن بی ثبات باقی بماند و همواره در آن، نبرد و درگیری های نظامی در جریان باشد تا اوضاع داخل عربستان ثبات یابد. اما با وجود جنبش انصارالله، امید عربستان به باد رفت؛ زیرا این حرکت حامی مستضعفان در یمن می باشد که طرح بزرگی در اختیار دارد و به حمایت از مستضعفان در سراسر جهان خواهد پرداخت.

کشورهای عرب مواضع متفاوتی در پیش گرفته اند. اما کشورهای مرتبط با استکبار جهانی مانند عربستان و قطر، مواضع مشخصی دارند. همان طور که می دانید ششمین نبرد علیه انصارالله توسط

عربستان انجام گرفت و چاره ای ندید جز این که ده ها کیلومتر عقب نشینی کند و کنفرانسی در خارج تشکیل داد. چرا ؟ برای این که جهت درهم کوبیدن انصارالله مشروعیت بیابد. اما سید حسین بدرالدین (رضوان الله تعالی علیه) در آن دوران از رزمندگان انصارالله خواست تا از مناطق تصرف شده عقب نشینی کنند تا عربستان بهانه ای برای حمله به انصارالله نداشته و همچنین در سطح منطقه و جهان هیچ گونه پایگاه مشروعی برای در هم کوبیدن این نهضت قرآنی نداشته باشند. این امر با تدبیر رهبر و با یاری خداوند تحقق یافت و نهضت ما توانست به این دست آوردهای بزرگ تحقق بخشد.

القاعده یمن

انصارالله، القاعده را به طور کامل دست پرورده و ساخته و پرداخته آمریکا می داند. هرگاه آمریکا بخواهد القاعده در یکی از استان های یمن شکل گیرد، زمینه های این شکل گیری را برای آن فراهم می آورد و تسهیلات مادی و نظامی در اختیارش قرار می دهد. به عنوان مثال، آمریکا زمینه های حضور القاعده در «حضرموت» را فراهم آورد و ما در جریان جنایات القاعده در این منطقه از جمله کشتار سربازان قرار گرفته ایم.

به دنبال تسلط یافتن انصارالله بر صنعا، القاعده در منطقه «البیضاء» حضور گسترده ای یافت. سازمان القاعده و تروریسم یک موضوع آمریکایی است که این کشور از آن به عنوان برگ برنده بهره می برد. در هر نقطه از یمن، هر جا که بخواهد آن را می گذارد و هرگاه اراده کند آن را برمی دارد. دولت تسهیلاتی در اختیار القاعده قرار داده است؛ زیرا این تشکیلات در خدمت منافع آمریکا قرار دارد و لاغیر. القاعده برخلاف منافع ملت عمل می کند و گروهی خرابکار است. هر جا که پا نهد، آن را ویران می کند. القاعده برای تمام یمنی ها بلکه برای تمام جهان، خواهان شر بوده و نماد عینی تروریسم است. پدیده تروریسم محصول دست آمریکا و اسرائیل است و به واسطه حادثه یازدهم سپتامبر، به آن شکل دادند. همه اینها نمایشنامه هایی است که ساخته و پرداخته دست آمریکا می باشد. آمریکا توسط ایادی خود، یعنی عناصر القاعده و دیگر گروه های تروریستی مثل داعش و النصره، به اهداف شوم خویش در منطقه تحقق می بخشد.

آینده نهضت

این نهضت توانست همه احزاب، طایفه ها و جریان ها و مذاهب را در برگیرد؛ زیرا این نهضت به رهبری سید عبدالملک تضمین کننده و مدافع حقوق تمام مستضعفان است. برخی از برادران اهل سنت

در «تعز» در شبکه تلویزیونی «المسیره» اظهار داشتند: «این سید و رهبر انصارالله در حال دفاع کردن از ما به سر می برد با این که ما نه زیدی و نه عضو انصارالله هستیم». تمام یمنی ها چنین احساسی دارند؛ زیرا عبدالملک الحوثی از حقوق تمام مستضعفان دفاع می کند تا ظلم و ستم در میان تمام طائفه های یمن برچیده شود. ان شاءالله این موضوع در جهان عرب و گیتی گسترش خواهد یافت.

انصارالله در تمامی زمینه ها، کمیته های ویژه ای در اختیار دارد و به طور سازمان یافته پیش می رود لذا جنبش بی هدفی نیست. در تمامی زمینه ها و مسائل فرهنگی، نظامی، آموزشی و تربیتی نهادهای ویژه ای در اختیار دارد. آنها با دولت در زمینه مسائل سیاسی وارد گفت وگو شدند و بهترین دستاوردها را به دست آوردند و هم اکنون، انصارالله در صدد تحقق بخشیدن به توافقات به عمل آمده با دولت می باشد. آنها درگذشته به انصارالله به عنوان یک جنبش نظامی ساکن کوهستان می نگریستند، اما واقعیت چیز دیگری را برای آنها به اثبات رساند. انصارالله ثابت کرد که حاضر به پذیرش دیگران و انجام گفت وگوی آشتی ملی است و با همه طرف ها با انصاف برخورد می کند.

ایران از نگاه یمنی ها

یمنی ها به ایران، به عنوان یک ملت مسلمان که توانست به استکبار جهانی نه بگوید و استکبار جهانی را سر جای خود بنشاند می نگرند. یمنی ها در این خصوص اشتراک نظر دارند. همچنین امام خمینی (رضوان الله علیه) نمونه ای از اهل بیت(علیه السلام) به شمار می رفتند که قیام کردند و رهبر انقلاب اسلامی ایران هستند. وی فرمود: ما انقلاب خود را به تمام کشورهای عربی و جهان صادر خواهیم کرد. برخی از کشورهای عرب در جنگ علیه ایران شرکت کردند. اما دلها در یمن دعاگوی امام خمینی(ره) بود. من به یاد دارم که در آن زمان کم سن و سال بودم؛ اما پدرم و پدربزرگم برای امام خمینی(ره) دعا می کردند و با قرائت قرآن و سوره حمد از خدا می خواستند تا به امام خمینی(ره) در برابر صدام و کشورهای استکبار جهانی پیروزی ببخشد.

شباهت های انصارالله و حزب الله لبنان

انصارالله تشکیلاتی سازمان یافته، جنبشی با برنامه و دارای پایه و اساس است که حول محور یک شخص واحد، یعنی رهبری به پیش می رود و همین امر باعث موفقیت انصارالله تا کنون شده است. بنابراین پیوندهای مشترک زیادی میان حزب الله و انصارالله یافت می شود. هر دو مواضع یکدیگر را مورد تایید و حمایت قرار

داده انـد. هر دو بـا اهـل بیت(علیه السـلام) ارتبـاط دارنـد. هر دو مخالف اختلاف و تفرقه افکنی هسـتند و تمامی طائفه ها را با آغوش باز می پذیرنـد. در میان اعضای حزب الله برخی حتی مسـلمان نیسـتند. به عنوان مثال حزب الله در بنت جبیل سه شـهید داد که یکی از آنها مسیحی بود. سید حسن نصرالله توانست میان همه طائفه ها وحدت و هماهنگی ایجاد کند. سید عبدالملك نیز همین رویه را در پیش گرفته است. نقاط اشتراک دیگری نیز وجود دارد که تحولات آینده آنها را به اثبات خواهند رساند.

چالش های فراروی حرکت انصارالله

چـالش هـای بزرگی فراروی حرکت ما قرار گرفته است. همان طور که برخی کارشـناسان گفته انـد: «به وجود آوردن انقلاب کـار سـاده ای است، امـا حفظ آن کار سـخت و دشواری است.» ما با چالش های فراوانی از قبیل چالش های امنیتی، فرهنگی، سیاسـی و اقتصـادی روبرو هستیم. یکی از بزرگترین چـالش هـا، جنگ سـردی است که توسط آمریکا علیه ملت های در حال رشـد و فقیر از جمله یمن رهبری و هـدایت می شود. امـا با همه این ها اگر یمنی ها با صـداقت و اخلاص، با انصارالله همراه و همگام شوند، راه پیش روی ما بسیار هموار خواهد شد.

ص:۱۶۷

بررسی مقایسه ای انصارالله یمن و حزب الله لبنان

محمد بهرامی (۱)

مقدمه

اوج گیری و نفوذ بیش از پیش جنبش انصارالله یمن، در افکار عمومی داخل کشور و همچنین در عرصه بین الملل، رویکردها و تحلیل های متفاوتی را در پی داشته است. شخصیت رهبران این جریان و نوع مشی این جنبش، باعث شده تا یکی از تحلیل های رسانه ای مطرح، در میان موافقان و مخالفان آن، مقایسه این حرکت اسلامی با حزب الله لبنان باشد.

حزب الله لبنان علی رغم این که صرفاً گروه و تشکیلات بوده و یک نهاد رسمی و سیاسی در دولت نیست، توانسته در معادلات داخلی و منطقه ای این کشور تأثیرگذاری بالایی داشته باشد و با وجود چالش های سنگین و دشمنان سرسختش، موجودیت خود را حفظ نماید. بی تردید عبور از این حجم وسیع چالش ها، مرهون وجود

۱- (۱)) . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم - قم.

ویژگی های خاص حزب الله در عرصه های عقیـدتی، سیاسـی، اجتماعی، نظامی و... است در غیر این صورت، این جریان فاقد این صلابت و موفقیت می بود.

اگر چه مخالفان انصارالله، هم چون آل سـعود و القاعـده، عمدتاً با اعلام خطر و ترغیب مسـلمانان به دشـمنی با انصارالله؛ و نیز برافروختن حساسـیت های جریان عبری، عربی و غربی، به بیان شـباهت های این جنبش با حزب الله می پردازنـد، اما به نظر می رسـد که برای شـناخت بهتر انصـارالله، این مقـایسه لازم است و ملاـک های درستی را به دست خواهـد داد. از این رو در این نوشتار به برخی از مهم ترین این مشابهت ها پرداخته و سعی داریم تا برای موارد مطروحه، مصادیق ملموسی را نیز ارائه دهیم.

قبـل از مقـایسه این دو جریان، بایستی مختصـراً به تعـدادی از زمینه ها و عوامل موجود در یمن و همچنین شـرایطی که منجر به محبوبیت و رشـد انصارالله شد، بپردازیم. یمن کشوری است با موقعیت جغرافیایی مناسب و منابع زیرزمینی سـرشار؛ نزدیکی به دریای سرخ و تنگۀ باب المندب، موقعیّتی ویژه و ژئوپولتیک برای این کشور رقم زده است.

امـا علی رغم اینهـا، یمن کشوری کمتر توسـعه یافته است و جزء فقیرترین های جهان محسوب می شود. برخی از مفاسـدی که در

عرصه سیاست و اقتصاد معاصر یمن دیده می شود در کمتر کشوری به این گستردگی وجود داشته و این مسائل در نوع نگرش، رفتار مردم و نهادهای مردمی و احزاب به حکومت و سیاست بسیار موثر بوده است. مهم ترین این موارد عبارتند از: ضعف و بی کفایتی دولت علی عبدالله صالح در سال های حکومت، وابستگی سیاسی، اقتصادی و فقر فراگیر، نفوذ گسترده قدرت های منطقه ای خصوصاً عربستان سعودی و همچنین تضاد منافع این کشور با رشد و توسعه یمن و...

مطالعه تفصیلی این مسائل برای شناخت اوضاع فعلی یمن و نیز تحلیل شرایط آن و مطالعه رفتارهای تشکل ها و جریاناتی چون انصارالله ضروری به نظر می رسد و لازم است تا به منابع این موضوع مراجعه گردد.

عناصر مشترک میان جنبش انصارالله یمن و حزب الله لبنان

عنصر اوّل: رهبری

رهبری جنبش انصارالله دارای خصوصیات فردی و خانوادگی برجسته ای است که می توان وی را با رهبر حزب الله لبنان مشترک دانست. عبدالملک الحوثی در خانواده ای رشد یافته که هم اهل علم و معنویت بوده اند، هم اهل مبارزه و جهاد؛ هم این که در عرصه فعالیت های فرهنگی و اجرایی ورود داشته اند. مسلماً دارا بودن این

خصوصیات در کنار هم برای تدبیر و مدیریت یک مجموعه، عناصر اثرگذاری خواهد بود. علاوه بر اینها خصوصیات شخصی ایشان در تدبیر، زیرکی و هوشمندی مزید بر علت است. همچنین، صلابت و استواری از دیگر ویژگی های شخصیتی رهبر انصارالله می باشد.

مجموع موارد مذکور در رهبری جریان حزب الله نیز وجود دارد؛ بنابراین این دو شخصیت، در موارد فوق با هم قرابت دارند.

عنصر دوم: اعتقاد راسخ دینی

از مهم ترین خصوصیات اعضای انصارالله و رهبران آنها، اعتقاد راسخ و محکمِ آنها در آموزه های دینی و وعده های الهی است. کسانی که از نزدیک یمنی ها را دیده اند، این موضوع را یکی از خصوصیات برجسته آنان ذکر می کنند. در ارزیابی علل موفقیت جریان انصارالله و حزب الله، قطعاً یکی از مؤلفه های کلیدی که پیش از بقیه به ذهن مبادرت می کند، همین خصوصیت است. البته در این موضوع غالباً نقش رهبران برجسته تر است. تأکید بر صدق وعده الهی، مقاومت و ایستادگی تا بذل جان و هستی و همچنین جان بر کف بودن یکی از ویژگی های مشترک و بارز دو جریان حزب الله و انصارالله می باشد.

ص:۱۷۲

عنصر سوم: انسجام درونی

یکی دیگر از موارد مشابهت انصارالله یمن با حزب الله لبنان، انسجام درونی و تشکیلات منظم این دو گروه است. انصارالله یمن از منسجم ترین گروه های منطقه می باشد. علاوه بر انسجام درونی، بافت قبیله ای موجود نیز به آنها کمک می کند و آنها توانسته اند با سیاست های شمول گرایانه، اهل سنت و سلفی های غیر القاعده را زیر چتر منسجم خود بیاورند. و با این سیاست مهم و کاربردی است که آنها قادر خواهند بود نقشی مثبت در آینده یمن داشته باشند.

عنصر چهارم: جایگاه مردمی و محبوبیت

از مهم ترین علل موفقیت و نیز عناصر مشترک بین انصارالله و حزب الله، جایگاه مردمی این دو جریان است. اساساً می توان این عنصر را از موارد تعیین کننده در بقاء و دوام هر جریان سیاسی دانست. اگر انصارالله صرفاً یک گروه شبه نظامی با تعدادی رزمنده بود، هیچ وقت قدرت تعیین کننده ای در معادلات داخلی یمن نداشت. کما این که در سالیان گذشته، نگاه برخی تحلیل گران به این جنبش همین گونه بود. اما وقایع سال های اخیر نشان داده است که انصارالله از جایگاه مردمی وسیعی برخوردار می باشد. هرچند آمار علمی دقیقی از تعداد طرفداران این جریان وجود ندارد، اما برخی

برآوردهای تخمینی با تمسک به آمار شیعیان، زیدی های یمن و یا جمعیت شرکت کننده در مراسم تشییع شهید حسین الحوثی، آمار چند صد هزار نفری برای نیروها و آمار میلیونی برای موافقان و طرفداران این جنبش بیان می کنند. در پاسخ به سؤال چرایی اقبال مردمی به انصارالله می توان برخی از علل را چنین بر شمرد:

الف. انصارالله؛ تریبونی برای طرح مطالبات مردم: حوثی ها و انصارالله در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی همواره در کنار مردم و صدای مطالبات مردم بوده اند و خود مردم یمن تأکید می کنند که انصارالله همواره صدای مطالبات مردم است. انصارالله در شرایطی که می توانست به راحتی قدرت و یا بخش هایی از حاکمیت را در دست گیرد، از آن اکراه داشت و این مساله باعث اعتماد بیش از پیش مردم به انصارالله و صادق دانستن آن در شعارهای مردمی اش و عدم قدرت طلبی این جریان بود. یمن کشوری فقیر و عقب نگه داشته شده است و برخی آن را فقیرترین کشور منطقه می دانند. این فقر علی رغم وجود منابع سرشار زیرزمینی است، با این حال نفوذ کشورهای منطقه و ضعف مدیران سیاسی و اقتصادی، مانع پیشرفت یمن بوده و انصارالله بزرگترین و جدی ترین گروه معترض به این مسائل است؛ از این رو بسیاری از مردم یمن، انصارالله را منجی آنان از ظلم، فقر و دیکتاتوری

ص:۱۷۴

می داننـد. شـعارهای سه گـانه ای که انصارالله قبل از قیام دوم طرح کرد را می توان یک نمونه از بیان مطالبات همه مردم یمن توسط این جریان دانست. (اسقاط الحکومه الفاسده، اسقاط الجرعه، تنفیذ مخرجات الحوار الوطنی)

یکی از مؤیـدات این موضوع، تظاهراتی است که بعـد از بیداری اول (قبل از ۲۰۱۴) انجام شـد. در این تظاهرات مسالمت آمیز که انصارالله برگزار کننـده آن بود، علاوه بر طرفداران و هواداران انصار الله، بسـیاری از شـرکت کنندگان کسانی بودند که به صورت مسـتقیم در این جنبش عضویت نداشـته و مشـارکت آنها اغلب به این دلیل بود که منافع و خواسـته های مشترکی میان خود و جنبش ملاحظه می کنند.

ب. مردمی بودن رهبران انصـارالله: تصـمیم گیرنـدگان انصـارالله، اغلب افرادی از طبقـات و اقشـار پـایین جـامعه هسـتند که در بحران ها همراه مردم بوده و در تمام فعالیت های مردمی و عمومی مشارکت نموده اند. این در حالی است که کسانی که روند امور جـاری یمن را دنبـال می کننـد، به خوبی از شـکاف میـان رهبران جنبش هـا و احزاب سیاسـی این کشور و مردم عادی و پایگاه مردمی آنها مطلع و آگاه بوده و همواره این سیاستمداران مورد انتقاد مردم بوده اند.

ص:۱۷۵

ج. نگاه شامل به مردم: انصارالله هیچ گاه در مواضع خود، مردم را طبقه بندی نکرده و حتی طرفداران و همفکران خود را از دیگران جدا نمی کند. وحدت و شمولیت شعار همیشگی انصارالله است و طبق اقتضاءات این مفاهیم حرکت می کند و همواره به پرهیز از اقدامات طایفی و قبیله گرایانه هشدار داده است. یکی از نمونه های این موضوع، سخنرانی عبدالملک الحوثی در هنگام تحصن در پایتخت بود که وی از همه درخواست کرد که تحصن به هیچ وجه رنگ و بوی طائفی و فرقه ای به خود نگیرد و وی سخنان خود را متوجه تمامی مردم یمن دانست.

یکی از رموز قدرت و نفوذ سیاسی این گروه، آن است که از پوسته تعصب مذهبی بیرون آمدند و با هرکسی که با اهداف اسلامی آنها همسو باشد، دست برادری می دهند. همان طور که حزب الله و رهبری آن در میان تمام لبنانی ها از موقعیت خاصی برخوردار شده و سیدحسن نصرالله توانسته است در میان تمام اقوام لبنانی شعار مقاومت را نهادینه کند، عبدالملک الحوثی نیز موفق شده تا در میان تمامی یمنی ها؛ از جمله اهل سنت شافعی مذهب، موقعیت ویژه ای پیدا کند. رهبری عبدالملک الحوثی را نه تنها شیعیان زیدی، بلکه اکثریت سنی های شافعی مذهب نیز پذیرفته اند و رهبری جنبش، از این طریق توانسته زمینه های یک جنبش عمومی و فراگیر را شکل

ص:۱۷۶

دهـد و ملت یمن را به صورت منسـجم و یـک پارچه در مقابل حکومت فاسـد و وابسـته، به صـحنه آورد. جالب این که امروز برخی از رهبران انصارالله، سـلفی هسـتند. عربسـتان همواره تلاش دارد، این گونه وانمود نماید که انصارالله شـیعه هستند و تنها ۱۰ درصـد از مردم یمن را نماینـدگی می کننـد، امـا انصـارالله یـک طـائفه خاص را شامل نمی شود، بلکه در این جنبش، اهل سنت هم حضور دارند و بخشی از رهبران کمیته های مردمی را سلفی های وابسته به انصارالله در دست دارند.

د. صـداقت و حسن نیت: یکی از دیگر عوامـل خوشـنامی و محبوبیت جنبش انصـارالله این است که این جنبش در مـدت زمان فعالیت خود، همواره متعهـد به اقدامات مسالمت آمیز و برقراری آرامش برای حل مسائل و قضایای داخلی یمن بوده و به تمام قراردادها و توافقنامه های آتش بسـی که با دولت های یمن امضا کرده، پایبنـد و متعهد بوده و خط نیرنگ و فریب را در پیش نگرفته است. همچنین روش هـای این جنبش برای تحقق مطالبـات و خواسـته هـای خود، روش هـایی روشن و مشـخص است. انصارالله هیچ وقت در پی اقداماتی که جنگ و شـعله ورشدن اختلاف را به دنبال دارد، نبوده و همواره خط مشـی شـرافتمندانه را در تظاهرات مردمی مسالمت آمیز در پیش گرفته که البته قانون اساسی یمن نیز این نوع

ص:۱۷۷

روش را مجاز دانسته و آن را خلاف ضوابط و قوانین عمومی در یمن نمی داند.

همه مواردی که ذکر شد را می توان بر جریان حزب الله نیز تطبیق داد و از آنجا که حزب الله و مشی سیاسی و اجتماعی آن برای غالب تحلیل گران شناخته شده و مشخص است، لازم نبود که در هر کدام از مصادیق لزوماً تطبیق آن بر حزب الله نیز یادآوری گردد.

عنصر پنجم: مشی سیاسی

نوع مشی سیاسی نیز یکی دیگر از وجوه مهم مشابهت و نزدیکی دو جریان مورد نظر است. با دقت نظر می توان موارد متعددی را ذیل این موضوع ارائه داد، ولی ما به چند مورد مختصر اکتفا می کنیم:

الف. تدبیر، حکمت، درایت و حرکت ذیل ظرفیت های معقول سیاسی و مدنی.

یکی از مواردی که در بیان خصوصیات حوثی ها بسیار شنیده می شود، تدبیر و درایت ایشان می باشد که البته این خصوصیت عموم مردم یمن بوده و امری تاریخی است.

انصارالله در بسیاری از موارد، در اعتراضاتی که به دولت داشته، با این که می توانسته با جنگ و مبارزه مسلحانه به اهداف خود نزدیک تر شوند، اما غالباً برنامه ایشان مشی مسالمت آمیز و نرم بوده

است. به عنوان مثال، در درگیری های نظامی شهر عمران، انصارالله توانست در عرض چند روز این شهر را با شکست لشگر ۳۱۰ ارتش یمن، به تصرف خود درآورند، اما انصارالله به دنبال عبور از دولت یمن و تشکیل حکومت نبود، بلکه هدف خود را از جنگ پاکسازی این مناطق از طرافداران جریان تکفیری اعلام کرد. از همین رو، بعد از تصرف این شهر و پایگاه های نظامی، دولت مستقل تشکیل ندادند، بلکه از دولت مرکزی یمن درخواست کردند که با اعزام نیروهای نظامی، ادارات و پایگاه های نظامی را در استان عمران تحویل بگیرد که این کار به مرور در یکی دو هفته صورت گرفت، همچنین انصارالله در راستای نشان دادن حسن نیت خود، اسرای درگیری های عمران را آزاد کرد.

انصارالله همواره عملکرد خود را در چارچوب قانون اساسی یمن دنبال می کند و مانند گروه های تروریستی نیست که فردی را بازداشت کرده و خود حکم اجرا کند. اعضای انصارالله حتی کسانی که یارانشان را کشته اند، پس از دستگیری به دادگاه تحویل می دهد. این گروه حتی در اختلافات محلی نیز مداخله نکرده و این مسائل را به دادگاه های دولتی ارجاع می دهند.

حتی می توان گفت یکی از مواردی که علی رغم اعتراضات شدید مردمی، باعث تداوم حضور علی عبدالله صالح در قدرت شد،

تظاهرات مسالمت آمیز مردم و عدم استفاده آنها از سلاح بود. یمنی ها به حکمت و درایت معروف هستند و کمتر وارد جنگ مسلحانه می شوند، چراکه اگر وارد درگیری گردند، جنگ های خونینی در یمن به راه خواهد افتاد.

در هر صورت، مصادیق بسیاری از این موارد را نیز می توان در مشی سیاسی حزب الله لبنان مشاهده کرد. این جریان نیز فعالیت های خود را در چهارچوب مشخص رسمی، پذیرفته شده و البته با حکمت و درایت، پیش می برد.

همکاری با گروه های مختلف و عدم انحصارگرایی و تمامیت خواهی، تعیین اولویت های عمل و تفکیک مسائل اصلی از فرعی، توجه به زیرساخت های فرهنگی و تربیت نیرو و... برخی از مصادیق دیگر تدبیر، درایت و زیرکی انصارالله و البته حزب الله است که این موارد خود عاملی برای استمرار قدرت جریان های مذکور بوده است.

ب . عدم سهم خواهی و باج خواهی سیاسی: یکی از اتهاماتی که دشمنان انصارالله و عمدتاً رسانه های نزدیک به آل سعود، به این جنبش وارد می کنند، «تلاش برای قبضه کردن قدرت» است و از زمانی که شیعیان یمن با امضای توافقنامه صلح با دولت این کشور، پیروزی بزرگی را کسب کردند، ایراد این اتهام ها به الحوثی ها شدت

گرفت. اما انصارالله عملاً به همه ثابت کرد که در پی این مسئله نیست و هرچند که برای اصلاح سیاسی و رفع مفاسد در امور سیاسی دخالت می کند، اما در پی کسب قدرت و قبض موقعیت های سیاسی نیست. برخی معتقدند انصارالله توانایی در اختیار گرفتن دولت یا حداقل بخشی از آن را داشت، ولی مبادرت به این امر نکرد، و ترجیح داد تا مانند مردم جامعه، نقشی نظارتی و اصلاحی داشته باشد و مستقیم وارد قدرت نگردد.

عبدالملک حوثی چندی قبل، در جریان بیداری دوم یمن و پس از برخی جوسازی های رسانه ای در مورد خطر کسب قدرت توسط انصارالله، رسماً اعلام کرد: «انقلابیون هیچ وقت به دنبال سهم خواهی و اشغال پست های دولتی نبوده اند» وی افزود: «تشکیل فوری دولت، ضروری است و ما تصمیمی برای مشارکت در دولت نداریم. بنابراین جنبش انصارالله همه سمت هایی را که در دولت جدید تحویل خواهد گرفت، به برادران خود در جنوب واگذار خواهد کرد.»

در برنامه سیاسی حزب الله لبنان نیز می توان این عدم تلاش برای قبضه کردن قدرت اصلی سیاسی و عدم تلاش برای در دست گرفتن پست ها و موقعیت های سیاسی به عنوان اصلی ترین برنامه

سیاسی این جریان را دید و این مسئله، نقطه مشترک این دو جریان است.

ج. اهتمام به مسأله فلسطین و تأکید بر مقاومت، استکبار ستیزی و مقابله با حکومت های دست نشانده منطقه و خط ارتجاع: انصارالله همواره در قبال تروریسم صهیونیستی در نوار غزه و کرانه باختری، از فلسطین دفاع می کند و از حامیان همیشگی آن به شمار می رود و در این عرصه، از جمله معدود جنبش های یمنی و عربی است که موضع حامیانه و جانبدارانه ای را در قبال ملت فلسطین در برابر تجاوزات مستمر رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه و کرانه باختری داشته است.

این جریان در طول فعالیت سیاسی خود توانسته است که ارتباطی موفق میان مسائل داخلی، عربی و اسلامی برقرار نموده و بزرگ ترین دلیل این مدعا هم سخنرانی های سید عبدالملک الحوثی، رهبر جنبش انصارالله است که تمام سخنرانی های اخیر خود را از یک سو به حقوق مشروع و برحق یمنی ها؛ از سوی دیگر حقوق غصب شده ملت فلسطین مرتبط کرده است. وی در بسیاری از سخنرانی های خود، به این نکته اشاره دارد که پایه و اساس حل قضایای یمن، قضیه فلسطین است.

سیاست انصارالله علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا، طرفداری از جنبش های مقاومت منطقه، و همراهی با جمهوری اسلامی ایران بوده است. عبدالملک الحوثی، صریحاً موضوع سیاست انصارالله را طرح نموده و اعلام داشته که انصارالله در کنار سوریه، حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران می تواند ضلع چهارم مقاومت باشد؛ وی از اول هم این موضع خود را اعلام نموده و در پیش گرفته است.

به همین دلیل، این جنبش، نقش زیادی در تغییر نگرش مردم نسبت به آمریکا، عربستان سعودی و نیز پشتیبانی از مقاومت داشته است.

عنصر ششم: توان و استراتژی نظامی

سبک نظامی انصارالله نیز از مواردی است که به حزب الله لبنان شباهت های زیادی دارد. استراتژی نظامی کیفی، چریکی و نامنظم از جمله این مشابهت هاست و از همه مهم تر این که جنگ های شش گانه، به حوثی ها خبرگی و پختگی نظامی با ارزشی داده و این امر علاوه بر تجاربی است که رزمندگان انصارالله در جنگ با نیروهای سعودی داشته اند که آخرین آنها نفوذ به عمق ۳۰ کیلومتری اراضی عربستان تا آستانه شهر جازان بوده است.

ص:۱۸۳

خاتمه

آن چه که ذکر شد، برخی از عناصری بود که در بیان مشابهت ها و قرابت های میان دو جریان انصارالله یمن و حزب الله لبنان مبادرت به ذهن می کرد. اما یکی از مواردی که این موضوع را تائید می کند و لازم است که ذکر شود، «الگوگیری انصارالله از حزب الله» و «اعلام پایبندی به محورهای مقاومت منطقه» از سوی انصارالله می باشد که در سال های اخیر از سوی این جریان تأکید بیشتری بر آن شده است. انصارالله از بدو تشکیل، متاثر از افکار امام خمینی(ره) بوده و تحلیل گران معتقدند از نظر سازماندهی نیز الگوی حزب الله را انتخاب کرده اند و این که مقاومت حزب الله و وجهه سیدحسن نصرالله، تاثیر زیادی بر ساختار انصارالله داشته است. جالب این که «سید حسین الحوثی» (اولین رهبر انصارالله که در جنگ اول این گروه با دولت یمن به شهادت رسید)، شعار خود را «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» اعلام کرد و از شروط وی با دولت وقت یمن این بود که با نیروهای مقاومت روابط خوبی داشته باشد، که جمهوری اسلامی ایران، حزب الله و حماس از جمله آنها بوده است.

جنبش انصارالله، همواره حمایت خود از حزب الله اعلام علنی کرده و عبد الملک الحوثی، رهبر آن در سخنرانی خود در مراسم میلاد

حضرت رسول(ص)، به حمایت تمام عیار از حزب الله لبنان پرداخته و تأکید کرد که «حزب الله» با مبارزه خود علیه رژیم صهیونیستی، به همه اعراب، امت اسلامی، مقاومت و لبنان خدمت می کند. چندی پیش نیز خبرنگار روزنامه الدیار لبنان از سید عبد الملك الحوثی سؤال کرد که آیا صحت دارد که شما با «سید حسن نصر الله»، دبیرکل حزب الله لبنان ارتباط دارید؟ وی با رد این موضوع در آن برهه تأکید کرد که حتی اگر این رابطه وجود داشته باشد، این افتخار بزرگی برای او و برای انصارالله می باشد.

ص:۱۸۵

زیدی های سلفی؛ چالش فراروی زیدیه یمن

محمدمهدی عمادی (۱)

مقدمه

از قرن نهم هجری، شخصیت هایی در میان زیـدیان ظهور کردند که از رویکرد اعتزالی و عقل گرایانه زیدیان روی گردانده، به جریان اصـحاب حدیثِ اهل سنت متمایل گشتند و به دنبال آن، جریان زیدیه سلفی در تاریخ زیدیه شکل گرفت. محمد بن ابراهیم، مشـهور به ابن الوزیر (۷۷۵ – ۸۴۰ ق)، نخستین شخصـیت و به نوعی، بنیانگـذار این جریان است که تحت تأثیر شدید اندیشه های پیشوایانِ اصـحاب حدیث و نظریه پردازان سـلفیه قرار گرفت. این جریان، هیچ جایگاهی را برای جریان های عقل گرا در اعتقادات نمی پذیرد و در بیشتر مسائل اعتقادی، نگاهی ظاهرگرایانه دارد.

زیدیان سلفی در فقه نیز تقلید کردن از مذاهب فقهی اربعه و همچنین فقه هادوی(منسوب به امام هادی الی الحق) را مورد نقد

۱- (۱)) . کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

جـدی خود قرار داده، معتقد بودند که باب اجتهاد همچنان مفتوح است و فقها باید بر اساس کتاب و سـنت در فروعات فقهی، رویکردی اجتهادی داشته باشند و تقلید از اجتهادات ائمه مذاهب اربعه و بزرگان فقه را کنار گذارند. تأثیرپذیری زیدیه سلفی از شخصـیت های برجسته سلفیه نظیر ابن تیمیه (۶۶۱ – ۷۲۸ق) و ابن قیم جـوزی (م۷۵۹ ق) تا حـدی است که در میان جریان های سـلفی، زیدیه سـلفی نخستین جریانی است که اندیشه های سـلفی ابن تیمیه را پذیرفت و بر اساس مبانی فکری سـلفیه، در زیدیه نیز ساختارهای اعتقادی خود را ایجاد کرد؛ چراکه پیش از ابن الوزیر، جریان سلفیه پیروانی نداشت.

جریان زیـدیه سـلفی از قرن نهم تا ۱۱ هجری قمری به سـبب فضای به شـدت اعتزالی، در میان زیـدیه دوران نیمه خاموشـی را گذرانـد و محیط مناسبی برای ترویـج، گسترش آن فراهم نشد. اما رفته رفته، با ظهور نظریه پردازان این جریان، مانند حسن بن احمد جلال (۱۰۱۴ – ۱۰۸۴ق)، صالح بن مهدی مقبلی (۱۰۴۰– ۱۱۰۸ق) و ابن الامیر صنعانی (۱۰۹۹– ۱۱۸۲ق)، شارح کتاب هـای ابن الوزیر، دوران جدیـدی در قرن های ۱۱ و ۱۲هجری برای جریان زیـدیه سـلفی شـکل گرفت. این افراد با تألیف آثار متعدد و همچنین تربیت

شاگردان بسیار، در روند گسترش این جریان نقش مؤثری را ایفا کردند.

زیـدیه سـلفی پس از گـذشت یک قرن، در سده سـیزدهم، شاهد رهبری شوکانی، یکی از مجتهدین دوره خود بود. او به دلیل توانایی های علمی و نیز در اختیار داشـتن مناصب حکومتی، جریان زیدیه سلفی را به نقطه اوج شکوفایی خود رساند. شوکانی در بسـیاری از مسائل، یک سـلفی تمام عیار بود تا عالم زیدی؛ از این رو، جریان زیدیه سلفی در این دوره در اعتقادات و فقه، بیش از پیش به سـلفیه و حنابله نزدیک شد و فاصـله آن از زیدیه متشـیع زیاد گشت. جریان زیدیه سـلفیه در دوران معاصـر، با حمایت زیاد مادی و معنوی عربسـتان و جنبش سـلفی وهابیت، در یمن حضور فعالی دارد و تلاش خود را بر محو کردن زیدیه اصیل - که از آن به زیدیه اهل بیتی یا زیدیه معتزلی متشیع یاد می شود - متمرکز کرده است.

در ادامه به معرفی شخصیت های زیدی سلفی پرداخته خواهد شد.

ص:۱۸۹

ابن الوزیر

محمد بن ابراهیم (۱) ملقب به ابن الـوزیر (۸۴۰ – ۷۵۵ق) بنیانگـذار این جریـان است. او از نوادگان هادی الی الحق یحیی بن حسـین، یکی از امامان مطرح زیـدیان یمن می باشـد که در ماه رجب سال ۷۷۵ ق، در منطقه ظهراوین شـظب به دنیا آمد. (۲) وی پس از حفظ قرآن و حدیث، ادبیات عرب، علم اصول، فقه و کلام را به شیوه زیدیان معتزلی مشرب فرا گرفت.

زنـدگی ابن الوزیر را می توان به دو مرحله تقسـیم نمود. نخست، دوره اعتزال گرایی، او که از اساتیدی مانند هادی بن ابراهیم الوزیر، علی بن عبدالله بن ابوالخیر، علی بن محمد بن ابی القاسم ملقب به سید جمال الدین و دیگر اساتید معتزلی مشرب، علوم نقلی و عقلی را به سبک متداول در میان زیدیان آن دوره فرا گرفت.

ص:۱۹۰

۱- (۱)) . محمـد بن ابراهیم بن علی بن مرتضـی بن مفضل بن محمـد بن عفیف بن مفضل بن حجاج بن یحیی بن بن قاسم بن یوسف بن یحیی بن ناصـر بن احمد بن یحیی بن حسـین بن قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

۲- (۲)) . ابن الـوزیر محمـد بن ابراهیم، العواصم و القواصم فی الـذب عن سـنه ابی القـاسم، تحقیق شـعیب الا-رنؤوط، بیروت، موسسه الرساله للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق، چاپ سوم، ج ۱ ص ۱۲.

مرحله دوم، دوره ای است که او به دلایلی از رویکرد اعتزالی رویگردان شد. در این دوره، ابن الوزیر برای ادای فریضه حج راهی حجاز شد. او در این سفر، فرصتی یافت تا در فضای حاکم بر مکه، (که پایگاه حنابله بود) از اساتیدی نظیر شیخ محمد بن عبدالله بن ظهیره، محمد بن ابراهیم معروف به ابوالیمن، علی بن مسعود بن علی بن عبدالمعطی انصاری مکی به کسب علوم حدیث بپردازد و با مبانی ظاهرگرایانه آشنا شود. ابن الوزیر پس از این سفر بود که رفته رفته از طیف غالب زیدیه جدا شد، گرایش به اصحاب حدیث و سلفیه پیدا کرد و علوم عقلی و مبانی آن را کنار نهاد.

او پس از کسب درجه اجازه از اساتید علوم حدیث، به نقد روش بزرگان زیدی که روش عقلی را در کسب معارف الهی اتخاذ نموده بودند، پرداخت. تألیف کتاب العواصم و القواصم فی الذب عن سنه ابی القاسم، در این دوره از سوی ابن الوزیر، نمونه روشنی بر تغییر مسلک وی است. او در این کتاب ضمن نقد روش عقل گرایی متکلمان و فلاسفه، به دفاع از بزرگان اصحاب حدیث (نظیر احمد بن حنبل) پرداخته و باورهای اعتقادی و روش علمی آنها را تبیین کرده است.

ص:۱۹۱

گرایش های سلفی ابن الوزیر

به طور کلی، تمایلات و تأثیرپذیری فراوان ابن الوزیر از سلفیه را می توان در سه محور زیر مورد بررسی قرار داد:

الف) دفاع او از بزرگان اصحاب حدیث: ابن الوزیر برای نشان دادن روی گردانی خود از شیوه عقل گرایی و همچنین گرایش به مبانی ظاهرگرایانه اصحاب حدیث، به دفاع از دیدگاه تشبیه احمد بن حنبل راجع به صفات خدا در برابر علمای زیدیه برخاست و در این زمینه، حتی با استاد سابق خود مکاتباتی را به عنوان رد اتهامات وارده به احمد بن حنبل در باب این دیدگاهش انجام داد. (1)

ب) برخورد انتقادی او با متکلمان: از جمله دلایلی که از تأثیرپذیری زیاد ابن الوزیر از جریان اصحاب حدیث و سلفیه حکایت دارد، برخورد شدید او با متکلمان اسلامی است. او به منازعه علمی با متکلمان معتزلی، زیدی، اشعری و اسماعیلی

۱- (۱)) . ابن الوزیر، محمد بن ابراهیم، الروض الباسم فی الذب عن سنه ابی القاسم، علی بن محمد عمران، عربستان، دارعالم الفوائد للنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۵۹۵؛ همان، العواصم و القواصم فی الذب عن سنه ابی القاسم، بخش شرح حال ابن الوزیر به قلم قاضی اسماعیل اکوع، ج۱، ص۹-۱۰۰.

(باطنی) برآمـده و به نقـد بنیادین مبانی و روش آنها در بیشتر تألیفات خود پرداخته و معتقـد است: پیدایش فرقه های کلامی و اختلاف نظرات متکلمـان، منجر به تفرقه میـان مسـلمانان شـده است؛ از این رو ادعـا می کنـد که دلیل مخالفتش با گروه های کلامی و متکلمـان، به وجود آمـدن تفرقه میـان مسـلمانان می باشـد. این در حـالی است که ابن الوزیر، خود به دفاع از جریان اصحاب حـدیث و سـلفیه به عنوان یکی از فرقه هـا پرداخته و انـدیشه های اعتقادی او بر گرفته از تفکرات اصحاب حـدیث و سلفیه است. (۱)

ج) پیروی از انـدیشه و مبـانی سـلفی ابن تیمیه: یکی دیگر از مواردی که بازتـاب تأثیرپـذیری ابن الوزیر از مبـانی سـلفیه است، پیروی او از انـدیشه و مبـانی فکری بزرگان سـلفیه چون ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ ق) و ابن قیم جـوزی (م۷۵۹ ق) است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد، ابن الوزیر به کتاب های ابن تیمیه

۱- ((۱)) . ر.ک: ابن الوزیر، العواصم و القواصم فی الذب عن سـنه ابی القاسم(ص)، ج۳، ص۳۴۰-۳۷۰؛ همان، ترجیح اسالیب القرآن علی اسـالیب الیونـان، قاهره، مطبعه القاهره، ۱۳۴۹ق، ص۵۰ و ۷۵؛ همـان، إیثـار الحق علی الخلق فی رد الخلافـات إلی المذهب الحق من اصول التوحید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق، ص۱۰ و ۱۲۸.

دسترسی داشته و بر مبانی فکری سلفیه نیز مسلط بوده است. ابن الوزیر حتی در برخی موارد، بدون هیچ تفاوتی، از ادبیات ابن تیمیه در اثبات ادعاهای خود استفاده کرده است. به عنوان نمونه، او در مسأله اسما و صفات، از دو اصل و قواعد پنجگانه ای که ابن تیمیه در «الرساله التدمریه» در باب این مسأله بیان کرده، با کمترین تفاوتی در کتابش استفاده نموده و خود در ابتدای تبیین این مسأله از «الرساله التدمریه» یاد کرده است. (۱)

هم چنین ابن الوزیر تصریح کرده که از آثار و اندیشه های ابن تیمیه بهره برده است. او در موارد متعددی در کتاب هایش از ابن تیمیه با لقب شیخ الاسلام، شیخ الحنابله و در پاره ای موارد، با لقب الشیخ نام برده و از برخی آثار او نظیر «منهاج السنه» و «الرساله التدمریه» یاد نموده است. (۲) وی در پرورش شاگردان خود همواره از تدریس

۱- (۱)) . ابن تیمیه، الرساله التدمریه، ص۱۵،۴۹؛ ابن الوزیر، العواصم و القواصم فی الذب عن سنه ابی القاسم(ص)، ج۴، ۱۲۰-۱۶۳؛ همان، ایثار الحق علی الخلق فی رد الخلافات إلی المذهب الحق من اصول التوحید، ۹۱ و۹۲؛ همان، ترجیح اسالیب القرآن علی اسالیب الیونان،ص۱۴۲ به بعد.

۲- (۲)) . برای نمونه ر.ک: العواصم و القواصم فی الذب عن سنه ابی القاسم(ص)، ج۲، ص۵۷، ج۳، ص۴۵۲، ج۴، ص۴۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۵۹، ج۵، ص۱۳، ۱۸، ۵۲، ۶۵، ۶۸، ۸۳.

کتاب های ابن تیمیه غافل نبوده و آنها را با مبانی فکری اصحاب حدیث اهل سنت و سلفیه آشنا کرده است. (۱)

اهتمام ابن الوزیر به نشر تفکرات سلفی و آثار ابن تیمیه در میان زیدیه، نه تنها جریان زیدیه سلفی را به یکی از اصلی ترین جریان های سلفیه تبدیل کرد، بلکه آن را به سبب تقدم تاریخی، از دیگر جریان های سلفی متمایز ساخت؛ چراکه با پیدایش زیدیه سلفی در قرن نهم هجری، این جریان به عنوان نخستین جریان سلفی در نشر مبانی سلفیه ابن تیمیه قلمداد شد. این درحالی است که تا پیش از آن، اندیشه های ابن تیمیه مدافعان جدی نداشت. (۲) زیدیه سلفی تا قرن دوازدهم هجری، تنها وارث مبانی سلفی ابن تیمیه بوده و مکتب سلفیه را تا ظهور بنیانگذار سلفیه تکفیری، یعنی محمد بن عبدالوهاب تداوم بخشید.

جریان زیدی سلفی در دو قرن نهم و دهم هجری، در میان اندیشمندان زیدی پیروان چندانی نداشت. سده ۱۱ و۱۲ قمری، دوران جدیدی برای جریان زیدیه سلفی به شمار می آید. در این

۱- (۱)) . شوکانی، البدر الطالع، ج۲، ۴۰۹.

۲- (۲)) . ر.ک: فرمانیان، مهدی، «سلفیه و تقریب»، هفت آسمان، شماره۴۷، قم، ۱۳۸۹ش، ص۲.

دوره، شخصیت هایی در میان عالمان زیدی ظهور کردند که هر کدام به سهم خود نقش بسزایی در گسترش جریان زیدیه سلفی داشته اند. این افراد با احیا آثار و اندیشه های سلفی ابن الوزیر، فضای حاکم بر جامعه علمی زیدیان را با این جریان بیشتر آشنا کردند. شاید بتوان گفت، در جامعه علمی زیدیانِ یمن (که تا این دوره همچنان رویکرد اعتزالی خود را حفظ کرده بود و اجازه ورودِ گسترده به اندیشه های ظاهرگرایی را در مدارس یمن نمی داد) با ظهور اندیشمندان برجسته زیدیه سلفی، چون حسن بن احمد جلال (۱۰۱۴- ۱۰۸۴ق)، صالح بن مهدی مقبلی (۱۰۴۰ - ۱۱۰۸ق)، ابن الامیر صنعانی (۱۰۹۹-۱۱۸۲ق) و شاگردان مکتب سلفی آنها در سده ۱۱ و ۱۲ قمری، فضایی هر چند محدود، برای نشر و گسترش اندیشه های این جریان ایجاد شد. در این میان، صنعانی را به سبب شرح آثار ابن الوزیر، می توان به عنوان دومین شخصیت برجسته این جریان پس از ابن الوزیر، به شمار آورد. دوره ابن الامیر یکی از مهم ترین دوران مکتب سلفیه به شمار می رود؛ چرا که در این دوره، وهابیت به عنوان دومین جریان سلفیه از نوع وهابیت تکفیری آن، به رهبری محمد بن عبدالوهاب در عربستان ظهور می کند. ابن الامیر نیز که رهبری جریان سلفی اعتدالی یا به تعبیری، جریان زیدیه سلفی را در این دوره در یمن به عهده دارد، تعاملاتی را با محمد بن عبدالوهاب داشته است؛ اما تفکر سلفی او اعتدالی بوده و این

ص:۱۹۶

موجب شد تا تعامل این دو جریان، در چارچوب تفکرات اساسی سلفیه که توسط ابن تیمیه بنیان نهاده شده، محدود گردد.

ابن الامیر صنعانی

محمد بن اسماعیل صنعانی (۱) ملقب به ابن الامیر، از نوادگان یحیی بن حمزه از نسل امام حسن مجتبی (علیه السلام) در شهر کحلان، واقع در شمال غربی یمن، به دنیا آمد. او نزد استادان زیدیه ادبیات عرب، علم بلاغت و اصول فقه را در صنعا فرا گرفت و برای اولین بار در سال ۱۱۱۲ قمری به سرزمین وحی مسافرت کرد؛ وی در مدت اقامت خود در مدینه منوره، با اصحاب حدیث آشنا شد و نزد آنها به تحصیل در علوم حدیث پرداخت. (۲)تأثیرپذیری او از اصحاب حدیث به حدی بود که به وی لقب امیرالمؤمنین در حدیث دادند.

۱- (۱)) . محمد بن اسماعیل بن صلاح بن محمد بن علی بن حفظ الدین بن شرف الدین بن صلاح بن حسن بن مهدی بن محمد بن ادریس بن علی بن محمد بن احمد بن یحیی بن عبدالله بن حسین بن قاسم بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام)

۲- (۲)) . ابن الامیر صنعانی، محمد بن اسماعیل، توضیح الافکار لمعانی تنقیح الانظار، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مدینه منوره، مکتبه السلفیه، ۱۳۶۶ق، ج۲ ص ۳۵۲. شوکانی محمد بن علی، البدرالطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، بیروت، دارالمعرفه، چاپ افست، بی تا، ج۲ ص ۱۳۳

او مانند ابن الوزیر در بسیاری از آثارش از مبانی اعتقادی و روش علمی بزرگان سلفیه، نظیر ابن تیمیه و ابن قیم استفاده کرده و مبانی زیدیه هادوی معتزلی را مورد نقد قرار داده است. (۱)

ابن الامیر مانند ابن الوزیر در اثبات وجود خدا از براهین فطرت، آفاق و انفس استفاده کرده و دلایل عقلی را نپذیرفته است. (۲) او در اسما و صفات الهی بر اساس مبانی ظاهرگرای سلفیه پیش رفته و معتقد است که اسماء و صفات الهی باید بر ظاهر خود حمل شوند. (۳) صنعانی هرگونه تأویل در اسماء و صفات را جایز ندانسته و معتقد است که باید به ظواهر کتاب و سنت ایمان داشت.

او دلیل این اعتقاد را دیدگاه صحابه دانسته و در این باره می نویسد:

«صحابه این صفات را شنیدند و به واسطه این صفات، خدا را مدح کرده، بدون این که آن را تأویل کنند و این گونه نگفتند که از اثبات

ص:۱۹۸

۱- (۱)) . ر.ک: ابن الامیر صنعانی محمد بن اسماعیل، منحه الغفار علی ضوء النهار، صنعاء، مکتبه غمضان لاحیاء التراث الیمنی، ۱۹۸۱م، ج۱ ص ۶۷

۲- (۲)) . همان، ایقاظ الفکره لمراجعه الفطره، تحقیق محمد صبحی بن حسن حلاق، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق، ص ۴۲-۳۳

۳- (۳)) . همان، ص ۷۷ - ۷۶.

صفت سمیع، گوش برای خدا لازم آمده و از صفت بصیر، چشم برای او لازم می آید». (1)

ابن الامیر در تبیین تمسک جستن صحابه به ظواهر کتاب و سنت، به گفته های هروی (2)(م۴۸۱ق) و نووی (3) (م۶۷۶ق)، از علمای اصحاب حدیث، استناد کرده است. در این زمینه، هروی و نووی تأکید کرده اند که سلف صالح بدون تأویل آیاتِ دالِ بر اسماء و صفات خداوند، به ظاهر آنها ایمان داشته و از هرگونه اظهار نظر درباره معنای آن آیات اجتناب می کردند. (4)هر چند دیدگاه صنعانی و بزرگان اصحاب حدیث و سلفیه در باب نفی تأویل به تشبیه و تجسیم منجر می شود، اما او هم چون بزرگان سلفی پیش از خود، مخالف تشبیه، تجسیم و تعطیل است. صنعانی در عین دفاع از دیدگاه سلفیه در اسماء و صفات، به نقد آراء متکلمان پرداخته و می نویسد:

۱- ((۱)) . همان، ص۷۸-۸۲.

۲- ((۲)) . ابواسماعیل عبدالله بن محمد بن علی انصاری هروی.

۳- ((۳)) . ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف نووی.

۴- ((۴)) . همان؛ نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق، ج۱۷، ۱۸۲ و ۱۸۳؛ هروی، عبدالله انصاری، منازل السائرین، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ص۱۲۶.

«... برخی صفات خدا را نفی و برخی دیگر آن را اثبات کرده اند و در میان گروه دوم، برخی تمام صفات و گروه دیگر برخی از صفات را اثبات کرده اند...» (۱).

یکی از نکات قابل توجه، تأمل در دیدگاه های اعتقادی صنعانی، نگاه سلفی او در باب شرک است. او شرک را تنها عبادت و پرستش غیر خدا ندانسته، بلکه با استناد به گفته های ابن تیمیه و ابن قیم، هرگونه توسل، تبرک جستن و بوسیدن قبر را بدعت شمرده و استغاثه و توسل به غیر خدا را از مصادیق شرک دانسته است. (۲) ابن الامیر کسانی که به غیر خدا استغاثه و توسل کرده و برای اولیا نذر می کنند را قبرپرست توصیف کرده و درباره برخورد با آنها می نویسد:

«... در مرتبه اول باید آنها را به یکتاپرستی فراخواند و اعتقادشان را برایشان روشن کرد و به آنها فهماند که زیارتگاه مرده و ولّی به آنها سود و زیانی نمی رساند و آنها را از خداوند بینیاز نمی کند. سپس کسی که دست از این کار کشید و توحید را آن چنان که شایسته

۱- (۱)) . ابن الامیر صنعانی، پیشین، ص۹۲.

۲- (۲)) . همان، الانصاف فی حقیقه الاولیاء و ما لهم من الکرامات و الالطاف، تحقیق عبدالرزاق بن عبدالمحسن بن حمد البدر، عربستان، الخُبر، العقربیه، دار ابن عفان للنشر و التوزیع، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱۷-۱۰۹

است، پـذیرفت، جان و مالش محترم خواهد ماند... در غیر این صورت، چنان چه بر عمل خود پافشاری کند، شایسته است آن چه خداوند بر رسولش در برخورد با مشرکان روا داشت، در برخورد با قبرپرستان نیز انجام شود». (۱)

اگرچه صـنعانی هم چون ابن تیمیه، مفهوم شرک را توسعه داده و با توسل و استغاثه به غیر خدا، به شدت مخالفت کرده است، اما این نگاه او صـرفاً در وادی نظری بوده و در مرحله عملی، هیـچ گاه معتقد به تکفیر و اباحه خون افرادی که مرتکب آن چه او آن را از مصادیق شرک می دانسته، نبوده است؛ برخلاف محمد بن عبدالوهاب، معاصر او، که همواره با نگاه تکفیری خود، ضمن کـافر دانسـتن افرادی که به بزرگـان دین توسل کرده و به زیارت قبور اولیای الهی می رونـد، با ریختن خون مسـلمانان، غارت اموال و ناموس آنان، جنایات تاریخی را به نام خود ثبت کرد.

از این رو صـنعانی با شـنیدن جنایات او به شدت از او تبری جست و معتقد بود که او بسیار جاهل بوده و حتی دیدگاه های ابن تیمیه راجع به بدعت و شرک را به درستی نفهمیده است. در نتیجه، می توان

۱- (۱)) . همان، ص۱۴.

گفت که صنعانی علی رغم تأثیرپذیری شدید از سلفیه، همواره نگاهی اعتدالی را در پیش گرفته است. (۱)

دوره گسترش جریان زیدی سلفی، با ظهور محمد علی شوکانی در قرن سیزدهم هجری، وارد مرحله جدیدی از اوج شکوفایی خود می می شود.

محمد بن علی شوکانی

شوکانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ق) یکی از مهم ترین شخصیت های برجسته زیدیه سلفی در قرن ۱۳ قمری است. گرایش شدید او به سلفیه تا حدی است که برخی پژوهشگران معتقد هستند که شوکانی پیش از آن که زیدی باشد، یک سلفی تمام عیار است.

او در سایه بهره گیری از اساتید بزرگ دوران خود، همچون عبدالقادر بن احمد کوکبانی، به تحصیل علوم رایج نزد سلفیه پرداخت. وی با مطالعه آثار بزرگان زیدیه سلفی پیش از خود، نظیر ابن الوزیر، مقبلی و ابن الامیر صنعانی، با مبانی آنها آشنا شد و رفته

۱- (۱)) . صنعانی، دیوان الامیر الصنعانی، علی سید صبح المدنی، قاهره، مطبعه المدنی، ۱۳۸۴ق، ص۱۳۴ و ۱۳۵.

رفته با تسلط بر مبانی سلفیه، به یکی از شخصیت های برجسته زیدی سلفی در دوره خود تبدیل شد. (۱)

شوکانی بر اساس مبانی سلفی ابن الوزیر و ابن الامیر صنعانی، تنها با تکیه بر ادله نقلی به اثبات وجود خدا و توحید ربوبی پرداخته و در این باب، مبانی عقلی را نمی پذیرد؛ او در عین حال به نقد روش متکلمان در توحید پرداخته است. شوکانی قواعد تدوین شده در علم کلام را ناچیز شمرده، چرا که از نظر او «علم کلام مبتنی بر پرتگاهی از دلایل عقلی است که جز با ادعای صرف و افتراهایی که منطبق بر هوای نفسانی است، قابل اثبات نیست». (۲)شوکانی درباره رویکرد عقل گرایانه متکلمان می نویسد:

«با تحقیق درباره مسائل کلامی که غالباً مبتنی بر دلالت های عقلی است، می توان باور داشت که آنها غیر عقلی هستند. اگرچه هر گروهی گمان دارد عقل به آن چه که او به آن دست یافته و معتقد شده، حکم می کند؛ تا آنجایی که یکی معتقد به چیزی است و

۱- ((۱)) . شوکانی، محمد علی، البدر الطالع، ج۲، ص۲۱۹؛ جندی، مصطفی عبدالحلیم، «الامام الشوکانی داعیه الاجتهاد و التجدید»، منبرالاسلام، سال ۵۳، شماره۵، قاهره، جمادی الاولی ۱۴۱۵ق، ص۷۴- ۷۸؛ صدیق حسن خان، محمد، تاج المکلل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق، ص ۳۱۰.

۲- ((۲)) . شوکانی، ادب الطلب و منتهی الأرب، ص۱۴۶.

دیگری معتقـد به نقیض آن و هر کدام از آن دو، مدعی اند که عقل به آن چه آنها معتقداند، حکم می کند در حالی که عقل صحیح و سالم با آن چه که خداوند در فطرت انسان نهاده، مغایرت ندارد...». (۱)

نگاه سـلفی شوکانی در مسأله توحید و شـرک نیز کاملاً پر رنگ جلوه می کند. او رساله های متعددی را در این باب بر اساس مبانی سـلفیه تألیف کرده که از جمله آنها می توان از «الدر النضـید فی اخلاص کلمه التوحید» و «شرح الصدور فی تحریم رفع القبور» نام برد.

این در حالی است که شوکانی در مسأله شـرک به شـدت با زیارت قبور برخورد کرده و دیـدگاه به شدت سـلفی خود را ابراز کرده است. (۲)او حتی اسـتغاثه به پیـامبر(ص) پس از وفـات ایشان را از مصادیق شـرک دانسـته، در این مورد به آیه ۴۹ سوره یونس اسـتناد کرده است. او اعتقـاد دارد، خداونـد در این آیه به پیامبر(ص) امر کرده که به مردم بگویـد، او مالک هیـچ گونه نفع و ضرری نیست. (۳)

۱- (۱)) . همـان، الرسائـل السـلفیه فی احیـاء سـنه خیر البریه، رسـاله کشف الشـبهات عن المشـتبهات، قـاهره، مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق، ص۸۳ و ۸۴.

۲- (۲)) . شوکانی، الرسائل السلفیه فی احیاء سنه خیر البریه، رساله الدر النضید فی اخلاص کلمه التوحید، ص۸۱ و ۸۲.

۳- (۳)) . همان، فتح القدیر، دار ابن کثیر، بیروت، دمشق دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۵۱۱.

اما وی در باب توسل بر خلاف دیدگاه سلفیان، آن را منحصر به توسل به پیامبر اکرم(ص) ندانسته، بلکه با استناد به روایت توسل و دعای طلب باران عمر از عباس عموی پیامبر(ص) (که در کتاب های حدیثی اهل سنت آمده) (۱) توسل به غیر پیامبر(ص) را نیز جایز دانسته است. (۲)

نتیجه

بدون شک جریانی که توسط محمد بن ابراهیم الوزیر در قرن نهم بنیان نهاده شد، به سبب اختلاف بنیادین با ساختارهای فکری و چارچوب نظری عقل گرایانه زیدیه، از همان ابتدا با مخالفت های جدی روبرو بود. عالمان زیدی معتزلی مشرب هرگز نپذیرفتند

۱- (۱)) . ابن حجر ابوالفضل عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق، ج۲، ص۴۹۷، حدیث۱۰۱۰؛ هاشمی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۸م، ج۳، ص۳۲۲؛ بیهقی، احمد بن حسین بن علی بن موسی، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق، ج۳، ص۴۹۱.
۲- (۲)) .شوکانی، الرسائل السلفیه فی احیاء سنه خیر البریه، رساله الدر النضید فی اخلاص کلمه التوحید، ص۸۱ ،۸۲، ۱۷۳ و۱۷۴.

رویکرد تعقلی خود را کنار نهاده؛ به نگاه ظاهر گرایانه اصحاب حدیث و سلفیه روی آورند. از این رو همواره نسبت به این جریان، نگاهی منفی داشته و اجازه طرح اندیشه های سلفی را در محافل علمی نمی دادند.

از سوی دیگر، جریان زیدیه سلفی به سبب قرار گرفتن در تنگنا در قرن نهم و دهم قمری، مسیر آرامی را در پیش گرفت. اما رفته رفته، فضای مناسبی برای آن ایجاد شد، به صورتی که در قرن ۱۱ و ۱۲ قمری با ظهور شخصیت های برجسته، سرنوشت خوبی برای این جریان رقم خورد و اندیشمندان زیدیه سلفی تلاش خود را برای گسترش اندیشه های سلفی، دو چندان کردند. اما هیچ یک از این دوره ها با قرن ۱۳ قمری یعنی دوره ظهور شوکانی قابل مقایسه نیست.

انتساب شوکانی به منصب قضاوت، فرصتی را فراهم آورد تا وی با استفاده از مصونیت سیاسی به تبیین، گسترش و ترویج چشمگیر اندیشه های سلفی که از بزرگان زیدیه سلفی به ارث برده بود، بپردازد. تألیف حدود ۳۰۰ اثر در فقه، اصول، رجال، اعتقادات، تفسیر و... آن هم بر اساس مبانی فکری سلفیه و تربیت شاگرد، از

گام های بزرگ شوکانی است که توانست جریان زیدیه سلفی را به نقطه ی اوج خود برساند. (1)

جریان زیدیه سلفی در دوران معاصر همواره با حمایت مادی و معنوی عربستان همراه بوده و در سایه این حمایت ها، توانسته است تا مدارس دینی و مؤسسات متعددی را در یمن ایجاد نماید. نتیجه این حمایت ها بدان منجر شده که زیدیه سلفی بیش از پیش به سلفیه وهابی قرابت پیدا کنند.

در این میان، زیدیان اصیل که با عنوان زیدیان اهل بیتی نیز از آنان یاد می شود، پس از سقوط دولت امامان زیدی و به روی کارآمدن جریان های ناسیونالیستی و چپ در یمن شمالی و جنوبی و همچنین دوره اتحاد دو یمن (که با ریاست جمهوری علی عبدالله صالح همراه بود) همواره در خفقان سیاسی، اجتماعی به سر می بردند. نتایج حاصل از سیاست های انقباضی رژیم سابق یمن علیه زیدیان، چیزی جز حذف مذهب زیدیه به عنوان تنها مذهب رسمی و به رسمیت یافتن مذهب اهل سنت در این کشور، تعطیلی مدارس زیدی، ترویج سلفی گری و وهابیت در سطح گسترده و

۱- ((۱)) . ر.ک: همان، ص۱۵۴-۱۶۱؛ برای اطلاع بیشتر درباره جریان زیدیه سلفیه ر.ک: عمادی محمد مهدی، تأثیرپذیری زیدیه از سلفیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲ ش.

همچنین واگذاری اداره اوقاف، وزارت آموزش و پرورش به جریان منتسب به وهابیت و تدوین سیاست های آموزشی و پرورشی در یمن توسط این جریان نبود. (۱)

نبودن فضای مناسب برای زیدیان (اصیل) جارودیه، موج روی گردانی از این مذهب را از دهه های نخست قرن ۲۰ میلادی تا ابتدای قرن ۲۱ میلادی به دنبال داشت به طوری که بسیاری به مذهب شافعی و وهابیت روی آوردند وگروهی هم به کلی از مذهب روی گردان شدند، و اقلیتی هم مذهب امامیه را پذیرفتند. (۲)

منابع

ابن الوزیر، محمد بن ابراهیم، العواصم و القواصم فی الذب عن سنه ابی القاسم، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، موسسه الرساله للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق، چاپ سوم.

-------------------------، الروض الباسم فی الذب عن سنه ابی القاسم، علی بن محمد عمران، عربستان، دارعالم الفوائد للنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ق.

۱- (۱)) . مصاحبه با دکتر عصام العماد.

۲- (۲)) . سید علی موسوی نژاد، مقاله «آشنایی با یمن و زیدیه در دوران معاصر»، ص۵۴.

-----------------------، ترجیح اسالیب القرآن علی اسالیب الیونان، قاهره، مطبعه القاهره، ۱۳۴۹ق.

-----------------------، إیثار الحق علی الخلق فی رد الخلافات إلی المذهب الحق من اصول التوحید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.

ابن الامیر صنعانی، محمد بن اسماعیل، توضیح الافکار لمعانی تنقیح الانظار، محمد محیی الدین عبدالحمید، مدینه منوره، مکتبه السلفیه، بی تا.

-----------------------، منحه الغفار علی ضوء النهار، صنعاء، مکتبه غمضان لاحیاء التراث الیمنی، ۱۹۸۱م.

-----------------------، ایقاظ الفکره لمراجعه الفطره، محمد صبحی بن حسن حلاق، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق.

-----------------------، الانصاف فی حقیقه الاولیاء و ما لهم من الکرامات و الالطاف، عبدالرزاق بن عبدالمحسن بن حمد البدر، عربستان، الخُبر، العقربیه، دار ابن عفان للنشر و التوزیع، ۱۴۱۸ق.

-----------------------، دیوان الامیر الصنعانی، علی سید صبح المدنی، قاهره، مطبعه المدنی، ۱۳۸۴ق.

شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

ص:۲۰۹

-----------------------------، الرسائل السلفیه فی احیاء سنه خیر البریه، رساله الدر النضید فی اخلاص کلمه التوحید، قاهره، مکتبه ابن تیمیه،۱۴۱۱ق.

-----------------------------، رساله شرح الصدور فی تحریم رفع القبور، قاهره، مکتبه ابن تیمیه،۱۴۱۱ق.

-----------------------------، رساله کشف الشبهات عن المشتبهات، قاهره، مکتبه ابن تیمیه،۱۴۱۱ق.

-----------------------------، فتح القدیر، دار ابن کثیر، بیروت، دمشق دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.

-----------------------------، ادب الطلب و منتهی الأرب، عبدالله یحیی سریحی، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق.

عمادی، محمد مهدی، تأثیرپذیری زیدیه از سلفیه، پایان نامه کارشناسی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲ ش.

فرمانیان، مهدی، «سلفیه و تقریب»، هفت آسمان، شماره۴۷، قم، ۱۳۸۹ش.

ص:۲۱۰

نشست «بررسی تحولات سیاسی یمن»

[۱] (۱) .

دکتر سید علی موسوی نژاد (۲)

پیدایش زیدیه در یمن

زیدی ها از قرن سوم هجری در یمن حضوری فعال داشتند. این حضور، به زمان غیبت صغری برمی گردد. از اواخر قرن سوم، خاندان سادات حسنی، پایه گذار سلسله ای از حاکمان زیدی در مناطق شمالی یمن و به صورت مشخص تر، در استان صعده هستند. زیدیان سنتی، عمدتاً در مناطق شمالی یمن ساکن هستند. حکومت زیدیه در یمن فراز و نشیب هایی داشته است؛ در برخی زمان ها قدرت را از دست دادند، ولی به صورت اجمالی، در طول یازده قرن؛ یعنی از قرن سوم تا قرن چهاردهم هجری قمری، قدرت سیاسی در کشور یمن در اختیار زیدیه بوده است.

۱- (۱)) . این نشست در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۷ به همت گروه مطالعات راهبردی معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام با حضور کارشناسان و مسئولان مجمع برگزار شد.

۲- (۲)) . عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

در قرن دهم هجری قمری، تهاجم ترکان عثمانی به شبه جزیره عربی، موجب سقوط دولت زیدیه در یمن شد. برای همین، در طی چند دهه، یمن ضمیمه حوزه تسلط و سلطنت عثمانی گردید؛ ولی در اوایل قرن یازدهم قمری، زیدی ها، عثمانی ها را کنار زدند و امامانی از زیدیه دوباره به قدرت بازگشتند. اما در اواخر قرن سیزدهم، برای بار دیگر، عثمانی ها قدرت را در یمن به دست گرفتند. در ادامه طولی نکشید که خاندانی از سادات حسنی، به نام «حمیدالدین»، برای بار دوم، موفق شد که عثمانی ها را از یمن به سمت حجاز عقب زده و دوباره حکومت زیدی ها را احیاء نماید.

دوره معاصر (امامت خاندان حمیدالدین)

مطالعه دوره معاصر زیدیه یمن را باید از امامت خاندان حمیدالدین در یمن شروع کرد. به صورت مشخص، از سال ۱۳۰۷ هجری قمری که این توفیق جدید به دست آمد، به مدت هفتاد و پنج سال یعنی تا سال ۱۳۸۲ هجری قمری، این خاندان در یمن حاکم بودند. جد، پدر و بالاخره پسر، سه نسل حکومت کردند که مقتدرترین آنها، «المتوکل علی الله یحیی حمیدالدین» بود که اسم یمن را نیز «المملکه المتوکلیه الیمنیه» گذاشت. وی حاکم قدرتمندی بود و عملاً یمن را به صورت یک پادشاهی از همان خاستگاه مذهب زیدی به عنوان امام زیدیه اداره می کرد.

ص:۲۱۲

انقلاب سال ۱۹۴۸ میلادی در یمن

یکی از مهم ترین حوادث در طول ۷۵ سال حکومت خاندان حمیدالدین، انقلابی است که در سال ۱۹۴۸ میلادی بر ضد حکومت این خاندان انجام شد و باترور امام متوکل یحیی در سال ۱۹۴۸ میلادی به حکومت طولانی وی بر یمن پایان داد. انقلاب سال ۱۹۴۸، نقطه عطفی برای شناخت جریان های امروز یمن است. به این انقلاب «الثوره الدُستوریه» یا «ثوره العلماء» گفته می شود. خاندان الوزیر رهبری این انقلاب را به عهده داشتند. آل وزیر خاندانی از سادات زیدی و قدیمی هستند که انقلاب آنها انقلابی درون زیدی بوده که با کمک اخوان المسلمین مصر، انقلاب را رقم زدند. در انقلاب سال ۱۹۴۸ میلادی رد پای پررنگ «حسن البناء» و اخوان المسلمین مصر در این انقلاب قابل مشاهده است. چون درحال حاضر با «حزب التجمع الیمنی للاصلاح»، (اخوانی ها) و سلفی هایی در یمن مواجه هستیم که خودشان نیز ابایی ندارند که بگویند، ما از ۱۹۴۸ اصلاحات را در یمن شروع کردیم. این انقلاب با ترور «امام متوکل یحیی حمیدالدین» آغاز شد، ولی طولی نکشید که فرزند او «الناصر لدین الله احمد حمیدالدین» از تَعِز، (که فرماندار آنجا بود) حرکت کرد و انقلابیون(یعنی خاندان آل وزیر) را در صنعاء شکست داد و امامِ خودخوانده آنها به همراه نخست وزیری که اعلام کرده بودند را اعدام کرد.

ص:۲۱۳

بنابراین، انقلاب سال ۱۹۴۸ میلادی شکست خورد، و «ناصر احمد حمیدالدین» به عنوان سومین امام سلسله حمیدالدین سر کار آمد. اما «احمد حمید الدین» همان روش اقتدارگرایانه پدر را ادامه داد. در حالی که آن اقتدار و کاریزمای پدر را هم نداشت. ناصر احمد توانایی لازم را برای جمع کردن قبایل و مشکلاتی که برای او به وجود آمده بود را نداشت. لذا در نهایت پس از چهارده سال، یعنی تا سال ۱۹۶۲ میلادی حکومت احمد ناصر ادامه پیدا می کند.

انقلاب سپتامبر سال ۱۹۶۲ میلادی

در ۱۹۶۲م «ناصر احمد» ظاهراً به مرگ طبیعی از دنیا رفت و قرار بود پسرش «محمد البدر» امام زیدیه شود. در این مقطع، شاهد فعالیت جدی جریان های سکولار و نظامیان تحت تأثیر جمال عبدالناصر با گرایش های ناسیونالیسم عربی هستیم. این جریان ها انقلاب سال ۱۹۶۲ میلادی یا همان انقلاب سپتامبر را رقم زدند. این انقلاب در اصل حرکتی کودتایی بود که به امام جوان زیدی اجازه به قدرت رسیدن را نداد و امام زیدیه صنعاء را از دست داد. ولی تا چند سال زیدی ها و قبایل مناطق همدان، از صنعاء تا مرز سعودی با جمهوری خواهان و رئیس جمهور خودخوانده آنها؛ «عبدالله سلال» می جنگیدند. عربستان که در ابتدا از زیدیان حمایت می کرد، نهایتاً تا سال ۱۹۶۶ – ۶۷ دیگر که تقریباً کار فیصله پیدا کرد؛

عربستان از حمایت زیدیان دست برداشت. و به نوعی قبایل زیدی این منطقه را خرید و یک خیانت اتفاق افتاد. یعنی در درگیری های آن زمان، در حالی که جمهوری خواهان بر صنعاء مسلط شده و از امام زیدیه خلع ید کرده بودند و خاندان حمیدالدین و قبایل طرفدارشان همچنان در مناطق شمالی یمن مقاومت می کردند. با چرخش عربستان «حاشد» و «آل احمر» که رهبران حاشد بودند، خیانتی قبیله ای را رقم زدند و بعداً با سکولارها و ارتش سکولار ناسیونالیستی که روی کار آمده بودند، در قدرت شریک شدند. ارتش مصر به رهبری جمال عبدالناصر کشته های زیادی در یمن داد، در آن سال ها هواپیماهای مصری به نفع جمهوری خواهان در بمباران های مناطق زیدی شرکت می کردند که تیتر تحلیل این چرخش و نقش عربستان را می توان بازی کردن سعودی و دولت جمهوری خواه با برگه قبایل و به حاشیه راندن زیدیه دانست. در یمن، قبیله یک بحث فراتر از مذهب است. قبیله منبع قدرت و مشروعیت خاصی است. بعد از انقلاب سال ۱۹۶۲ میلادی کاری که سعودی ها و جمهوری خواهان موفق به انجام آن شدند، این بود که قبیله و قدرت قبیله را از مذهب زیدیه جدا کردند و به نظر من این اتفاق خیلی مهمی است که آن جا افتاد و قبایل مهم مناطق شمالی صنعاء را که «حاشد» از مهم ترین آن است، به سمت سلفیه و نوعی تبعیت از عربستان، از نظر سیاسی پیش بردند. این اتفاق

تقریباً تا سال ۱۹۹۰ میلادی ادامه یافت. بنابراین انقلاب سال ۱۹۶۲ میلادی یک نقطه عطف شد.

تقسیم دو یمن در سال ۱۹۶۷ میلادی

در سال ۱۹۶۷ میلادی اتفاقی دیگر هم که حائز اهمیت بود، رخ داد و آن تقسیم دو یمن بود. در یمن شمالی جمهوری خواهان بر نظام امامت زیدیه فائق آمدند و به حکومت یازده قرن آنان پایان دادند. در جنوب یمن (هم که تا آن موقع هم چنان انگلیس ها حضور داشتند)، یک نهضت با تفکرات سوسیالیستی و با حمایت بلوک شرق صورت گرفت. وقتی در سال ۱۹۶۷ میلادی جنوبی ها استقلال خود را به دست آوردند، جمهوری دموکراتیک خلق یمن را اعلام کردند. بدین ترتیب از آن زمان ما دو یمن داشتیم. یک یمن شمالی که در آن جمهوری اعلام شده بود و عربستان هم از آنها حمایت می کرد. و دیگری حکومت بلوک شرقی در جنوب یمن تشکیل شده بود.

انقلاب و جنگ ایران در دهه ۱۹۸۰ میلادی

مقطع بعدی انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی در دهه هشتاد میلادی است. اگر بخواهیم نقشی برای انقلاب اسلامی ایران و جنگ هشت ساله، در یمن قائل شویم، این طور تعبیر می کنم: نقش

آن تحولات همان که حضرت امام(ره) می فرمایند، به نوعی روشن نگه داشتن شعله در زیر خاکستر بود. یعنی انقلاب ما این نقش را داشت که به زیدیه ای که دیگر قدرت و توان مقابله خود را از دست داده بود و به اصطلاح انرژی قبیله از آنها گرفته شده بود، را امیدوار نگه دارد. واقعیت این است که در آن دهه، ما چیز زیادی از زیدیه ندیدیم. در جنگ تحمیلی دولت یمن با صدام همکاری می کرد و ما در جنگ اسرای یمنی داشتیم و در آن زمان، کمتر صدایی از طرف زیدیه که قاعدتاً باید با دولت یمن مخالف باشند و با جمهوری اسلامی و نهضت امام خمینی(ره) خیلی نزدیک به آن چه که زیدیه آرزویش را داشتند رقم خورده بود، شنیده نشد. آن چیزی که الان از زیدیه می بینیم، آن زمان خیلی مشهود نبود؛ لذا تعبیر من این است که نقش انقلاب و جنگ ما روشن نگه داشتن این آتش تا سال ۱۹۹۰ میلادی بود.

سال ۱۹۹۰ میلادی: اتحاد دو یمن

در سال ۱۹۹۰ میلادی یعنی بعد از جنگ ایران و عراق ، اتفاق مهم دیگری رخ داد. آن هم فروپاشی بلوک شرق بود که تأثیرات خود را در یمن نیز گذاشت، برهمین اساس اتحاد دو یمن اتفاق افتاد. یمن جنوبی خیلی زود از هم پاشید. چون هم نظامِ جمهوری سکولار شمال و نظام خلقی جنوب، به نوعی تحمیل بر سنت های مردم یمن

بود. بنـابراین طـبیعی بود که بـا یـک تلنگر از هم پاشـیده شونـد. لـذا اتحـاد دو یمن اتفـاق افتـاد. اتحـاد یمن جنوبی و شـمالی مقتضـیات خود را به وجود آورد، از جمله باز شدن فضای سیاسـی یمن و به تعبیری صحنه سیاسی شفاف تر شد و بخش هایی از جریان سـنتی زیـدیه که در طول سه دهه قبل از این، کاملًا از هر نوع فعالیتی باز مانده و از صـحنه دور شده بود، به نوعی به صحنه بر گشت. مثلاًـ «حزب الحق» را مثـال می زنم. شـفاف شـدن صـحنه که می گویم به این معنـا که تـا قبل از این سـلفی ها حزب تشـکیل نـداده بودنـد و به صورت همان نفوذ در قبایل عمل می کردنـد. اتحادشان با دولت خیلی مشـخص نبود و دسـته بنـدی شـان نیز خیلی شـفاف نبود. از سال ۱۹۹۰ میلادی که بحث آزادی احزاب مطرح شـد، در فضـای باز سیاسـی و شـفاف سازی احزاب تشـکیل شد. حزب «التجمع الیمنی للاصـلاح» حزب جریان قبیله ای سـفلی گرای نزدیک به عربسـتان شد و آنها هم خودشان را نشان دادند. اما زیدیه چه کار کردند؟ زیدیان سـنتی محافظه کار هنوز حاضـر به حضور در صحنه های سیاسی نبودند و شـرایط را مساعد نمی دانستند. اما بخش هایی از زیدیه تجددگرا، متحول شده و عمدتاً پایتخت نشین هم بودند، یک حزبی را به نام «حزب الحق» تشکیل دادند که قدیمی ترین حزب دوره معاصر

زیـدیه هست، البته برخی از علما از این حزب حمایت کردنـد. بعـداً عده ای به دلیل عدم پایبندی حزب به مبانی زیدیه، از این حزب رویگردان شدند. از جمله این که: از نظر سیستم سیاسی، بحث امامت زیدیه برای این ها مطرح نیست. ولی عده ای هم بـاقی ماندنـد و تـا به امروز هم این حزب الحق هم چنـان هست ولی می دانیـد که در سـایه تحولاـت اخیر، حرکت یا نمودشان کمرنگ شده است. بنابراین از سال ۱۹۹۰ میلادی تا حدود یک دهه، این گونه صحنه ای را در یمن مشاهده می کنیم.

مرحله گذار؛ شکل گیری شباب المؤمن، رشد زیدیه و گسترش ارتباط با ایران

مرحله بعدی، مرحله گذار به شـعله ورشدن آتش است. آن آتشی که عرض کردم رو به خاموشی بود، انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی آن آتش زیر خاکستر را زنده نگه داشت. دهه ۱۹۹۰ میلادی مقطعی است که مرحله گذار برای زیدی هاست. یعنی به سـمت تبلور و دوباره رو آمـدن زیـدی ها حرکت می کنیم. در این مرحله گذار، به صورت گذرا، تیترهای اتفاقات را ذکر می کنم، ارتبـاطگیری بـا جمهوری اسـلامی ایران و گسترش روابـط امـامیه و زیـدیه. در آن سـال هـا اتفاقات مهمی افتاد، هیأت های متعددی از یمن با ایران رفت و آمد داشتند. بعضی از مراجع هم در این زمینه فعال

بودند و فضای متفاوتی به وجود آمده و حساسیت ها نیز کم شده بود.

در همین مقطع، جریان شباب المؤمن و هسته کارهای فرهنگی زیدیه در شمال یمن شکل می گیرد. زیدیه حالا چشم باز کرده و با یک نفوذ نه تنها سیاسی، بلکه فرهنگی، اعتقادی سلفی ها و وهابیت مواجه بودند. حتی در همین عرصه های شمالی یمن، نه فقط وهابیت به مناطق جنوبی و مناطق سنی نشین نفوذ کرده بود، بلکه در کنار زیدی ها همسایه دیوار به دیوارشان شده بودند. یک نمونه اش همین دارالحدیث دماج یا مثلاً منطقه کتاف که اخیراً پاکسازی شد. خب این زنگ خطری برای زیدی ها بود ولی مرحوم شهید حسین الحوثی و عده ای از دوستانش در آن مقطع هسته شباب المؤمن را پایه گذاری کردند. هدف اولیه شان هم کار فرهنگی بود. تشکیل کلاس های آموزش قرآن، آموزش کودکان و نوجوانان، طبق اصول مذهب زیدیه. البته دولت یمن نیز مقداری از وهابیت احساس خطر می کرد.

تلاش سعودی در عدم پیشرفت یمن

به صورت سنتی، یمنی ها دلِ خوشی از سعودی ها ندارند؛ چون آنها سعی کردند برای یمن بزرگتری کنند و سعودی ها مایل نیستند یمن کشور پیشرفته ای باشد. مایل نیستند نفت در یمن به صورت طبیعی

استخراج شود و درآمد سرانه این کشور افزایش جدی پیدا کند. به دلیل احساس خطری که از همسایه پرجمعیت خود می کند، امکانات فوق العاده مهم، استراتژیک، حتی نظامی و سوق الجیشی ای که یمن دارد. و گلوگاه منطقه یعنی تنگه باب المندب دست یمن هست. همچنین یمن سرزمین حاصل خیزی است، مردمان سخت کوشی دارد. و این می تواند تهدید بالقوه و جدی برای سعودی ها باشد. لذا سعودی ها سعی کردند حتی با دادن حقوق و مستمری به مشایخ، ارتشیان، و کارمندان مهم، مانع این پیشرفت شوند. هنوز هم تقریباً همین طوری است. خیلی ها که حقوق از دولت یمن می گیرند، یک حقوق هم از عربستان می گیرند.

بنابراین در دهه ۹۰ میلادی این نهضت فرهنگی توسط شباب المؤمن به صورت مشخص شهیدحسین الحوثی و دوستانش شکل گرفت. از سال های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ میلادی همزمان با حمله به ناوگان آمریکا در خلیج عدن و حوادث یازده سپتامبر و همچنین به دنبال آن حضور آمریکا و بهانه جویی این کشور در منطقه و دخالت در افغانستان و عراق، شهید حسین الحوثی یک طرح جدیدی را شروع کرد و بحث های ضد آمریکایی و ضد استکباری بود. همین شعارهای پنج گانه مشهور را ایشان به عنوان «الصرخه» که یک اصطلاح است در بین یمنی ها و حتی روز آن صَرخه را جشن می گیرند، مطرح کرد. «یوم الصرخه»، آن روزی است که شهید

حسین الحوثی روی این موارد تأکید کرد که ما در مقابل ظلم و ظالمین باید بایستیم، اجداد ما ایستادند و ما در طول تاریخ ظلم ستیز بودیم. ما زیدی هستیم، وی نسبت به زیدیت تأکید داشته و بیان می کند که چرا حداقل مثل ایرانی هایی که در مقابل قوای ظلم جهانی ایستادند، ما نایستیم؟ حداقل این است که شعار دهیم. حالا نمی توانیم کاری کنیم، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل را که می توانیم بگوییم، اعلام تبری که می توانیم بجوییم. چرا در مراسم برائت از مشرکینی که امام خمینی(ره) اعلام کرده، شرکت نکنیم؟ چرا روز جهانی قدس را که امام خمینی(ره) به عنوان یک نماد برائت از صهونیست ها و ظلمی که در منطقه سال ها و دهه ها در جریان است، برگزار نکنیم؟ ایشان روی همین موارد تمرکز داشت؛ روی برائت از مشرکین، روز قدس، شعار الموت لامریکا، الموت لاسرائیل تأکید داشت. یک عده ای محافظه کارها حتی داخل در شباب المؤمن خوش شان نمی آمد و فکر می کردند این کارها به زیدیه ضربه می زند.

سال ۲۰۰۴ میلادی؛ شروع جنگ های نظامی شش گانه

در سال ۲۰۰۴ میلادی جنگ های نظامی شروع شد. دولت یمن به بهانه های واهی به حوثی و طرفدارانش حمله ور شد. و در فاصله سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی شش جنگ خونین و نابرابر را بر

حوثی ها تحمیل نمود. جریانی که همچنان که در ابتدا گفتم به صورت فرهنگی کارش را شروع کرده بود، چون وارد فاز تبری از اربابان حکام منطقه شده، حالا باید تاوانش را پس می داد. هیچ وقت حوثی ها شروع کننده جنگ نبودند. مرحوم حسین الحوثی را در کوهستان های «مران» در منطقه غرب «صعده» با چند صد نفر از طرفدارانش محاصره کردند و آنها را به شهادت رساندند. آن جا شهید حسین الحوثی مقاومت جانانه ای کرد، ولی نهایتاً در همان جنگ اول در سال ۲۰۰۴ میلادی در ارتفاعات مران در بمباران هوایی به شهادت رسید. با این حال کاریزمای او باقی ماند. کل کار حسین الحوثی را هم اگر شما مطالعه کنید، حداکثر آن کار فرهنگی و کاریزمایی که پیدا کرد، مربوط به این سه- چهار سال آخر عمرش می شود، یعنی بین سال های ۲۰۰۰، حرف ها و سخنرانی هایش را شروع کرده و تا سال ۲۰۰۴ میلادی که به شهادت رسید، ادامه یافته است.

الان «مَلازم»حسین الحوثی حکم منشور اعتقادی انصارالله را پیدا کرد. ملازم یعنی آن رونوشت سخنرانی های ایشان که حدوداً شاید صد سخنرانی باشد که خیلی راحت می توان آنها را در شبکه ها دید. زیدیانی که طرفدار انصارالله هستند، آن مَلازم را خط به خط می خوانند، اتفاقاً یکی از پیشنهاداتی که هست و من از حدود هفت هشت سال پیش دنبال می کردم و می گفتم، این است که روی این

ملازم کـار شود، حـداقل در مورد آن مَلازمی که سیاسـی تر است و تمجیـد از امام(ره) و انقلاب اسـلامی ایران در آن وجود دارد. ایشـان در این ملازم نسـبت به اهـل بیت(علیه السـلام) و مرجعیت آنهـا تأکیـد زیادی دارد، تأکیـدی که روی امام(ره) و جنگ ایران و عراق می کند، تأکیدی که روی خیانت حکام عرب در منطقه می کند، مباحث ضد صـهیونیستی و ضد اسرائیلی که این ملازم دارد، خود می تواند پروژه کاری و تحقیقی باشد.

در همه این جنگ ها، از جنگ اول تا شـشم، کاریزمای «سیدی حسین»، مرتب رو به رشد بود؛ یعنی هرچه می گذشت جوانان زیـدی بیشتر به آن علاقه منـد می شدنـد. حتی آنهایی که اوائل مخالف بودند. کم کم سـنتی ترها و محافظه کارترها فهمیدند که یک محملی برای سربرآوردن دوباره اندیشه تشیع و زیدی در یمن هست و فرصت استثنایی است.

لقاء مشترک

نکته دیگر در این مقطع، بحث «لقـاء مشـترک» است. مـا یـک احزاب لقـاء مشـترک تقریبـاً از سـال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی تا انقلاب سال ۲۰۱۱ میلادی داشـتیم. دولت یمن اجـازه داده بـود که اپوزیسـیونی تشـکیل شـود و همین «حزب التجمع الیمنی للاصلاح» که تا سال ۲۰۰۷ میلادی که کاملاً هم پیمان با دولت یمن بودند در همین سال

بـه همراه قبایـل «آل احمر» از دولـت فاصـله گرفتنـد و بـه کمیتـه ای که به آن «احزاب اللقـاء المشـترک» می گوینـد رفتنـد که متشـکل از شـش حزب عمده بودند. عمده اش همین حزب التجمع الیمنی للاصلاح بود، هم پیمان دیروزی تبدیل شد به نوعی اپوزیسـیون که در عین حال در دولت هم بود و بیشترین کرسـی های پارلمان را بعد از حزب کنگره علی عبدالله صالح داشت. از احزاب زیـدی هم یکی دو تا حزب درآن حضور داشت. همچنین «حزب الحق» جزء احزاب لقاء مشترک شـد. «حزب اتحاد قـوی الشـعبیه» که روشـنفکرترهای زیـدی بودنـد و ناسـیونالیست هـایی هم که از حزب مؤتمر جـدا بودنـد، وارد احزاب لقـاء مشترک شدنـد احزاب لقاء مشترک ماننـد حزب بعث است، می دانیـد که یکی از شاخه های فعال حزب بعث در جهان عرب، در یمن بوده و هم چنـان هم فعـال است. «حزب وحـدوی ناصـری» که طرفـداران انـدیشه های ناسـیونالیستی جمال عبدالناصـر هسـتند. و «حزب اشتراکی» یعنی همـان حزب سوسـیالیست که در یمن جنوبی حـاکم بود و الآـن هم رئیس آن، رئیس جمهور قبلی یمن جنوبی «علی سـالم البیض» می باشـد که رهبر حراک جنوبی و رئیس حزب سوسـیالیست یـا همـان حزب الاـشتراکی است. این لقاء مشترک هم به جایی نمی رسید و دولت

یمن کار خود را می کرد، ولی یک نقش اپوزسیون. تا سال ۲۰۱۱ میلادی که انقلاب صورت گرفت، بازی می کرد.

انقلاب سال ۲۰۱۱ میلادی

اتفاقی که درجریان انقلاب سال ۲۰۱۱ میلادی افتاد، این بود که عربستان به دلیل اختلافات سال های اخیر که قبایل طرفدار عربستان مثل «حاشد» و «آل احمر» با علی عبدالله صالح پیدا کرده بودند، حمایت خود را از دولت یمن برداشت. دلیل اختلاف هم عمدتاً چپاول و فساد داخل حکومت بود. آقای علی عبدالله صالح می خواست پسرش احمد را همه کاره یمن کند، حتی او را کاندیدای ریاست جمهوری بعدی هم کرده بود، اگر این انقلاب های عربی به وجود نمی آمد، بعید نبود علی عبدالله صالح یکی از اولین کسانی باشد که به نفع فرزندش کنار می رفت، و از آن طرف نیز فرزندان «عبدالله بن حسین الاحمر» رئیس مجلس یمن و شیخ المشایخ قبیله حاشد که در سال ۲۰۰۷ میلادی از دنیا رفت، به رقابت با خاندان علی عبدالله صالح برخاستند. ریشه همه اینها احمر است؛ علی عبدالله صالح هم از خاندان احمر و از قبایل حاشد مستقر در منطقه عمران است.

«حمید الاحمر» که مهم ترین پسر ایشان است که بیشتر نیز در حوزه های اقتصادی فعال است، یا «صادق الاحمر» که جانشین

پدرش در شیخوخیت شد، یا فرزند دیگر «حسین الاحمر»، اینها به اصطلاح رقبای خاندانی عبدالله صالح شدند؛ مثلاً امتیاز نفتی دست حمید الاحمر بود. احمد علی عبدالله صالح می خواست امتیاز را از او بگیرد. لذا بین اینها نزاع پیش آمد بالاخره همین باعث شد تا آنها جزء لقاء مشترک شوند و کم کم این اختلاف بالا گرفت. عربستان سعودی هم که دید بهار عربی در کشورها اتفاق می افتد و همچنین تونس و مصر سقوط کرده است، از قبایل حاشد و حزب التجمع الیمنی للاصلاح حمایت کرده و اینها نیز جزء بهار عربی شدند. لذا دولت علی عبدالله صالح با آن وضع خفت بار سقوط کرد، ولی سعی کردند به او امتیازاتی بدهند، کما این که هم چنان علی عبدالله صالح در صنعاء زندگی می کند؛ یعنی به او مصونیت دادند.

حوثی ها در سال ۲۰۱۱ و بیداری اسلامی

در سال ۲۰۱۱ میلادی حوثی ها از طرفی نسبتاً فعال شدند و از طرفی نیز دخالت پررنگی نداشتند. خیلی از دوستان آن موقع سؤال می کردند که حوثی ها در این بهار عربی که در یمن راه افتاده، چه کار می کنند. البته حوثی ها این نوع از انقلاب های منطقه ای را در ابتدا قبول نداشتند. ولی در عین حال آن را فرصتی برای تضعیف

قـدرت ظالم چند دهه ای که در یمن زیر سایه ارتشـی های سـکولار وجود داشت، می دانسـتند. لذا از این فرصت نیز اسـتفاده کردند.

مقطع سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی المبادره الخلیجیه

از سال ۲۰۱۱ میلادی تـا این حرکت اخیر آنچه که در یمن می گـذشت، عبـارت است از طرحی به نام طرح شورای همکاری خلیـج فارس؛ یا«المبادره الخلیجیه» به رهبری عربسـتان. طرح شورای همکاری خلیـج فارسـی این بود که در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی کمیته بزرگی به نـام «الحوار الوطنی»، یا گفت وگوهای ملی تشـکیل شـد که درآن از احزاب مختلف، از جمله جنوبی ها یا همان حراک جنوبی که دنبال اسـتقلال طلبی بودند و حوثی ها و احزاب مختلف از جمله سلفی اخوانی ها حضور داشـته باشـند. و هر کدام سـهمی در این حوار داشـته باشـند و دور یک میز جمع شده و بر سر قانون اساسی و سیستم حکومتی جدید به یک توافق جامعی برسـند. در این گفت وگوها، حوثی ها تقریباً با تمام قوا آمدند در پشت صـحنه جریان های سـلفی اخوانی که روند را به نفع خودشان نمی دیدند به حذف فیزیکی مخالفین خودشان دست زدند. سال گذشـته «دکتر عبدالکریم جَدبان»، نماینده حوثی ها را ترور کردند و امسال نیز «دکتر شرف الدین» را ترور نمودند. البته گفت وگوها پیش

رفت، مُخرَجات و نتایجی هم داشت، که از آن تعبیر به مخرجات الحوار الوطنی می کنند.

نتایج گفت وگوهای وطنی و زمینه های گسترش نهضت انصارالله

از جمله نتایـج گفت وگوهـای وطنی، تقسـیم بنـدی اقلیمی یمن بود. و این می توانست به نوعی منافع زیـدیه، جنوبی ها و بقیه احزاب و جریان ها و قبایل را تأمین کنـد. منتها اتفاقی که افتاد این بود که تقسـیمی عجیب و غریب از آن درآمد. تقسـیمی که مورد قبول همه نبود. اصل تقسـیم جزو مخرجات الحوار الوطنی است که حوثی ها به آن اعلام وفاداری می کنند. اما تقسیم به اقالیم شـش گانه به صورتی که اکنون مطرح شـده، مورد قبول انصارالله نیست. قرار بود تا سال ۲۰۱۳ میلادی، قانون اساسی به نتیجه برسد و تاکنون هنوز به نتیجه نرسیده است. همچنین فساد به نحو عجیبی فراگیر شده و دولت در تامین ما یحتاج مردم هم ناکام بود. هیچ کدام از آن دسـتاوردهایی که حتی در همین مبادره خلیجیه زیر سایه آمریکا و عربستان تأیید شده بود، انجام و محقق نشد. این بهانه خوب و زمینه بسـیار مناسبی برای گروه انصارالله فراهم آورد. از طرفی انصارالله در شـش سال اخیر خیلی تلاش کرده و قبایل را با خودشان همراه کرده بودند، همچنین بزرگان زیدیه را با خودشان همراه کرده بودند، حتی کسانی که قبلاً با آنها موافق نبودند و الان

ص:۲۲۹

هم هنوز موافق نیستند. اما دیده بودند که اگر می خواهند امنیت و عدالتی برقرار شود و یا صدایی از تشیع، زیدیه و دیگران وجودداشته باشد، باید پشت سر «سید عبدالملك الحوثی» قرار گیرند.

شروع نهضت سید عبدالملك الحوثی در سال ۲۰۱۴ میلادی و شعارهای سه گانه

این نهضت را ایشان با سه شعار شروع کرد. آن عبارت بود از:

۱. اسقاط الحکومه الفاسده

این حکومت فاسد باید سرنگون شود. حکومت یمن به تمام معنا فاسد بود. مثلاً امتیازات نفتی که در یمن بسیار مهم است و در اصل، عربستان و وابستگان به عربستان آن را مدیریت می کنند که چقدر و به چه نحوی استخراج شود. به دلیل همین سرمایه گذاری در بخش نفت در یمن خیلی کار سختی است. اینها همه دست خاندان احمر بود. در یمنی که فقر بیداد می کند و طبق حد وسط آمارها، چیزی بالای ۵۰ درصد از مردم یمن زیر خط فقر هستند. آمارهای بدبینانه می گوید که ۶۰ درصد از جوانان یمن بی کارند. حالا خیلی خوشبین باشیم، آمار ۳۰ درصدی، ۳۵ درصدی از بیکاری قطعی است. در این شرایط، مثلاً عده ای مثل خاندان احمر در چه کاخ هایی و چه وضعیتی زندگی می کنند.

ص:۲۳۰

مردم یمن ریشه عربیت و سمبل نخوت عربی هستند. عرب ها کلًا معروف به آن نخوت و غرور و احساس خاصی که دارند، هستند. احیاناً به غیر عرب به دید تحقیر نگاه می کنند. اما ریشه این نخوت در یمن است. یمنی ها بقیه عرب ها را یک جورهایی قبول ندارند. می گویند ما ریشه عربیت هستیم. قحطان و عدنان و... ریشه عربیت از جنوب شبه جزیره به طرف شمال آمده است. حالا شما این نخوت و این غرور را در نظر بگیرید، الان کشور یمن کشوری است که کاسه گدایی خود را پیش همین کشورهای حوزه خلیج فارس گرفته است. هر چند وقت یک بار تمام تلاش دولتمردان یمن؛ عقلایشان، آنهایی که دیپلماسی بلد هستند جمع می شوند کنفرانسی در لندن و وین و جایی که «اصدقاء یمن» جمع شوند و بگویند که هر کدام چندصد هزار دلار یا مثلًا چند میلیون دلار حاضرند به یمن کمک کنند. یعنی حتی حقوق کارمندان شان را این جوری تأمین می کنند. و باز در همین مساعدت هایی که می شود، چه بخور بخورهایی می شود و این کمک ها باید از همه این کانال ها. یعنی از خاندان احمر و حزب مؤتمر و ... بگذرد.

به هر حال «اسقاط الحکومه الفاسده» شعار اول بود و واقعاً فساد بحث مهمی در یمن است. و کار بزرگی که جریان انصارالله و جناب سیدعبدالملک الحوثی ان شاء الله به آن موفق شوند، این است که فقط کافی است که مردم بسیار سخت کوش یمن در کانال

صحیح هدایت شوند به نظر می رسد که وضـعیت یمن را می تواند اصـلاح کند و نیازی به این مساعدت ها و کاسه گدایی ها نیست.

۲. اسقاط الجرعه

شعـار دوم «اسـقاط الجرعه» است. وقتی که دخل نیست و همه چیز خالی است، بنزین و مشـتقات یکی از اولین چیزهایی اسـت که دولت ها سراغش می روند، و حکومت «باسندوره» و آقای «عبدالربه منصور الهادی» سراغ این موضوع رفتند و از بیرون که نگاه می کنیم، واقع بینانه هم بود. برای برداشـتن یا کم کردن سوبسـید به سـراغ گازوئیل، بنزین و ... رفتنـد. در نتیجه قیمت ها تقریباً دو برابر و حتی چنـد برابر بیشتر شـد. سـید عبـدالملک الحوثی البته با یک توجیه درستی اعلام کرد که شـما فساد را کم کرده و این گلوگاه ها را باز کنید. به جای این که فشار را روی مردمی بیاورید که از گرسـنگی تلف می شوند. فساد را ریشـه کن کنید. ما زیر خط فقر هستیم و این قیمتها در توان مردم ما نیست.

۳. تنفیذ مخرجات الحوار الوطنی

سومین شـعار که اتفاقاً خیلی می توانست مشـروعیت هم بدهـد «تنفیذ مخرجات الحوار الوطنی» است. گفتند که به نتایج همان حرف هایی که دور هم نشستیم و زدیم پایبند باشید. قرار شد که مثلاً قانون

اساسی این طور باشد، تقسیمات در یک کمیته مورد رضایت انجام شود و ...، شما زیر همه ی حرف ها زدید.

ویژگی های فردی سید عبدالملک الحوثی و انصارالله

۱. ایمان

این انقلاب بسیار هوشمندانه توسط سید عبدالملک الحوثی پیش رفت. می خواهم روی باهوشی شخص سید عبدالملک و درایتش با این حدیث نبوی که مشهور است، تأکید کنم. عن رسول الله(ص):

«الایمان یمان و الحکمه یمانیه». واقعاً مصداق آن به نظر من، سید عبدالملک الحوثی، خاندان الحوثی و حرکت انصارالله و زیدی هایی هستند که الان پرچمدار شدند. یعنی ایمان به خدا، و نصرت الهی دارند، شهید حسین الحوثی منادی قرآن خواهی و رجوع به قرآن است. اسم شبکه شان را هم گذاشته اند «المسیره» که اشاره ای به «المسیره القرآنیه» است که شهید حسین الحوثی می گفت راه مان راه قرآن است و تکیه کلام و ثقل حرفش روی قرآن بود. در عین حال، ثقل دیگر را هم از دست نمی دهند. ایمان به اهل بیت(علیه السلام) هم در نزد حوثی ها بالاست، ایمان آنها به غدیر، ایمان شان به مرجعیت اهل بیت(علیه السلام)، امام علی(علیه السلام)، ائمه اطهار به عنوان مرجع دینی. البته اعتقادی هم دارند که ممکن است برای ما خیلی خوشایند نباشد و

آن مرجعیت نهایی و زعامت را برای ائمه بعد از امام حسین(علیه السلام) قائل نیستند، ولی اجمالاً نگاه شان به اهل بیت(علیه السلام) خیلی مهم است.

۲. حکمت و هوشمندی

حکمت را می خواهم در چند بند بگویم و بعد وارد عرصه های امروزی تر شوم. زیرمجموعه این حکمت، درایت است. می توانیم اسم آن را بصیرت بگذاریم. جریان انصارالله یک جریان بنیادگرایی اسلامی است. یک جریان بیداری اسلامی و بازگشت به ارزش های اسلامی از نوع شیعی زیدی است که خیلی هم با ما نزدیک و قرابت های زیادی دارد. شما الان می بینید این گروه انصارالله گروهی ضد سلفی، ضد وهابی و ضد اخوانی هستند، البته آقای سید عبدالملک الحوثی در اولین سخنرانی بعد از پیروزی ۲۱ سپتامبر یا همان سی شهریور، اعلام کرد که ما با فساد مشکل داشتیم. ولی با حزب تجمع الیمنی للاصلاح، با برادران اخوانی سلفی خودمان مشکل نداریم. اگر آنها دست همکاری به ما دهند، ما دست آنها را می فشاریم. این حکمت، درایت و اهم و مهم کردن را می رساند. چتری که آقای عبدالملک در سال های قبل باز کرده، خیلی گسترده بود. مثلاً مرحوم شهید «عبدالکریم جدبان» جزء کسانی بود که به طرف حکومت تمایل پیدا کرده بود، و عضو حزب کنگره علی عبدالله صالح هم شد و از طرف حزب مؤتمر نماینده مجلس بود،

ولی آقـای عبـدالملک ایشـان را نفی نکرد. و در آن گفت وگوهـای ملی وی را به عنوان نماینـده حوثی ها و انصارالله انتخاب کرد. آقای عبـدالملک الحوثی چتر بزرگی را باز کرده که اسم این ویژگی را «شـمولیت» گذاشـته ام. زیرمجموعه همین بحث درایت، فکر شـاملی هم دارد، وی، اصـلاً به این فکر نمی کنـد که حکومت را مصـادره کنـد. آقـای عبـدالملک الحوثی با این فروپاشـی که در صنعاء صورت گرفت خیلی راحت می توانست یا خودش در رأس قدرت قرار گیرد، یا این که فرد دیگری را تعیین کند. ولی به وضـعیت یمن آگاهی دارد و می داند که جمعیت زیادی از یمن شافعی مذهب و اهل سـنت هسـتند که می تواننـد توسط عربسـتان و مخالفین شـیعه تحریک شـده و دست به اسـلحه ببرنـد، و بگویند شـیعیان می خواهند که حکومت را مصادره کنند.

۳- صداقت، خدمت، مردم داری

از دیگر ویژگی های جریان انصارالله و رهبری سـید عبـدالملک الحوثی، صـداقت است. وی واقعاً با مردم صادق است. دربارهٔ خـدمت هم بایـد گفت که واقعاً خـدوم هسـتند. درحال حاضـر انصارالله خدمات غذا رسانی، جمعیت های خیریه و از این قبیل امور را خیلی گسترده به راه انداخته اند. بعد از این فساد و فروپاشی جدی که در ساختار قدرت یمن اتفاق افتاد، البته از قبل از سال

۲۰۱۱ میلادی هم علائمش ظاهر شده بود، یکی از امتیازات جریان انصارالله این بود، هر جا که در کنترل انصارالله بود؛ مثل استان های شمالی، در طول این سالیان اخیر، در این مناطق، امنیت و خدمات متوازن و متعادل وجود دارد. همه چیز عادلانه توزیع می شد و این خدمات رضایت مردم را جلب کرده بود. اتفاقاتی که در این روزها می افتد این است که استان هایی که به صورت سنتی نباید تحت نفوذ انصارالله می بود، مثلاً استان «حدیده» که در حاشیه دریای سرخ است و عمدتاً سنی مذهب هستند و اگر تعز را هم ضمیمه کنیم، انصارالله را به «باب المندب» می رساند، در اختیار انصارالله قرار می گیرد. عمده این توجه به خاطر این است که مردم آن مناطق که فسادها و مشکلات در آنها هست می بینند که هرجا انصارالله حضور دارد، از نظر امنیت، مواجب حقوق بگیران، توزیع مواد غذایی، کارهای خیریه و ... سروسامان پیدا می کند. لذا الان یک اقبال عمومی حتی در استان های غربی حاشیه دریای سرخ به صورت مشخص در حدیده، تعز، غیر از آن در استان های جنوبی، به طرف انصارالله وجود دارد.

۴. نزاهت

این موفقیت ها در گرو ویژگی دیگری به نام نزاهت است. علیرغم این همه دشمنی هایی که با انصارالله می شود و همه اتهامات و یا

چیزهایی است که انصارالله به آن افتخار می کند. شما هیچ وقت در رسانه های تبلیغاتی وهابیت و سلفیه نمی شنوید انصارالله را به این متهم کنند که پول و ثروت برای خودشان جمع می کنند یا برای خودشان کاخ درست کنند. لذا یک نزاهتی در بین این ها است.

۵. قاطعیت

مورد آخر قاطعیت است. یعنی در کنار همه این ها، انصارالله قاطع هم هستند. در استان البیضاء که چند وقت قبل کمین گذاشتند و عده ای از طرفداران و نیروهای اعزامی انصارالله را ترور کردند، واقعاً با قدرت وارد شدند و دمار از روزگار مخالفین خود درآوردند. در دماج در نزدیکی صعدهکه مرکز سلفی هایی که البته ریشه زیدی داشتند، ولی یک شخصیت منفوری به نام مقبل الوادعیرهبر آنها بود. این مقبل الوادعی کسی است که کتاب «الطلیعه فی الرد علی الشیعه» را نوشته است. و «مرحوم بدرالدین الحوثی»«الغاره السریعه علی الطلیعه» نوشته یا همان تحریر الافکاری که فکر می کنم، مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) هم چاپ کرد. و شامل ردیه هایی بر اندیشه های سلفی وهابی مقبل الوادعی هست. این آقا حتی کتابی علیه امام خمینی(ره) نوشته به نام «الحاد الخمینی فی ارض الحرمین». می گوید امام(ره) دارد در مکه و مدینه فتنه می کند و به مسائل حج خونین ربط داده است. کتابش یکی از معروف ترین

کتابها در پیشخوان های کتاب های وهابی ها و سلفی هاست که در منطقه و در عربستان چندین بار چاپ شده است. یعنی یک کسی که علیه زیدی ها، علیه امام(ره)، علیه ایران است، کتاب می نویسد، این در کنار صعده یک ییلاقی به نام «دماج» درست کرده بود. آن جا یک حوزه علمیه ای هم به نام «دارالحدیث» احداث کرده بود؛ یعنی این سلفی ها با پول ها و حمایت هایی که می شدند، استخوانی در گلوی زیدیه ایجاد کرده بودند. خب اتفاقی که افتاد، واقعاً قاطعانه بود. حمله ای که حوثی ها کردند این دارالحدیث را از بیخ و بن برکندند. به گونه ای که دیگر قابل بازگشت نباشد. منطقه دیگری به نام «کتاف» بود. شاید این را شنیدید، جنگ کتاف. آن جا را هم به همین شکل پاکسازی کردند. من اسمش را قاطعیت گذاشتم. در درگیری های استان الجوف، منطقه شرق صعده، باز این قاطعیت را می بینیم. این را هم شما ضمیمه کنید به موارد سابق. یعنی حکمت، درایت، شمولیت ولی در عین حال ایستادگی در مقابل دشمنان و قاطعیت داشتن نیز یکی از امتیازات انصارالله است.

نقش عربستان

الآن یک خطی در یمن تقویت می شود که القاعده و سایر افراطی ها و چه بسا عربستان سعودی و غربی ها بار دیگر برای زدن الحوثی ها به این سمت رو بیاورند و بخواهند این حماقت را در یمن مرتکب

شونـد؛ یعنی کـاری که در سوریه و عراق برای تضـعیف مقـاومت و تشیع کردنـد. من احتمال می دهم، چون واقعاً عرصه یمن الان به ضـرر کشورهای غربی و شورای همکاری و عربستان است. یک وقت می بینید پشت صحنه مشغول این موضوع هستند. کمـا این که انفجاری که در منطقه مرزی یمن و عربسـتان شـد و عـده زیادی از انصار الله، به همراه ده ها نفر دیگر به شـهادت رسـیدند، شاید با چراغ سبز دولت عربسـتان صورت گرفته باشد. اگر عربستان مجدداً این حماقت را مرتکب شود، کما این که الان در شـبکه های یوتیوپ و سایر فضاهای مجازی می توانیـد ببینیـد که دارنـد در اسـتان هایی مثل شـبوه و حضـرموت، حتی اسـتان های جنوبی تر آماده باشـی فراگیر و بسـیج عمومی علیه انصارالله اعلام می کنند که بله شـیعیان رافضـی بر صعده حاکم شدند، بعد هم آمدند اسـتان عمران را گرفتند و بعد صنعاء و حالا می خواهند کل یمن را تصرف کنند. واقعاً وضعیت عربستان در یمن فلاکت بار است.

ارتش یمن به دلیـل دریـافت نکردن حقـوق خود و همچنین به دلیـل فسـادی که می دیدنـد و از هم پاشـیدگی که در ساختـار قـدرت به وجود آمـده بود، لـذا هیـچ اقدامی نکرد، عملاً همه چیز خیلی راحت در اختیار گروه انصارالله قرار گرفت. البته قابل پیش بینی نبود. مـا نمی خواهیم همه چیز را معجزه بـدانیم، ولی خب فعلاًـ بایـد اعجاز الهی را به نوعی ببینیم. یعنی شایـد خود انصارالله هم پیش بینی

ص:۲۳۹

نمی کردنـد که بـدون کمترین درگیری این موفقیت ها را کسب کننـد. یک اشـتباه موردی از طرف علی محسن الاحمر شاخه نظامی همین اصلاحی های اخوانی سلفی در تیراندازی به تظاهر کنندگان در سه شنبه قبل از آن صورت گرفت. وسپس جنازه هـایی سـر دست قرار گرفت و همین بـاعث شـد که انصارالله آن اسـلحه ای که تا آن وقت زیر دشـداشه و شال شان بود بیرون بیاورند. قبلش می گفتند که این ها مسـلح هسـتند، ولی واقعیت این بود که تظاهرات مسالمت آمیز بود، هیچ گلوله ای شـلیک نشـده بود. کم کم این اسـلحه درآمـد و گفتند ما می خواهیم از این تظاهرات و تحصن های مسالمت آمیز حمایت کنیم. شـما عـده ای را کشتیـد. اسـلحه که بیرون آمـد یـک دفعه همه چیز فروپاشـید و همه خودشـان را کنـار کشـیدند. پلیسـی که وجـود نداشت، ارتش هم کاری نکرد. فقط تنها جایی که مقاومت شد، همان فرقه مدرعه أولی، به سرکردگی علی محسن الاحمر در تپه تلویزیون یمن بود که بـا قـاطعیت هایی که عرض کردم، در یک حمله طوفانی انصارالله بساطش درهم پیچیـد و تشـکیلات علی محسن الاحمربه هم ریخت. و بعـد چه چیزهایی آنجا کشف شـد، چه تونل هایی در زیر زمین و چه کاخ ها و چه شـمش هـای طلاـیی که در خـانه هـای این ها بود. حالتی مثل آن حالتی که بعـد از انقلاب ما، مردم می رفتنـد و قصـرهای شاه را می دیدند، در یمن نیز برای این سرلشکرهای ارتشی اتفاق افتاد. البته نه برای پادشاه، او هنوز

سرجایش هست. یعنی کاخ ریاست جمهوری سقوط نکرده، ولی همین علی محسن الاحمر و خاندان الاحمر. «حمید الاحمر» به مخالفینش با حالت تمسخر می گفت که من در یک روز پانصد هزار دلار می توانم درآمد داشته باشم. می گفت شما من را به چه چیزی تهدید می کنید، این قراردادم را به هم بزنید، یک قرارداد دیگر می بندم.

رقابت اصلی در یمن

رقابت اصلی در یمن فی الواقع بین ایران و عربستان است. این بحث ها واقعاً رنگ و بوی سیاسی پیدا می کند، ولی ما نمی توانیم به عنوان مجامع فکری و فرهنگی به دور و فارغ از این باشیم. ایران فی الواقع دخالت مستقیم یا خاصی در یمن ندارد. ما یک شعارهای اسلامی انسانی را از اول انقلاب پیگیری می کنیم که دفاع از مستضعفین است، خب مقداری که جلوتر بیاییم فرض کنید وقتی به دفاع از مستضعفین مسلمان، دفاع از مستضعفین شیعه می رسیم، به آن اصولی که مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) هم برای آن تشکیل شده است، می رسیم و الا قصد نداریم مثلاً در یمن حتماً یک عده اقلیت را به صورت تحمیلی بر اکثریت حاکم کنیم و اصلاً چنین چیزی در سیاست های نظام جمهوری اسلامی نیست. ما ده و بیست سال است که خون دل می خوریم و به بعضی ها در داخل القاء

می کنیم که آقـا یمن جـای مهمی است، آقـا این جـا شـیعه وجود دارد. آن جـا زیـدیه هست، مـا می توانیم با این ها همکاری کنیم. به هر صورت این اهمیت در سیاست هـای دسـتگاه هـای رسـمی مـا خیلی مطرح نبود. ولی عربسـتان نه. عربسـتان کاملاً برایش اهمیت دارد. برای ما اهمیت آن چنانی ندارد، فی حد نفسه که حالا مثلاً در یمن کدام حکومت سر کار بیاید. بنده یادم هست در دوره همـان ده و پانزده سال پیش که در جلسات شـرکت می کردیم، می گفتنـد که آقا ما با دولت یمن نبایـد به هم بزنیم. چون رأی یمن در سازمـان ملـل و در بحث انرژی هسـته ای که آن موقع تـازه شـروع شـده بود، برای ما مهم است. یعنی اهمیت یمن در حـد این بود که نماینـده یمن در سازمـان ملـل، مثلاًـ رأی موافق به قطعنـامه حقوق بشـری علیه ما ندهـد و رأی ممتنع دهد. ولی برای عربسـتان قضـیه واقعاً حیاتی است. اگر در یمن یک اتفاقی بیافتد، برای آل سعود واقعاً چالشی جدی پیدا می شود. قبایل داخل یمن با قبایل داخل عربسـتان یکی هستند. اصلاً مرز میان آنها خیلی معنا ندارد. می دانید مناطقی از استان نجران و جازان تا سال ۱۹۵۳ میلادی جزو یمن بوده و در یک توافقنامه ای بین پادشاه سعودی و امام زیدی از یمن جدا شده و این ها زیدی هم هسـتند. مانند اینکه: قبیله یکی است، بخشی از خانواده ها این طرف مرز و بخشی دیگر آن طرف مرز هستند. اگر این تحول در مناطق شمالی یمن اتفاق بیافتد که اتفاق افتاده و اگر حکومت یمن

به نوعی در اختیـار گروه انصـارالله قرار گیرد که تـا حـدود زیـادی قرار گرفته، عربسـتان وارد چالشـی جـدی می شود. بنابراین عربسـتان از برگه های مختلف در یمن استفاده می کند. اوّل با برگه سکولارها پیش رفت و دید که این برگه، دیگر به دردش نمی خورد و این تبدیل شده به دیکتاتوری و«الشعب یرید اسقاط النظام». بعد سراغ برگه سلفی- اخوانی ها رفت. دوباره هم به مشـکل خـورد. البته این را هم عرض کنم در دو سـال اخیر که عربسـتان تصـمیم گرفت که دسـتش را از حمـایت سـلفی هـای اخوانی در منطقه بردارد، خیلی مؤثر بود که این ها در یمن تضـعیف شدند. به گونه ای که بعضـی از حقوق بگیرهای عربستان از این جنـاح حقوق شـان قطع شـد. همین آقای الأحمرگفته که دو سال است پول از عربسـتان برای ما نیامـده است. منظور این است که حالا این که نشد، دوباره ممکن است که به سراغ سکولارها در یمن برگردد.

وظیفه ما در قبال یمن

ما بایـد این را با قاطعیت بـدانیم که عربسـتان از یمن دست برنمی دارد. به من توصـیه کردنـد که مقداری از بحث، معطوف به راهکارهـا و وظـایف مـا باشـد؛ در ایـن حیطـه، من تأکیـد بر روی کـاری که بایـد در عرصه فرهنگی کنیم، دارم. کمـا این که خوشبختانه از فرصت هفت و هشت سال قبل به صورت نسبی بهتر از آن غفلت

ص:۲۴۳

چند دهه ای قبل، استفاده کردیم، ولی بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی را من راضی نیستم. یعنی ما کلاً نسبت به یمن منفعل بودیم. با این که جنگ تمام شده بود و می توانستیم در یمن فعال باشیم، فضا هم باز شده بود؛ ولی جدی عمل نکردیم. از سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی کم کم ما جدی تر شدیم. حالا هم یک فرصت مغتنمی است.

جایگاه عربستان در میان یمنی ها

در یمن به صورت اولاً و بالذات، سلفیه و عربستان جایگاه و پایگاهی ندارد. چرا؟ چون مردم یمن یا زیدی مذهب هستند و زیدیه با تفکرات وهابیت هیچ سر و کار ندارند و خیلی از ردیه هایی که بر علیه وهابیت نوشته شده، از زیدی هاست. مثل کتاب «زیاره القبور»بدرالدین الحوثی که مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) چاپ کرده. یک عده دیگر از مردم یمن شافعی مذهب هستند، شافعی های یمن با گرایشات صوفیانه در حضرموت، در المهره و در قسمت های جنوبی هستند. این ها اصلاً نه تنها قبرپرست می باشند بلکه سادات زنده را هم می پرستند! یعنی سادات منطقه حضرموت و عدن نوعی احترام و تقدس خاص در بین حتی شوافع یمن دارند و به نوعی می توانیم آنها را هم متشیع بدانیم. می دانید که شوافع همه جا گرایش های شیعی دارند و به نظر من در یمن پررنگ تر هم

ص:۲۴۴

هست. حال در این خلاء قدرت و دورافتاده بودن یمن از مراکز علمی چه اهل سنت و چه شیعه، این ها یارگیری هایی کردند. بله القاعده پایگاه هایی در «شبوه» و «اَبین» و در«زنگبار» که مرکز ولایت اسلامی هم اعلامش کردند، درست کردند. اگر یادتان باشد، پرچم های سیاه یکی از اولین جاها که بلند شد در یمن بود و زنگبار مرکز اًبین است. خلاصه در ابین، شبوه، حضرموت پایگاه هایی دارند. می خواهم بگویم عربستان واقعاً در یمن دستش در حنا مانده است. یعنی به نظر می رسد هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. اگر ما بتوانیم جدی عمل کنیم و خودِ گروهی که الان با همان ایمان راسخ سرپا ایستادند و ان شاءالله ادامه دهند که ادامه خواهند داد، به حول و قوه الهی، کار برای عربستان خیلی مشکل است.

فرصت ها و چالش های ما در یمن

ما مشکلاتی نیز در یمن داریم. یکی این است که ما هم مرز نیستیم اما عربستان با یمن هم مرز است. یعنی چون عربستان هم مرز است، گویا قوم و خویش هستند. هر کاری که عربستان می کند خیلی راحت تر از ما پذیرفته می شود. البته زیدی ها نمی پذیرند. می خواهم بگویم از نظر کشورهای منطقه که البته عمدتاً هم مزدور هستند. ولی جمهوری اسلامی اگر بیانیه هم صادر کند دخالت حساب می شود. اصولا فعالیت های ما لزوماً آن چیزی نیست که

دشـمنان ما می گوینـد. که مثلاً ما اسـلحه به آنها دادیم، این ها نیست. آنها خودشان اسـلحه دارنـد. حـداکثر پشتیبانی معنوی و آموزش هـای لازم بوده است. کـاش مـا در کـار فرهنگی هم این جـدی تر حرکت کرده بودیم. یـک نمونه اش همایش سال گذشته بود که بار اصلی به دوش دوستان مجمع جهانی اهل البیت(علیه السلام) بود.

من معتقدم که دیوار نازکی بین ما و زیدیه هست و واقعاً زیدی ها برادران ما هستند که تازه پیدایشان کردیم. یعنی ما اگر اهل سنت را برادران خودمـان می دانیم یـا به تعبیر بعضـی از بزرگان نفس خودمان می دانیم، زیـدی ها واقعاً این جوری هسـتند. و فکر می کنم این حالت باید باشد و بوده است. همان کاری که امام صادق(علیه السلام) برای عموی بزرگوارشان زید کردند و یاران او که معتقدیم بالاخره زاویه داشـتند. حالا خود زید را مبرا کنیم. اصـحاب زید که دنبال اهداف امام صادق(علیه السلام) یا تاکتیک امام صادق(علیه السلام) نبودند. ایشان برای کوفیان مجروح پول فرستادند. خود پسر زید را که معلوم نیست آخرش هم اثنا عشری است یا نه. «حسین بن زید». ربیب امام صادق(علیه السلام) و فرزند خوانده امام(علیه السلام) بوده است.

لذا می گویم صداقتی که از آن صـحبت کردیم، باید در روابطمان با زیدی ها وجود داشته باشد. صادقانه به آنها کمک کنیم و واقعاً مثل بعضـی خطاهایی که بعضـی در طول دهه های گذشته کردند، به اسم نشر تشیع و حمایت از اهل بیت(علیه السلام) رفتند تا در آن جا ترویج اثنا

عشـریه کنند، این درست نیست. شـما توقع نداشـته باشید اگر رفتید در خانه زیدیه و گفتید من می خواهم شما را به اثنا عشریه دعوت کنم، بگوینـد خوش آمدیـد. حالاـ بعضـی هایشـان هم گفتنـد، اتفاقاً. ولی این مورد پـذیرش عموم نیست. به همین چتر بزرگ و تابلوی بسـیار عالی که بلند کردیم التزام داشـته باشـیم و این دایره را تنگ تر نکنیم. یعنی چتر بزرگ ما مجمع جهانی اهل بیت(علیه السلام) را باز کنیم و درباره فِرَق شیعه، حداقل زیدیه و اسماعیلیه و علویان ترکیه، علویان سوریه کار کنیم. یکی از کارها همین شـناخت است. پیشـنهادم در مورد فقط همایش مشترک نیست. سـفرهای متعددی باشد. مثلاً مجمع جهانی اهل بیت(علیه السـلام) می توانـد از علما دعوت کنـد تا بیایند. این ها را سـفرهایی ببرد و دوره های زیارتی برای شان بگذارد. مثل حرم حضرت رضا(علیه السلام). این ها به امام رضا(علیه السلام) عشق می ورزند و حدیث

«ستدفن بضـعه منی بأرض طوس» پیـامبر(ص) را در منـابع روایی شـان دارنـد. همـان نگـاهی که مـا در فضائـل امام رضا(علیه السـلام) و زیارت حضـرت داریم، این ها نیز دارنـد. اصـلاً نگاه آنها اهل بیتی است. حتی مزارهای متعدد زید بن علی در ایران داریم؛ در خرم آباد، تهران و قم همه جا مزار زید بن علی تا یحیی بن زیدهایی که داریم برایشان جذاب است، ولو این که این مزار زید بن علی یا مزار یحیی بن زید واقعی نباشد. این تبادل هیئت ها، تبادل سـفرها و همین جلسات؛ چه اشکالی دارد ما که پول خرج می کنیم. مثل

همین جلسه از یک عالمی از صعده دعوت کنیم. اینها تأثیر دارد. اینها می آیند همین لبخند و حسن استقبال شما را که ببینند، وقتی به آن جا، می روند، مبلّغ می شوند. بدون چشم داشت کار کنیم.

یکی دیگر از دلایلی که عربستان در یمن زمینه ندارد اما ما داریم، همین «حراک جنوبی» است. این جنبش حراک جنوبی که از همان سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی فعال شد، آقای «سالم البیض» رئیس جمهور سابق یمن، جنوبی رهبر آن بود. به صورت تاریخی یمن جنوبی با عربستان میانه ی خوبی نداشت. چون عربستان معمولاً از یمن شمالی حمایت می کرد. اینها هم که بلوک شرقی بودند و یک دشمنی دیرینه ای بین جنوبی ها که الان بخش عمده شان استقلال طلب هستند، حتی در گفت وگوهای وطنی هم شرکت نکردند، از جمله همین آقای سالم البیض. ایشان رهبر جریان تندروی جنوب است که اصلاً گفت وگوهای ملی را هم تحریم کردند. البته بخشی از جنوبی ها به گفت وگوهای ملی آمدند و نتیجه اش هم این شد که در توافق نامه هفده بندی انصارالله با آقای عبدربه منصور الهادی، که دو مستشار بگذارند، یکی از حوثی ها و یکی از جنوبی ها. یک مشاور عالی رئیس جمهور از حوثی ها، یک مشاور از جنوبی ها. نکته بنده این است که حراک جنوبی، عمدتاً دارای روابط خوبی با ایران هستند، آقای سالم البیض روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارد. این خیلی مهم است.

ص:۲۴۸

بالاخره پنج و شش استان جنوبی یمن مرکز قدرت حراک جنوبی است که حالا بخشی از آنها استقلال طلب هستند. ولی بخشی دیگر از آنها هم در این گفتگوهای وطنی حضوردارند و سهم شان را از قدرت و اقالیم دریافت کردند. این هم یک برگ برنده به نفع ماست.

شیعیان دوازده امامی یمن

شیعیان دوازده امامی در یمن مختلفند. متأسفانه بعضی ها که ما هم در نظام احیاناً با آنها مشکل داریم آن جا رفتند و کارهایی طایفه گرایانه و فرقه گرایانه انجام دادند و کاری هم به کار زیدی ها نداشتند. اینها به نظرم بازنده اصلی هستند. چون در یمن اثناعشریه و حتی اسماعیلیه در برابر زیدیه هیچ قدرت جدی ای به حساب نمی آیند. اگر قرار باشد در یمن اثناعشریه هم رشد کرده و حرکتی کنند، باید زیر سایه زیدیان باشد. یعنی باید ما یک شخصیتی مثل همین آقای عبدالملک الحوثی را بالا داشته باشیم که حمایت کند و راه را بر ما نبندد. چون آنها یک جمعیت قابل توجه هستند. ضمن این که بعضی از دوستان خودمان هم که با نظام و جمهوری اسلامی ارتباط داشتند و زاویه هم نداشتند، دچار همین اشتباه تاکتیکی شدند.

ص:۲۴۹

برخی می پرسند که آیا شیعیان اثنی عشریه آنجا فعالند یا نه و حزب و تشکل خاصی دارند یا خیر؟ باید گفت مجامعی هست، ولی در حد حزب نیست. ما می توانیم با این ها هم وارد تعامل شویم، منتها تعامل سازنده ای که اینها را هدایت کنیم به سمت پیوستن به کل تشیع. اسماعیلی ها هم در یمن مهم هستند. این ها با بمبئی در ارتباطند. روی آنها هم باید سرمایه گذاری کرد. اسماعیلیه داخل یمن غیر از اسماعیلیه نجران هستند. اسماعیلیه نجران مُکرمی یا مکارمه هستند. آنها با بمبئی در ارتباط نیستند، ولی آنهایی که در منطقه جبله و حتی در صنعاء زندگی می کنند، با بمبئی در ارتباط می باشند. آنها را هم باید در نظر داشته باشیم. اگر ان شاءالله قرار است یک برنامه راهبردی داشته باشیم، یکی از کارهایی که باید انجام دهیم این است که نباید حساسیت اسماعیلی ها را در یمن برانگیزیم. آنها و اثناعشریه را باید جذب کنیم.

معرفی «ملازم» شهید حسین الحوثی

مختار شیخ حسینی (۱)

«ملازم» مجموعه سخنرانی های شهید حسین الحوثی است که شامل ۶۶ سخنرانی است. یکی ازمهم ترین جنبه های سخنرانی های شهید حسین رویکرد قرآنی اوست شاید سیاسی ترین تفسیر از قرآن را بتوان از مجموعه سخنرانی های او استخراج کرد. مهم ترین موضوعات مستخرج از ملازم را می توان چنین برشمرد:

تأکید بر مسیر قرآنی، امید به نصرت الهی، عشق و علاقه به امام خمینی، الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران، ضدیت با یهود و نصاری، ضد آمریکایی و اسرائیلی، نقد صریح حکومت های عربی و...مطمئناً در فرصت بیشتر می توان بررسی و تحلیل ملازم جنبه های مختلف اندیشه سید حسین الحوثی را مورد کاوش قرار داد؛ اما به صورت اختصار برخی مؤلفه های مهم در اندیشه ایشان نقل می شود.

۱- (۱)) . دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم.

یهود و افساد: (۱)

لأنهم هم (وهم فی مجال أن یضربوا الأمه) یتغلغلون إلی داخلها بمختلف وسائلهم الخبیثه (وَ یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً) (المائده: من الآیه۳۳) فساداً ثقافیاً، فساداً أخلاقیاً، فساداً اقتصادیاً، فساداً فی البیئه، فساداً فی کل مجالات الحیاه. إذاً فلا بد, لا بد أن تتحرک فی مجال الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر والدعوه إلی الخیر، وإلا فماذا؟...

اصلاح درونی؛ راهکار مقابله

(وَ لْتَکُنْ مِنْکُمْ أُمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (آل عمران:۱۰۴) (فی طریق أن تکونوا بمستوی أن تواجهوا أهل الکتاب لا بد أن تؤهلوا أنفسکم، لتتحرکوا أولاً فی مجال إصلاح المجتمع من الداخل... فلا بد أن تکونوا معتصمین بحبل الله جمیعاً، ثم تنطلقون بشکل جماعی (بعد أن تؤهلوا أنفسکم وتجعلوا من أنفسکم أمه قادره علی أن تتحرک فی الداخل أولًا) فی الدعوه إلی الخیر والأمر بالمعروف والنهی عن المنکر.

ص:۲۵۲

۱- (۱)) . درس دوم ال عمران.

بازگشت به قرآن (۱)

فیجب أن یبحث الناس عمن یعتصمون به، عمن یلجئون إلیه..الله یقول: « وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلیٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِیمٍ » (آل عمران: من الآیه۱۰۱) لیس هناک أی وسیله للنجاه سوی الإعتصام بالله. الإعتصام بالله یُقدم فی ساحه المسلمین من زمان طویل أن معناه [العمل بکتاب الله وسنه رسوله] ما هکذا یقال؟ وهی آخر ما یمکن أن نتصور للمسأله باعتبارها هی هذه, لا یوجد غیر هذا. هذه حق، لکن ما معنی « وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ » بالله؟. وصلنا أمس إلی أن الله سبحانه وتعالی لم یجعل شیئاً بدیلاً عنه فی علاقتنا به، وحتی القرآن الکریم لیس بدیلاً عن الله إطلاقاً, بل هو من أکثر ما فیه، وأکثر مقاصده، وأکثر ما یدور حوله هو أن یشدک نحو الله.

الله لیس کأی رئیس دوله، أو رئیس مجلس نواب یعمل کتاب قانون فنحن نتداول هذا الکتاب ولا نبحث عمن صدر منه، ولا یهمنا أمره، ما هذا الذی یحصل بالنسبه لدساتیر الدنیا؟ دستور یصدر، أنت تراه وهو لیس فیه ما یشدک نحو من صاغه، وأنت فی نفس الوقت لیس فی ذهنک شیء بالنسبه لمن صاغه, ربما قد مات، ربما قد نفی، ربما فی أی حاله، ربما حتی لو ظلم هو لا یهمک أمره. لکن القرآن الکریم هو کل

ص:۲۵۳

۱- (۱)) . درس دوم از سوره ال عمران.

ما فیه یشدک نحو الله، فتعیش حاله العلاقه القویه بالله، الشعور بالحب لله، بالتقدیس لله، بالتعظیم لله، بالالتجاء إلیه فی کل أمورک، فی مقام الهدایه تحتاج إلیه هو، حتی فی مجال أن تعرف کتابه. (إِنْ تَتَّقُوا اللّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً) (الأنفال: من الآیه۲۹) ألم یتحدث القرآن عن التنویر، والنور, والفرقان، التی یجعلها تأتی منه؟ لیس هناک شیء بدیلاً عن الله إطلاقاً. فأن تأتی للقرآن الکریم هو هو ولیس فی ذهنک الله سبحانه وتعالی, العلاقه القویه بالله، الثقه القویه بالله؛ فإن القرآن فی الأخیر لا تستفید منه.

جنایت جهانی یهود (۱)

من لا یتحرک بعد هذا فإنه جدیر إذا کان هناک ما هو أذل له من أن یکون عنقه تحت أقدام الیهود لکان جدیراً به، یکون جدیراً بالذله فی الدنیا، وجدیراً بأن یکون فی قعر جهنم فی الآخره؛ لأننا لم نجن علی أنفسنا، نحن العرب لم نجن علی أنفسنا فقط، بل جنینا علی البشریه کلها، ترکناها ضحیه لمن یسعون فی الأرض فساداً، فکم هو إثم العرب! کم هی الجریمه التی ارتکبها العرب! أن یکون آلاف الملایین من البشر المساکین، الذین لا یفهمون شیئاً أمام الخبث والمکر الیهودی.

۱- (۱)) . درس چهارم از تفسیر سوره ال عمران.

يقول أحد الكتاب عن الأمريكيين، قال: ۹۴ أو ۹۶٪ من الأمريكيين العاديين تحت مستوى درجه الذكاء، فلماذا حركت أمريكا على هـذا النحو، وحرك العالم على هـذا النحو؟ هو الخبث والمكر اليهودى، هو القـدره اليهوديه على التخطيط، والتنفيـذ، فلعبوا بالعـالم فعلاً، دوخوا حتى النصـارى، تلـك الشـعوب من النصارى دوخوها، وجعلوها تقف معهم، وهم من كانوا يحملون حقـداً كبيراً عليهم، وهم من كانوا يتهمونهم بقتل المسـيح، وصلبه، يستخرجون قراراً من مرجعيه المجتمع النصرانى بتبرئه اليهود وساحه اليهود عن قتل السـيد المسـيح! ففكوا عن أنفسـهم عقده كانت عليهم فى قلوب النصارى، ليضـمنوا بها أن يشـتغلوا من جديد فى أوساطهم، فيكونون هم الرأى الذى يؤيدهم، هم الكلمه التى تؤيدهم، بأموالهم، بأقلامهم، بألسنتهم، بمواقفهم.

خمس عشر مليون يهودى فقط فى العالم هذا كله - كما يقولون فى الإحصائيات - خمس عشر مليون، أقل من سكان اليمن، هم من يحرك هذا العالم، أقل من سكان اليمن!

لعن يهود در قرآن (۱)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الظّالِمِينَ)

ص:۲۵۵

۱- (۱)) . درس اول تفسيرسوره مائده.

تبدأ هذه الآيات الكريمه بنداء يتكرر كثيراً فی القرآن الکريم يخاطب الناس الذين قد شـهدوا على أنفسـهم بأنهم مؤمنون باسـم إيمـانهم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) كل من يرى أنه مؤمن، كل من ين-تسب إلى هـذا الاسم العظيم اسم (الإيمان). (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) أنتم من تعـدون أنفسـكم مؤمنين انتبهوا، انتبهوا، قد تقعون فی موالاه اليهود والنصارى من حيث تشـعرون أو من حيث لا تشعرون، فيوجه النهى بصراحه: (لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ).

تبـدو الآـيه وكأنهـا غريبه كيف مؤمن يتولى يهوديـاً ونصـرانياً!!، ما العقائـد أصـبحت متباينه؟. المؤمن المسـلم غير اليهودى وغير النصـرانى؟ المسـلم من أول أيام إسلامه هو من وُوجه من جانب اليهود بشراسه تجعله يحمل حقداً لليهود، ويحمل عداءً لليهود؟ هـو من يرى أنه فی مكـان واليهـود فی مكـان آخر، هـو مفصول عنهم مبـاين لهم، ليس بينه وبينهم أى علاـقه، فكيف يمكن أن يكون ممن يتخذهم أولياء؟

ألسـنا نلعن اليهود؟ نلعن اليهود ونحن نلعن النصارى، ونحن نبغضـهم ونعاديهم ونكرههم، ومتى ما غضب أحـدنا على الآخر قال له: [يا يهودى، أنت نصـرانى أنت يهودى أنت كـذا]، لكن على الرغم من هذا كله قد تصل المسأله إلى درجه أن يكونوا من هم يحملـون اسم إيمـان, ينتمون إلى هـذا الاـسم أن ينطلقوا هم ليتخـذوهم أوليـاء، أن ينطلقوا هم ليطيعوهم فيردوهم بعـد إيمـانهم كافرين.

ما الذی سیدفع إلی هذا؟ هل أن الیهود والنصاری سیبدون أمامنا من أولیاء الله فننطلق نحو تولیهم أو طاعتهم.. سیتغیرون؟ أو أن عداوتهم ستذوب من قلوبنا؟ أو یبدون لنا بشکل یشدنا إلیهم؟ ما الذی یشدنا إلیهم؟ ما الذی یمکن أن یشد الإنسان المؤمن إلیهم فیکاد هو الذی یبحث عن کیف یتخذهم أولیاء؟! ویکاد هو الذی ینطلق فی طاعتهم لیطیعهم لیردوه بعد إیمانه کافراً؟ وهنا لیصبح مثلهم، ویصبح ظالماً کما هم ظالمون، ظالماً لنفسه وظالماً للبشریه.

إذاً فماذا؟ معنی هذا أنه سیحصل وأنت تحمل اسم الإیمان، والیهود علی ما هم علیه لم یتغیروا بعد إلی درجه أعلی فتجعلک أنت تنجذب نحوهم لکونهم أصبحوا من أولیاء الله، هم هم الیهود، الذین یبدون أمامک ملعونین، یبدون أمامک مبغوضین ومکروهین. هم من قد تنطلق – وأنت تحمل اسم الإیمان – لتتولاهم.

قرآن چراغ راه آینده (۱)

قلنا أکثر من مره بأن القرآن الکریم یستطیع أن یکشف لکل أم–ه واقعها، یستطیع أن یکشف لک الواقع.

«فیه خبر ما بعدکم» خبر ما سیأتی بعدکم لکن لیس علی سبیل الإخبار التاریخی بأنه سیأتی فی عام کذا وکذا یحصل کذا وکذا.. لا. بطریقه

۱– (۱)) . درس سوم تفسیر سوره مائده.

أخرى بطريقه أخرى لا يستطيع أحد أن يعملها. «ألا إنها ستكون فتنه.. فقلت: ما المخرج منها يا رسول الله؟. قال: كتاب الله فيه نبأ ما قبلكم» ونبأ ما قبلنا فيه عبره ودروس لنا فى مقام الهدايه «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ » (يوسف: من الآيه ١١١).

ولايت امام على(عليه السلام) (١)

ومن يقول: [نحن الآن مشغولين بمواجهه إسرائيل وأمريكا لسنا مشغولين بعلى، على سلام الله عليه قد قُتل ذالك اليوم ونحن نحبه، ومع السلامه، نحن مشغولون بعمل، ونحن مشغولون بالإسلام ومشغولين بمواجهه أمريكا وإسرائيل]. هذه هى جهاله، أن يكون على قد مات بالنسبه لنا كما كان أرمد فى خيبر بالنسبه لأولئك، ستحتاج الأمه إلى أن تتولى علياً وإن كان على قد تحول إلى تراب فى قبره، ستحتاج إلى أن تتولاه لتهتدى؛ لتسلم قلوبها، لتسلم فى حياتها، تحتاج إلى أن تتولاه؛ لأن توليه شرط فى تأهيل نفسها لتكون من (حزب الله) ما لم فلن يتحقق شيء، والله متى ما رسم شيئاً وحدده فلا يمكن أن يكون هناك شيء بديلاً عنه مهما بدا لك أنه يمكن أن يكون بديلاً عنه، فلا يمكن.

١- ((١)) . مائده دوم.

(وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغالِبُونَ) (المائده: ۵۶) الذين آمنوا هنا هو الإمام على عليه السلام، بدون ولايه الإمام على عليه السلام لن تتحقق هدايه، ولن يتحقق للأمه ولأى جماعه وضعيه تكون عليها جديره بأن تسمى ب- (حزب الله) فتحظى بتأييد الله فتصبح هى حزبه الغالب.

كلمه « الْغالِبُونَ » هى جاءت فى واجهه الحديث عن مواجهه اليهود والنصارى وهم أعداء الأمه على امتداد التاريخ، لماذا؟ بالنسبه لله سبحانه وتعالى كلنا متفقون على الله، أليس كذلك؟ حتى المشركين كانوا يعترفون بالله، « وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللّهُ » (الزخرف: ۸۷).

شيعه محور وحدت جهان اسلام (۱)

الشيعه فى تاريخهم الطويل كانوا هم أكثر الطوائف حرصاً على تهيئه الأجواء للتوحد مع الآخرين، ولكن الآخرين لم يكن لديهم ذره من حرص على أن يتوحدوا مع الشيعه، أو يلتفتوا إلى الشيعه، أو يحملوا ذره احترام للشيعه.

۱- ((۱)) . درس چهارم تفسير مائده.

امام خمینی نماد توکل به خداوند

وما أكثر ما كان يردد الإمام الخمينى (رحمه الله عليه) كلمه [يجب أن نعتمـد على الله] يقول للإيرانيين: اعتمـدوا على الله، توكلوا على الله، بالاعتماد على الله نسـتطيع أن ننتصـر، بالاعتماد على الله نستطيع أن نقف على أقدامنا دون حاجه إلى أن نستعين بهذا أو هذا ممن لا تمثل اسـتعانتنا به شـيئاً، ممن لا يمكن الاستعانه بهم إلا وندفع من إيماننا، ومن ديننا ثمن الاستعانه بهم. كيف لو فهم زعماء العرب الاعتماد على الله، والتوكل على الله، لو كانوا بهـذا المسـتوى كيف كانوا سـيكونون فى هذا العالم، لكن لا. انطلقوا كلٌ منهم يحاول أن يسـتعين بهـذا أو بهذا بتلك الدوله أو بتلك، فى كل أموره، حتى فى مجال الخبره فى كيف ينظف مدينته، فى كل شئون الحياه، أصبحوا يعتمدون عليهم.

إذاً فلِنكون صـادقين فى إيماننـا يجب أن يكون إيماناً واعياً بالشـكل الـذى يخلق لـدينا هـذه المقومات المهمه، ثقه بالله، اعتماداً على الله، حباً لله، استعانه بـالله، توكلاً على الله، ألم يقل هو: (وَ عَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)(آل عمران: من الآيه١٢٢) (وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) (الطلاق: من الآيه٣) أليست هكذا الوعود الإلهيه؟. وهى وعود أصـبحنا فى واقعنا - كباراً وصغارا - لا نثق بها.

حذف اسلام هدف غایی یهود و نصارا (۱)

الله سبحانه وتعالى یصف کتابه الکریم بأنه آیات «تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ»(یونس: من الآیه۱) تکررت هذه الکلمه کثیراً فی القرآن الکریم تصف القرآن الکریم بأنه آیات، الآیات معناها: أعلام، معالم، حقائق.. کلما فی القرآن الکریم هو حقائق لا شک فیها (لاَ رَیْبَ فِیهِ) (البقره: من الآیه۲) لا مریه فیها أبداً.

من تلک الآیات قول الله سبحانه وتعالى: (وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) (البقره: من الآیه۱۲۰) هذه آیه، أی هذه حقیقه لا تتخلف «لَنْ تَرْضَی عَنْکَ» ب- [لن] النافیه، لن یرضوا عنک أبداً مهما عملت لهم، مهما قدمت لهم، مهما أظهرت من حسن نوایا معهم، مهما أظهرت من تعاون معهم، إنهم لن یرضوا عنک أبداً.

ولن ترضى عنک الیهود، ولن ترضى عنک أیضاً النصارى حتى تتبع ملتهم، فتکون کواحد منهم صریحاً، تتبع ملتهم، وهم لن یعترفوا بک أنک قد أصبحت متبعاً لملتهم إلا بعد أن یتأکدوا منک أنک قد تخلیت عما أنت علیه، عن ملتک التی أنت علیها، وعن أمتک التی أنت منها.

ص:۲۶۱

۱- (۱)) . سخنرانی لن ترضی عنک الیهود و النصاری.

فعنـدما يقول الله سـبحانه وتعـالی: «حَتّی تَتَّبعَ مِلَّتَهُمْ » معناهـا أيضـاً - فيمـا نفهم - أنه أيضـاً هم لن يقبلوا منک إلا أن تتخلی عن ملتک التی أنت عليها، وعن أمتک التی أنت منها. هـذه حقيقه.آيات الله حقائق، وفی نفس الوقت سـيأتی الواقع يكشـفها، فيقول فی آيه أخری: (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتّی يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ وَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ شَهِيدٌ) (فصلت:۵۳).

دائمی نبودن تعامل سعودی با آمريكا (۱)

عنوان الكلام هو أن الله قـال سـبحانه وتعالی: (وَ لَنْ تَرْضی عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتّی تَتَّبعَ مِلَّتَهُمْ) (البقره: من الآيه ۱۲۰) تجلت فی هـذه الأيـام، وأعتقـد - كلكم تعرفون - تجلت أحـداث هی مصـاديق لهـذه الحقيقه الإلهيه بـأن اليهود والنصـاری لن يرضـوا عن أی شـخص مهمـا كـان صـديقاً لهم وإن ملأـت العهود والإتفاقيـات والمواثيق معهم أدراج مكتبه، وإن قـدموا له فی ماضيه ما قدموا، وإن قدم لهم هو من الخدمات ما قدم فإنهم لن يرضوا عنه.

موقف السعوديه الآن أليس معروفاً لـدينا؟ الم تكن السـعوديه معروفه عنـد الجميع بأن لها علاقه قويه جـداً مع أمريكا وصـديقه لأمريكا، ولم نعلم أن هناك ما طرأ من جانب السعوديه جعل أمريكا هی التی تغير

۱- (۱)) . لن ترضی عنک اليهود و النصاری .

موقفها، هم تغيروا هم أليس كذلك؟ لأنهم فى واقعهم - وعلى مدى السنوات الماضيه الطويله، وعلى الرغم من التعامل الواسع مع السعوديه وكذلك مع شعوب أخرى، فى كل تلك الفتره - هم ما زالوا أعداء، والعدو لا يمكن أن ينصح لك، ولا يمكن أن يخلص لك، عدو تاريخى، عدو عداوه مستقره ثابته، فكلما تقدمه له فإنه لن يرضى عنك أبداً حتى تكون على النحو الذى يريد.. وما هو النحو هذا؟. هو ما قال الله عنه: « حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ » واتباع ملتهم هو أيضاً أن تتخلى عن ملتك, وعن أمتك وعن شخصيتك وهويتك التى أنت عليها، هذا هو ما لا بد منه، وإلا فأنت ما تزال غير مرغوب فيه، وغير مرضى عنه مهما حاولت.

لو رجع هو أو أى شخص يحصل لديه هذا الشعور إلى قول الله تعالى: (وَ لَنْ تَرْضىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لاَ النَّصاریٰ حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) (البقره: من الآيه١٢٠) لكان هو من لا يمكن أن يثق بهم، لكان هو من يأخذ حيطته اللازمه فى مواجهه كيدهم ومؤامراتهم وما يمكن أن يدبروه للناس؛ لأنهم إذا كانوا لا يرضون عنا وهم أعداء وامتلكوا قدرات.. فما هو المحتمل أن يعملوا؟ أليس المحتمل أن يعملوا كل شىء حتى تكون ملتهم هى الماثله أمام الجميع، وحتى تكون ملتنا غائبه لا وجود لها، أو أن يحملوا من أمكن على أن يكون فى واقعه مؤيد لملتهم وعلى ملتهم.

ایران الگوی مبارزه با امریکا (۱)

والمفترض أننـا هنا فی الیمن یجب أن نتنبه سواء الرئیس أو الـدوله أو المواطنین أنفسـهم أن یتنبهوا إلی أنه یجب أن یتعاملوا مع أمریکا ومع الإعلام المضاد کما یتعامل إیران تماماً

آمریکا در کلام امام خمینی (۲)

الإمام الخمینی (رحمه الله علیه) سمی أمریکا بأنها: [الشیطان الأکبر]، وأنها هی وراء کل شر؛ لأن من یحکم أمریکا ویهیمن علی أمریکا هم الیهود، والیهود کما حکی الله عنهم فی القرآن الکریم فی آیات کثیره: أنهم یسـعون فی الأرض فساداً، وأنهم یودون لو یضـلون النـاس، وأنهم یریـدون أن یضـل النـاس، وأنهم لاـ یودون للمؤمنین أی خیر، وأنهم یعضون علیکم الأنامل من الغیظ، وکم ذکر فی القرآن الکریم مما یدل علی عدائهم الشدید للمسلمین والإسلام.

۱- (۱)) لن ترضی عنک الیهود و النصاری

۲- (۲)) .خطر دخول امریکا الیمن

نابودی مخالفین ایران (۱)

کـل من وقفوا ضـد الثوره الإسـلامیه فی إیران أیـام الإمام الخمینی رأیناهم دوله بعـد دوله یـذوقون وبال ما عملوا.. من وقفوا مع العراق ضـد الجمهوریه الإسـلامیه، والتی کانت ولا تزال من أشـد الأعـداء للأمریکیین وللإسـرائیلیین، حیث کان الإمام الخمینی (رحمـه الله علیـه) یحرص جـداً علی أن یحرر العرب، ویحرر المسـلمین مـن هیمنـه أمریکـا ودول الغرب، ویتجـه للقضـاء علی إسـرائیل، لکن الجمیع وقفـوا فی وجهه! ورأینـا کـل من وقفـوا فی وجهه کیف أنهم ضُـربوا من قِبَـلِ مَن أعـانوهم، ومن کـانت أعمالهم فی صالحهم.

الکویت ضرِب, والعراق ضُرِب، ألیس کذلک؟ والسعودیه أیضاً ضربت من قِبَل العراق، وضربت اقتصادیاً لإثقال کاهلها من قِبَل الأـمریکیین، الیمن نفسه شـارک بأعـداد کبیره من الجیش ذهبوا لیحـاربوا الإـیرانیین، لیحـاربوا الثوره الإسـلامیه فی إیران.الإمام الخمینی کان إماماً عادلاً, کان إماماً تقیاً.. والإمام العادل لا ترد دعوته، کما ورد فی الحدیث.

من المتوقع أن الرئیس, وأن الجیش الیمنی لا بد أن یناله عقوبه ما عمل.

ص:۲۶۵

۱- (۱)) .خطر دخول امریکا الیمن.

خود باختگی نتیجه عدم اعتماد به نصرت الهی (۱)

کان بعضهم يزور لندن فإذا ما زار ورأى البنايات الشامخه ورأى الحركه، ورأى المظاهر الجميله، فيقول من يستطيع أن يقاوم هؤلاء، ورجع وقد بردت أعصابه كلها, وتلاشت كل ثوريته, وتلاشى حماسه، بل بعضهم يعود داعيةً لأن تبقى بريطانيا مستعمره لشعبه! وقد يعود بعضهم أيضاً داعيةً إلى أن يتثقف أبناء شعبه بثقافه تلك الدوله، كما صنع [رفاعه الطهطاوى] أحد العلماء المصريين، عندما زار باريس.

هكذا يصبح الحال أمام من لا يفهمون كتاب الله بالشكل الذى يجعل كل شىء أمامهم ضعيفاً أمام قوه الله وجبروته, وعزته وقهره، وإذا لم نكن على هذا النحو سنرى الآخرين - وكما أسلفت - كلهم أكبر من أولياء الله، ووليهم أكبر من الله، وكل ما لديهم أكبر من إيماننا فتكون الأشياء كلها مما يعزز اليأس فى نفسك، ومتى ما تعزز اليأس فى نفوس الناس تلاشت كل القيم أمامهم، وأصبحوا هم من يسخرون ممن يحاول أن يحركهم، أصبحوا ممن يرون الأشياء كلها مستحيله؛ ولهذا لما كان الإنسان كإنسانٍ ضعيفاً كما قال الله: « وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِيفاً »(النساء: من الآيه۲۸).

ص:۲۶۶

۱- (۱)) خطر دخول امريكا اليمن.

إذا لم يشتد بإلهه، إذا لم يعتمد على إلهه فإنه سيكون ضعيفاً، وها هو ضعيف حتى أمام خصومه من الحيوانات، أوليس الثعبان يقتله، والنمله تؤلمه؟ ووخزه الشوك تؤلمه وتقعده؟ لكنك إذا ما اعتمدت على الله تحول كل ضعفك إلى قوه. ولأن الإنسان هكذا جاء العمل على أن يصنع الإنسان على هذا النحو فى القرآن الكريم مكرراً ومؤكداً، وكثيراً جداً، ومرفقاً حتى بالقسم الإلهى, يقسم الله؛ من أجل أن نطمئن؛ من أجل أن يدفعنا من ضعفنا, أن يشدنا إلى حيث قوته وعزته ومنعته (وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ) (الحج: من الآيه ۴۰) هذا كلام مؤكد، مؤكد باللام [الموطِّئه للقسم] كما يقولون.. العباره تساوى: والله (لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ).

مبارزه با تروریسم ابزار استعمار جدید (۱)

الاستعمار الحديث الآن جاء تحت عنوان خبيث، باسم مكافحه إرهاب, ومعهم مجموعه يسمونهم إرهابيين يقسموهم على المناطق، وفى الأخير يقولوا نريد ندخل نطرّدهم, نلحق بعدهم, ويدخلوا المناطق, يدخلوا البلدان, يدخلوا البلاد ويحتلوها ويهيمنوا عليها, ويكونوا قد خضعوا الدوله فيها, والناس ما يروا شيء إلا عندما تستحكم قبضتهم, ما يرى الناس أشياء, ما يروا أمريكيين أمامهم زاحفين، إلا بعدما يكون قد

۱- ((۱)) . الشعار سلاح و موقف.

استحكمت قبضتهم, قد دخلوا البلاد, بنو قواعد عسكريه, توافدوا بأعداد كبيره.

وما يزال تحت عنوان مكافحه إرهاب, مكافحه إرهاب، مثلما تعمل إسرائيل الآن, لاحظ إسرائيل كم قد لها محتل فى فلسطين؟ حوالى خمسين سنه, وتلاحظ ما حصلوا على ذريعه أحسن مما حصلوا عليها تحت اسم مكافحه إرهاب فى الأيام هذه, فى السنه هذه, الآن يدخلون المدن وباسم أنهم ملاحقين إرهابيين, يدمروا ويقتلوا ويجرفوا مزارع ويقلعوا الأشجار، باسم أنهم ملاحقين إرهابيين, وباسم أنهم مكافحه إرهاب، وأنهم يكافحوا إرهابيين، وهناك إرهابيين يحاربونهم.

استخدموه الآن كسلاح, استخدموه كذريعه, كمبرر ليلجموا به العرب؛ لأن الحكومات العربيه أرغمتها أمريكا أن تدخل معها فى اتفاقيه مكافحه الإرهاب, وفلسطين إرهابيين, وستدخل إسرائيل لتلاحق الناشطين فى حماس, فى فتح, فى الجهاد الإسلامى, تحت مبرر [هؤلاء إرهابيين] وهى محتله, ما هى محتل من قبل؟ ما حصَّلت لها ذريعه مثلما حصلت لها فى السنه هذه, وهو كان بدايه شر هذا العنوان الذى طرحوه باسم مكافحه إرهاب, وأنت تجده أنه ما يتوجه إلا إلى المسلمين, وإلى المجاهدين من المسلمين, يعنى المقصود من ورائه ضرب الحركات الجهاديه, وضرب حركات التحرر.

يعملون لهم مجموعه باسم أنهم إرهابيين وما هم إرهابيين، هم أصحابهم, هم الذين ربوهم, هم الذين وزعوهم على المناطق, ثم

یـدخلوا بـاسم أنهم یلاحقونهم, یلاحقونهم, یطاردونهم, یطاردونهم فی أکثر من ۶۰ دوله, من الذی سـینقلهم إلی ۶۰ دوله؟ من الذی سیعطیهم الإمکانیات هذه، الذین یسمونهم تنظیم القاعده؟ وبعدین یلاحقونهم.

فریاد بر سر مستکبران؛ وظیفه ای دائمی و همگانی. (۱)

نعود من جدید أمام هذه الأحداث لنقول: هل نحن مسـتعدون أن لا نعمل شـیئاً؟ ثم إذا قلنا نحن مسـتعدون أن نعمل شیئاً فما هو الجواب علی من یقول: [ماذا نعمل؟].

أقول لکم أیها الاخوه اصرخوا، ألستم تملکون صرخه أن تنادوا:

[الله أکبر / الموت لأمریکا / الموت لإسرائیل / اللعنه علی الیهود / النصر للإسلام]

ألیست هذه صـرخه یمکن لأی واحد منکم أن یطلقها؟ بل شرف عظیم لو نطلقها نحن الآن فی هذه القاعه فتکون هذه المدرسه، وتکونون أنتم أول من صرخ هذه الصرخه التی بالتأکید – بإذن الله – ستکون صرخه لیس فی هذا المکان وحده، بل وفی أماکن أخری، وستجدون من یصرخ معکم – إن شاء الله – فی مناطق أخری:

« الله أکبر / الموت لأمریکا / الموت لإسرائیل / اللعنه علی الیهود / النصر للإسلام».((۲))

۱- ((۱)) .الصرخه فی وجه المستکبرین.

۲- ((۲)) ۱. کان هذا فی تاریخ ۲۰۰۲/۱/۱۷م أول انطلاقه لتردید هذا الشعار فی قاعه مدرسه الإمام الهادی فی مَرَّان – صعده – .

هذه الصرخه أليست سهله، كل واحد بإمكانه أن يعملها وأن يقولها؟

إنها من وجهه نظر الأمريكيين - اليهود والنصارى - تشكل خطوره بالغه عليهم.

إذاً عرفنا أن باستطاعتنا أن نعمل، وأن بأيدينا وفي متناولنا كثير من الأعمال، وهذه الصرخه [الله أكبر/ صرخه الموت لأمريكا / الموت لإسرائيل/ اللعنه على اليهود - لأنهم هم من يحركون هذا العالم من يفسدون في هذا العالم - / النصر للإسلام] هي ستترك أثرها، ستترك أثراً كبيراً في نفوس الناس.

روزقدس يادگار امام خميني (۱)

في هذا الشهر الكريم اقترح الإمام الخميني (رحمه الله عليه) ذلك الرجل العظيم من سلاله بيت النبوه, ومعدن الرساله أن تكون آخر جمعه من شهر رمضان هي يومٌ يسمى: [يوم القدس العالمي]، دعا الإمام الخميني كل المسلمين في مختلف أقطار الدنيا إلى إحياء هذا اليوم, وتخصيصه لخلق الوعي في صفوفهم, وتهيئه أنفسهم ليكونوا بمستوى المواجهه لأعدائهم.

ص:۲۷۰

۱- (۱)) . يوم القدس العالمي.

ففی عشرین من شهر رمضان [عام ۱۳۹۹ ه- الموافق ۱۹۷۹/۸/۱۵ م] أعلن الإمام الخمینی هذا المقترح فی دعوهٍ, وفی بیانٍ عام وجهه للمسلمین جمیعاً قال فیه: «إننی أدعو کافه المسلمین فی جمیع أرجاء العالم والدول الإسلامیه إلی أن یتحدوا من أجل قطع ید هذا الغاصب ومساعدیه - یعنی إسرائیل - وأدعو جمیع المسلمین فی العالم أن یعلنوا آخر یوم جمعه من شهر رمضان المبارک الذی یعتبر من أیام لیالی القدر، ویمکنه أن یلعب دوراً مهماً فی مصیر الشعب الفلسطینی [یوم القدس العالمی], وأن یعلنوا ضمن مراسم هذا الیوم اتحاد المسلمین بجمیع طوائفهم فی الدفاع عن الحقوق القانونیه للشعب الفلسطینی المسلم)). روح الله الموسوی الخمینی. (رحمه الله علیه).

ملت ها مخاطب امام در روز قدس (۱)

الإمام الخمینی هو الشخص الذی عُرِف بجدّیته فی مواجهه أعداء الإسلام کافهً، فی مواجهه أمریکا وعدّها [الشیطان الأکبر]، واعتبرها وراء کل ما یلحق بالمسلمین من ذلٍ وإهانهٍ، وغیر ذلک من الشرور. الإمام الخمینی کان رجلاً یفهم المشکله التی یعانی منها المسلمون، ویعرف الحل والمخرج لهذه الأمه مما تعانی منه، وبعد أن قال هو أنه قد یأس من أن تعمل حکومات المسلمین شیئاً اتجه إلی الشعوب

ص:۲۷۱

۱- (۱)) . یوم القدس العالمی.

أنفسها، طلب من الشعوب جميعاً أن تجعل هذا اليوم, آخر جمعه من شهر رمضان يوماً يسمى: [يوم القدس العالمى] .

مبناى قرانى غده سرطانى بودن اسرائيل (۱)

الإمام الخمينى (رحمه الله عليه) هو الذى أطلق على إسرائيل اسم [الغده السرطانيه] وهو لا زال فى حركته الجهاديه داخل إيران قبل انتصار الثوره الإسلاميه، وكانت قضيه إسرائيل هى من أولى اهتماماته أثناء جهاده فى إيران قبل انتصار الثوره الإسلاميه. عندما أطلق هذا الاسم على إسرائيل [غدةً سرطانيه] معلوم أن السرطان إذا ما ترعرع فى أى جسم من أجسام البشر لا بد إما أن يتمكن الإنسان من القضاء عليه واستئصاله وإلا ـ فإنه لا ـ بد أن يُنهى ذلك الجسم، لا ـ بد أن يخلخل ذلك الهيكل الذى نما وترعرع فيه.

من أين جاءت هذه الرؤيه الصحيحه للإمام الخمينى (رحمه الله عليه)؟ من أين جاءت؟ من القرآن الكريم، من القرآن الكريم الذى تحدث عن اليهود كثيراً, ومما قاله عن اليهود, ومما وصفهم به: (أَ وَ كُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْداً نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ) (البقره: من الآيه۱۰۰) كلما عاهدوا عهداً، إذا ما عاهد [حزب العمل] عهداً نقضه [حزب اللّيكود] عندما

۱- ((۱)) . يوم القدس العالمى.

يتسلم السلطه، إذا ما دخل [الـلِ يَكود] فى معاهدات ومواثيق مع الفلسطينيين ومع العرب نقضه [حزب العمل] عندما يتسلم السلطه.

كم من المعاهدات، كم من المعاهدات قامت فى ما بين إسرائيل وبين العرب، بين دول عربيه وبين إسرائيل وبين الفلسطينيين، معاهدات [أُوسْـلُو] ومعاهدات كثيره كثيره، وفى لحظه من اللحظات تتنكر إسرائيل لكل تلك المعاهدات، وما زال العرب وما زال الفلسطينيون أنفسهم يعلنون أمام كل نكث عهد من قبل إسرائيل أنهم متمسكون وملتزمون بمعاهدات السلام، أنهم محافظون على السلام!.

شيعه در خط مقدم مبارزه با آمریکا (۱)

ألسنا الآن ننقد الأنظمه العربيه، ننقد العرب الآخرين ومعظمهم سنه، طيب نحن الشيعه، الشيعه برزوا فعلًا أشد إنكاء لإسرائيل ولأمريكا، إيران, حزب الله برزت أقوى عدو لدود لأمريكا وإسرائيل، وأفضل أجهزه إعلاميه لديها، تخلق وعياً لدى المسلمين.. نحن الشيعه الزيود يجب أن نكون واعين أكثر من وعى الإيرانيين، أكثر من وعى حزب الله.

وإذا ما وعى الزيود أنفسهم وكانوا بمستوى المسئوليه التى حملهم الله سبحانه وتعالى، أن يكونوا بمستوى الدفاع عن دينه، الدفاع عن عباده

ص:۲۷۳

۱- (۱)) . يوم القدس العالمى.

فلاـ بـد أن يصـل الزيود – وإن كانوا بشـكل طائفه بسـيطه – إلى أن يكون لـديهم قـدره يخلقوا وعياً فى أوساط المسـلمين، كما استطاع حزب الله، كما استطاعت إيران.

فنحن نحن طلاب العلم، ونحن هؤلاء الناس الذين نقول: لماذا العرب لا يعملون شيئاً!. نحن نستطيع أن نعمل شيئاً، إذا رجعنا إلى القرآن كما اسـتطاع حزب الله، وحزب الله من الأمثله الإلهيه.يجب أن نفهم أن هـذه من الحجج علينا، احتج الله على العرب وعلى المسـلمين بـإيران وبـالخمينى، واحتـج على الشـعوب كشـعوب، على النـاس كطوائـف بحزب الله، حزب الله اسـتطاع أن يرعب إسرائيل، استطاع إعلامها أن يقهر إعلام إسرائيل، استطاع أن يؤثر جداً على إسرائيل.

ص:۲۷۴

معرفی پایان نامه، کتاب و سایت ها درباره تحوّلات یمن

مختار شیخ حسینی [(۱)]

در این بخش، پایان نامه ها، کتاب ها و برخی سایت ها جهت آشنایی بیشتر تحولات یمن و جنبش انصارالله معرفی می گردد

۱. تأثیر جبههٔ مقاومت اسلامی و رهبری ایران بر ژئوپلتیک خاورمیانه (بررسی موردی الحوثی ها در کشور یمن)

پایان نامه، کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکدهٔ علوم سیاسی، ۱۳۹۰.

استاد راهنما: اکبر اشرفی

استاد مشاور: احمد بخشایشی

دانشجو: مرتضی بیات

ص:۲۷۵

۱- (۱)) . دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم

چکیده:

اگرچه پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ برای همهٔ دولت های جهان و مردمانشان یک واقعهٔ مهم تلقی می شود؛ اما به لحاظ ماهیت و میزان تأثیرگذاری اش اهمیت ویژه ای دارد. انقلاب اسلامی ایران از دو بعد بسیار مهم یعنی وقوع آن در یکی از بااهمیت ترین مناطق استراتژیکی جهان به عنوان جزیی از حوزهٔ نفوذ آمریکا و همسایهٔ شوروی و به چالش کشیدن این دو ابرقدرت و نیز تأثیر آن بر زنده کردن ارزش ها و آگاهی های اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقهٔ الگوگیری و بیداری اسلامی را در میان شیعیان جهان از جمله زیدی مذهبان و جنبش الحوثی های کشور یمن ایجاد کرده است. شهید حسین الحوثی، رهبر این جنبش یمنی با تأثیرپذیری از پیروزی انقلاب اسلامی، آشنایی با شخصیت و اندیشه های سیاسی رهبر انقلاب و نیز الگوگیری از تفکرات ایشان، هستهٔ مقاومت اسلامی را در کشور یمن پایه گذاری کرد و بیداری متأثر از اندیشه های اسلامی را در این کشور گسترش داد.

برجسته ترین دستاورد شهید حسین الحوثی، قرائت انقلابی از مفاهیم تشیع با الگو قراردادن تفکرات و بینش امام خمینی (رحمه

ص:۲۷۶

الله علیه) بود که از یک سو در مقابل نفوذ استعماری عربستان در یمن و نیز تبعیض مذهبی و سیاسی شدید حکومت این کشور برضد شیعیان، ایستادگی کرد و از دیگرسو، حلقهٔ جدیدی را به زنجیرهٔ محور مقاومت در منطقه افزود.

قطعاً پیدایش تشکلی انقلابی و متأثر از خط سیاسی امام خمینی(رحمه الله علیه) و جمهوری اسلامی ایران در کنار مرزهای مهم ترین هم پیمان سیاسی آمریکا در منطقه؛ یعنی عربستان، زنگ خطر بزرگی را برای آمریکا به صدا درآورد؛ به ویژه این که اصلی ترین اعتراض سیاسی این گروه، حضور نظامی بیگانگان و سیاست های تبعیض آمیز برضد شیعیان بوده است.

نقش و تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در تحرکات شکل گرفته میان جنبش های آزادی بخش منطقه، یکی از اهداف اصلی این جستار است که به طور خاص و با نگاهی متمرکز، الگوگیری جنبش الحوثی های کشور یمن از انقلاب اسلامی را واکاوی نموده است.

۲. تحلیل تطبیقی نقش آمریکا در تحولات کشورهای مصر و یمن در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

پایان نامه. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم سیاسی. ۱۳۸۱.

ص:۲۷۷

استاد راهنما: احمد بخشایشی اردستانی

استاد مشاور: جعفر قامت

دانشجو: محمدجواد راستیان اردستانی

چکیده:

خاورمیانه به جهت برخورداری از ذخایر چشمگیر و گستردهٔ انرژی و نیز به عنوان شاهراه ارتباطی جهان، یکی از مهم ترین مناطق مورد هدف آمریکاست که زمینهٔ نفوذ سردمداران آن را در این منطقه، فراهم و تسهیل نموده است. دو کشور مصر و یمن به جهت دارا بودن مؤقعیت خاص ژئوپلتیکی و سوق الجیشی از مهم ترین کشورهای این منطقه به شمار می آیند.

حسنی مبارک و علی عبدالله صالح، دیکتاتورهای حاکم بر این دو کشور از دیرباز تعامل نزدیکی را با آمریکا برقرار کرده اند؛ به گونه ای که به عنوان مجری سیاست های آمریکا در منطقه، شناخته شده اند و این کشور نیز با کمک های خود از حکومت آنها حمایت می کرده است. این درحالی است که مردمان یمنی و مصری با مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوانی دست و پنجه نرم می کنند.

ص:۲۷۸

تحولات ایجادشده در دو منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا که از اواخر سال ۲۰۱۰ و از کشور تونس آغاز گردید، علتی شد تا مردم مصر و یمن نیز در مخالفت با حکومت دیکتاتوری مبارک و عبدالله صالح، قیام و مقدمات کناره گیری آنها را فراهم کنند.

نقش آمریکا در تحولات مصر و یمن به واسطهٔ اهداف خاورمیانه ای این کشور بوده است؛ یعنی آمریکا می کوشید با استفاده از دموکراسی هدایت شده در کشور مصر، موانع زیادی را در جهت سقوط سریع حسنی مبارک ایجاد نکند تا بتواند بدنهٔ اجتماعی این کشور را همچون گذشته در کنترل خود داشته باشد؛ اما نتوانست موج انقلاب مردم را مدیریت کند.

تجربهٔ تلخ مدیریت کشور مصر سبب شد تا در یمن به گونهٔ دیگری از سقوط رژیم علی عبدالله صالح جلوگیری نماید این بار با استفادهٔ ابزاری از شورای همکاری خلیج فارس، برای انتقال مسالمت آمیز قدرت در این کشور از سیاست عربستان سعودی حمایت کند.

۳. بررسی نقش اسلام در تحولات خاورمیانه (مطالعهٔ موردی کشور یمن)

پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

موضوع: علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۲

ص:۲۷۹

استاد راهنما: امیر نیاکویی

استاد مشاور: رضا سیمبر

دانشجو: مجید اسدی

تحولات شکل گرفته در منطقهٔ خاورمیانه از مهم ترین و جنجالی ترین پدیده ها و مباحث جهان امروز به شمار می رود. قیام هایی که جرقه شان در کشور آفریقایی تونس زده شد و پس از سرنگونی رئیس جمهور دیکتاتور این کشور، با سرعتی چشمگیر به سایر نواحی منطقه از جمله مصر، لیبی، بحرین، یمن و چند کشور دیگر تسری یافت و در طول چند ماه، دومینویی از اعتراضات و خیزش ها را در منطقه سامان داد. مردم نیز به عنوان مهره ها و بازیگران اصلی این حوادث، برای سرنگونی رژیم های استبدادی حاکم بر کشورشان به پا خاستند. حاکمیت اسلام در این کشورها به مطالبات بخش گسترده ای از معترضان مردمی، ماهیتی اسلامی بخشید.

به جهت گستردگی دامنهٔ تحولاتِ به وقوع پیوسته در منطقه، بررسی وقایع کشور یمن به عنوان هدف این رساله، تعیین می گردد و همچنین سعی بر آن است تا جایگاه ممتاز و منحصر به فرد اسلام گرایی و گروه های اسلامی در تحولات این کشور مورد

ص:۲۸۰

مطالعه قرار گیرد؛ اگرچه جریان اسلام گرایی در منطقه از نحله های مختلفی همچون سلفی گرایی تا نوگرایی دینی تشکیل شده است. محوریت مباحث این نوشتار، نقش گروه های اسلام گرای «الحوثی» و «زیدیه»، گروه های جهادی و سایر تشکل های اسلامی فعال در روند تحولات یمن با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و نیز منابع و اسناد مرتبط با این موضوع خواهد بود.

۴. بررسی موانع دموکراسی در جهان عرب (مطالعهٔ موردی کشور یمن)

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه، ۱۳۸۸.

استاد راهنما: محمد باقر خرمشاد

استاد مشاور: محمد جواد کاشی

دانشجو: عبدالرحمن راجح

۵. کتاب: اویس خمینی(جنبش الحوثی یمن و دیدگاه های شهید حسین الحوثی)

تألیف: حمید رضا غریب رضا

ناشر: دفتر نشر معارف

مقدمهٔ کتاب:

مبالغه نیست اگر جنبش پُرتکاپو و دامنه دار شیعیان یمن را حزب الله دوم منطقه بنامیم و سلسله جُنبان این حرکت، یعنی شهید

سیدحسین بدرالدین الحوثی را اویس خمینی بدانیم. در بخش اول کتاب با عنوان «آشنایی با جنبش الحوثی و تحولات یمن» به موضوعاتی مانند تاریخ و اندیشهٔ گروه الحوثی، جنبش شیعیان صعده، رهبران و بنیان گذاران این جنبش ها، پرداخته که تاریخچه و اندیشهٔ راهبردی این جریان را بررسی نموده است. بخش دوم کتاب نیز به ترجمهٔ تعدادی از مهم ترین سخنرانی های شهید حسین الحوثی از جمله «عبرت های عاشورا»، «ولایت اسلام یا ولایت یهود و آمریکا؟!» و «هیچ کس در برابر خدا عذری ندارد» اختصاص داده شده است.

۶. وبلاگ شیعیان یمن

(www.alyamani.blogfa.com) (نگاهی به تحولات یمن/ در یمن چه می گذرد؟)

محمود پیربداغی از کارشناسان یمن و نویسندهٔ وبلاگ شیعیان یمن است. فرازی از یکی از یادداشت های ایشان که در تاریخ ۳۰ شهریور سال ۱۳۹۳ نگارش شده، به این شرح است:

«سبحان الله، درست ۱۰ سال پیش در همین ایام بود که علی محسن با محاصره جبال مران و با خدعه و نیرنگ موفق شد حسین بدرالدین الحوثی و یاران وفادارش را مظلومانه به شهادت برساند. اکنون پیروان حسین بدرالدین فاتحانه در پایتخت،علی محسن

الأحمر را تسلیم اراده خود کردند. « وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ خَیْرُ الْمٰاکِرِینَ » (سوره ۳ آیه ۵۴). از ده سال پیش تاکنون،نوجوانان زیدی که در شش جنگ و تحولات بعدی صعده آبدیده شدند امروز آنقدر برومند و توانا هستند که در پایتخت با یکی از دشمنان سرسخت خود سرشاخ می شوند. زمان تسویه حساب فرارسیده است.« وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً » (سوره ۱۷ آیه ۳۳) تسویه حساب های بعدی هم انشاء الله به موقع انجام خواهد شد.

و درست ۵۲ سال پیش در همین ایام بود که نظام امامت زیدیه سقوط کرد و جمهوری خواهان به پیروزی رسیدند. البته ۸ سال طول کشید تا نظام جمهوری در یمن مستقر شد. مذهب زیدیه در یمن به حاشیه رانده شد. مدارس زیدی بیشماری تعطیل شدند. بسیاری از علمای زیدی را ترور کردند. برخی جلای وطن کردند. پس از ۱۱ قرن زیدیه شمشیر را بر زمین گذاشت و در لاک خود فرو رفت.همچون درختی که شاخ و برگهایش را زده بودند اما ریشه هایش را هرگز نتوانستند ببینند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدها در صعده زنده شد. با وحدت یمن در ۱۹۹۰ نفس ها تازه شد. با عقب نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در ۲۰۰۰ زیدیه به پاخاست و به آرامی حرکت کرد. در شش جنگ از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ از حیثیت خود دفاع کرد و نشان داد که حذف شدنی

ص:۲۸۳

نیست. تا به امروز که عبدالملک جوان یک طرف تأثیرگذار در یمن به حساب می آید».

۷. صفحات مشرقه من حیاه الشهید القائد السید حسین الحوثی

کتاب «صفحات مشرقه من حیاه الشهید القائد السید حسین الحوثی»، نوشتهٔ یحیی قاسم عواضه که در سال ۲۰۱۳ توسط مؤسسهٔ زیدعلی صحاح منتشر گردید، زندگی نامهٔ شهید سیدحسین الحوثی را به تصویر کشیده است. خلاصه ای از ویژگی های شهید براساس روایت این کتاب، این چنین است:

روز پنج شنبه، ۱۷ ینابر ۲۰۰۲ در تاریخ امت اسلامی یک روز تاریخ ساز محسوب می شود که در آن حسین الحوثی با شکستن دیوار سکوت و ذلت، بر سر مستکبرین فریادی برآورد و اثبات کرد هنوز افرادی هستند که ذلت و خضوع در برابر غیر خداوند را انکار می کنند و این فریاد کرامت و آزادی بر زبان او جاری شد:«الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، العنه علی الیهود، النصر للاسلام». این، یک فجر جدیدی بود که در آن ذلت گذشته به فراموشی سپرده می شد.

شهید حسین، مسیری را برای عزت و آزادی امت باز نمود تا با آگاهی بخشی و پیروی از قرآن، مسیر آیندهٔ امت اسلامی را بازشناسند و در مقابلهٔ با دشمنان آن تلاش کنند. سخن گفتن از این

شهید، سخن از انسانی است که انسانیت را در زندگی اش معنا بخشید؛ مردی که آیات قرآن در او تجلی کرده بود؛ مردی شجاع که سخن گفتن از او آسان نیست. عظمتش بسیاری را به اعجاب واداشته بود. برخی از سخاوت، برخی از تواضع، برخی از علم و برخی از اهتمام او به امور مردم در تعجب بودند.

بدرالدین بن امیرالدین بن الحسین بن محمد الحوثی، پدر سیدحسین، در ماه شعبان سال ۱۳۷۹ هجری (فبرایر ۱۹۶۰م) در منطقهٔ الرویس بنیبحر در منطقهٔ ساقین استان صعده به دنیا آمد. فقیهی مجاهد، با تقوا، عالم و مصداق آیهٔ شریفهٔ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» بود. نسبت به تربیت خانواده و اهتمام به امور امت بسیار اهمیت می داد. حسین در پرتو محبت پدرش به ساحت اهل بیت رشد یافت و به اذعان خودش هرچه دارد از برکات پدرش است که او را با تربیت قرآنی پرورش داده است.شهید سیدحسین در برخی از ویژگی ها، ممتاز و معروف بودند؛ از جمله:

احسان

او مصداق عبادالله المحسنین بود و در رفع نیازهای مردم و کاهش آلام آنها بسیار تلاش می کرد. در سخنرانی ها نیز از حضرت موسی و یوسف پیامبر بسیار سخن می گفت که در آیات قرآن با عنوان محسنین از آنها تعبیر شده است. استاد ضیف الله الدریب که در

صنعا هم منزل شهید حسین بوده است، نقل می کند: یکی از فرزندان حسین در اطراف منزلش با یک اتومبیل تصادف کرد. مردم راننده را گرفته و جمع شده بودند. وقتی سیدحسین رسید، در حالی که فرزندش بین مرگ و زندگی بود، پرسید: چه کسی با فرزندم تصادف کرده است؟ مردم راننده را نشان دادند. سیدحسین با آرامش به آن مرد گفت: برو به سلامت. و سپس به مردمی که از این رفتار شهید در تعجب بودند، گفت: برای این مرد همان اضطرابی که در زمان تصادف به وجود آمده، کافی است و شاید این کودک نیز در تصادف نقشی داشته باشد.»

شجاعت

شجاعت سیدحسین بسیار نادر و با رأفت، حکمت و انصاف، همراه و در نبردی که بر او و یارانش تحمیل می شد، بی نظیر بود. در حالی که معرکهٔ جنگ را حکیمانه اداره می کرد، تبسم همچنان بر چهره اش نمایان بود. در یکی از جنگ ها در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی بی سی که «تو در محاصره ای؛ چرا خودت را تسلیم نمی کنی؟» گفت:

تسلیم شدن غیر قابل قبول است؛ موضع ما یک موضع دینی است. برای چه ما باید تسلیم جنایتکاران شویم؟ آیا ما باید تسلیم کسی بشویم که مجری سیاست های آمریکا و اسرائیل است؟ تسلیم کسی

شـویم کـه برای رضـایت آمریکـا به مـا حمله کرده است؟ موضـع مـا یـک موضـع دینی است و می جنگیم و دفـاع می کنیم تا پیروزی و نصرت الهی به ما روی آورد.

و باز می فرماید:

آنها با ما دشـمنی می کننـد؛ چون ما ضـد آمریکا و اسـرائیل هستیم و چون ما براساس منطق و مسـیر قرآنی حرکت می کنیم و مردم براساس این منطق مسئولیت دارند در برابر جنایات آمریکا ایستادگی کنند در حالی که سفیر آمریکا در تمام یمن مداخله می کند و این موضوع را همه می دانند؛ اما ما می گوییم: ما به یاری خداوند در تلاشمان استمرار داریم.

سخاوت

سخاوت و بخشـش سیدحسین در مهمان نوازی، زبانزد خاص و عام بود. سید مجاهد محسن صالح الحمزی نقل کرده است که در مران همراه با عـده ای از دوسـتان ساعت ۹ شب، میهمان منزل سیدحسـین شدیم و از همان غذای حاضـر که بسـیار مناسب بود، خوردیم. ساعت یک بعـد از نصف شب متوجه تحرکاتی در منزل شـدیم در اثر دقت زیاد متوجه شـدیم که سیدحسـین و خانواده اش گوسـفندی را ذبح و برای تهیهٔ صبحانهٔ میهمانان، قطعه قطعه کرده اند. من از این اکرام سیدحسین که تمام شب را برای فراهم کردن راحتی میهمانان

مشغول بودند، متعجب بودم. استاد ضیف الله حسین الدریب که در صنعا هم م نزل سیدحسین بود، روایت می کند که تعامل سید با میهمان، یک تعامل خاص بود. زمانی که میهمانی در منزل نداشتیم، غذایمان ساده و بیشتر ماست بود؛ اما وقتی میهمانی می آمد، با وجود آن که من مسئول خرید بودم، سیدحسین برای خرید بیرون می رفت و هر چیزی را که برای کامل بودن سفرهٔ میهمان، لازم بود، تهیه می کرد؛ به طوری که برخی از میهمانان فکر می کردند وضعیت مادی ما خوب است؛ اما این از کرم شهید بود که علی رغم اشتغالات زیاد، به مدت طولانی با میهمانان همراه بود و با آنها به گفت وگو می پرداخت تا احساس راحتی داشته باشند.

رویکرد جهادی

مسیر جهادی حسین، میراث پدرش بود که در برابر گسترش وهابیت در یمن به مقابله برخاست و با سیاست های آمریکا و بریتانیا در راستای استعمار کشورهای اسلامی، آشکارا مبارزه کرد. سیدحسین نیز خطر گسترش وهابیت در یمن را درک می کرد که چگونه به دنبال گسترش افکار باطل خود و هدم هویت دینی مردم هستند. شهید با نشر کتب، مقالات و سخنرانی های مختلف، پدرش را در مبارزه با این جریان خطرناک وهابیت یاری نمود. این رویکرد

حسین و پدرش بذر کینهٔ آنها را در دل وهابیون و قدرت های حامی آنها کاشت.

مردی قرآنی

بدون شک او مردی مرحله و قرآنی بود. سیدیوسف المدانی نقل کرده است که از سید بدرالدین (پدر شهید) در مورد فضیلت سیدحسین پرسیدم. جواب داد: خداوند حسین را انتخاب و به نحوی کامل کرده است که در این زمان مانندی ندارد. و یا در نامه ای که بدرالدین در خلال جنگ اول به پسرش، شهیدحسین که در جرف سلمان بود، نوشت: بدان هیچ کس مانند تو در این زمان مکائد یهود و نصارا را نمی شناسد. سیدعبدالملک بدرالدین الحوثی نیز در مورد سیدحسین می فرماید: السیدحسین کان شخصیه استثنائیه.

۸. شبکه المسیره

این شبکه رسانه رسمی جنبش انصارالله محسوب می شود :

www.almasirah.tv

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹